
فصل دوم

مطبوعات کمونیستی ایران در مهاجرت در دوران رژیم ارتجاعی پهلوی و بحران سرمایه‌داری جهانی (سالهای ۱۹۳۳ - ۱۹۴۵)

۱ - مبارزه مطبوعات کمونیستی ایران در راه تبدیل حزب به يك سازمان توده‌ای

در سال ۱۹۲۵ سلسله قاجار در ایران سرنگون و رضا خان در ۱۲ دسامبر سال ۱۹۲۵ در مجلس مؤسسان بعنوان شاه ایران اعلام شده، بر تخت نشست. رضا شاه پس از قلع و قمع جنبش دمکراتیک در کشور، برقرار دیکتاتوری نظامی در ایران را در پیش گرفت، فعالیت تمام احزاب و سازمانهای مرفقی قدغن و بازداشتهای دسته جمعی آغاز شد. بسیاری از کمونیستها و شخصیتهای مرفقی سندیکائی به قتل رسیدند. صفوف حزب کمونیست ایران به طور چشمگیری کاهش یافت. حزب مجبور بود دوباره به کار مخفی روی بیاورد.

بدنبال نشریات کمونیستی و کارگری، جراید دمکراتیک نیز تعطیل شدند. مدیران جرایدی چون «ستاره ایران»، «وطن»، «ایران آزاد» و غیره از سوی حکومت تحت پیگرد شدید قرار گرفتند (۱). روزنامه‌نگاران و نویسندگان بدون اجازه پلیس حق انتشار حتی يك مقاله در مورد هیچ موضوعی را نداشتند. انتشار کتابها، حتی درباره موضوعهای بسیار معمولی هم بدون اجازه و کنترل پلیس ممکن نبود.

۱ - روزنامه «پیکار»، ۱ سپتامبر ۱۹۳۱، شماره ۱۲ (از این پس: پیکار...).

گمونیستهای ایران در دشوارترین شرایط ارتجاع و ترور میکوشیدند انتشار مطبوعات حزبی را از سرگیرند. کارگران جنوب ایران در سال ۱۹۲۷ در زمان اعتصاب کارکنان نفت آغاز به انتشار روزنامه «حیات کارگری» کرد. اما این روزنامه بزودی از سوی پلیس تعطیل شد.

سازمان جوانان حزب کمونیست ایران که فعالیت مخفی داشت، در سال ۱۹۲۷ اقدام به انتشار روزنامه «بلشویک جوان» نمود. این روزنامه در بین دانشجویان و جوانان پخش میشد. حسن‌آف عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و رضا روستادبیر سازمان جوانان روزنامه را منتشر میکردند. اما بدلیل بیکرد پلیس، روزنامه جمعا دو شماره منتشر شد.

همراه با روزنامه «بلشویک جوان» کمونیستها میکوشیدند ارکان تئوریک حزب را نیز منتشر کنند. و در مارس سال ۱۹۲۷ اولین شماره مجله «جرقه» از چاپ خارج شد.

برای اینکه سوعظن پلیس برانگیخته نشود، مجله رسما به نام داروساز م. ت. ناصحی ثبت شده بود و نویسندگان برجسته بانامهای مستعار در صفحات آن مقاله درج میکردند. «جرقه» نیز مدت کوتاهی منتشر و پس از دو شماره تعطیل شد.

در سپتامبر سال ۱۹۲۷ در ارومیه کنگره دوم حزب کمونیست ایران بطور غیر علنی فراخوانده شد. در کنگره دوم حزب جمعا ۲۰ نماینده که عمدتا از طرف سازمانهای حزبی تهران، تبریز، اردبیل، رشت و انزلی بودند، حضور داشتند.

در جریان کارکنگره اوضاع جهانی و داخلی ایران، مسائل ملی و ارضی، ساختمان منقعی، برنامه جدید حزب، فعالیت سازمان جوانان، کار بین زنان و غیره مورد بررسی قرار گرفت (۱).

در تصمیمات کنگره اشاره شد که شعار اصلی حزب عبارتست از مبارزه در راه نابودی سلطنت و تشکیل جمهوری انقلابی، دفاع از حق حاکمیت و تمامیت ارضی کشور، تحکیم روابط دوستانه میان ایران و اتحاد شوروی، دولت جمهوری باید بقایای فئودالیسم را از بین برده و زمین را بین دهقانان تقسیم کند، در کشور آزادی و دموکراسی کامل برقرار کند، قانون کار تدوین نماید و از سازمانهای انقلابی کارگران، پیشه‌وران و کشاورزان دفاع کند (۲).

کنگره همچنین ضرورت ویژه مطبوعات حزبی را در مبارزه علیه دیکتاتورن

۱ - کنگره دوم حزب کمونیست ایران مطالعات راجع به اوضاع اقتصادی داخلی و جهانی ایران دو سند از حزب کمونیست ایران-تهران، ۱۳۵۹، ص. ۸۶-

رضا شاه و امپریالیسم، در حفظ و تحکیم حزب در شرایط خفقان شدید، خاطرنشان ساخت. پس از کنگره دوم حزب، کمیته ایالتی آذربایجان حزب کمونیست ایران موفق شد در سالیهای ۱۹۲۹ - ۱۹۲۷ روزنامه «فریاد کارگران آذربایجان» و مجله «شر ارد» را در تبریز منتشر کند. انتشار این ارگانهای حزبی در دشوارترین شرایط و در دوران کاملاً مخفی، نقش معینی در سازماندهی مبارزه توده‌های زحمتکشان علیه بهره‌کشی و ستم حکومت موجود ایفاء کرد.

اما این مطبوعات بدلیل پیگردهای پلیسی، بطور نامنظم، هر ۴ - ۲ ماه تنها یک شماره منتشر میشدند.

در سال ۱۹۲۹ کمیته ایالتی خراسان حزب کمونیست ایران در شهر نیشابور روزنامه «کمونیست» را به شیوه چاپ پلی کپی منتشر کرد.

سازمانهای شهری حزبی تبریز، تهران، رشت، قزوین، اصفهان و دیگر شهرها که مخفیانه فعالیت میکردند به جز جراید و مجلات، در حد امکان اغلاصدها و شناسنامه‌هایی که سیاست دولت رضا شاه را افشاء میکرد و مردم را به مبارزه فرا میخواند منتشر میکردند. شماره‌های جداگانه نشریات حزبی که مدت کمی برقرار میماندند و خوانندگان وسیعی را در برنمیگرفتند، مسلمانان نمیتوانستند پاسخگوی نیازهای مطبوعات حزبی باشند. یک ارگان سیاسی حزبی لازم بود که سلاح واقعی اعضای حزب در مبارزه برای تحق و وظایفی که در برابر حزب کمونیست ایران قرار داشت، باشد. اما انتشار چنین ارگان حزبی در خود کشور امکان پذیر نبود.

م. ج. جوادزاده (پیشهوری) یکی از سازمان دهندگان حزب کمونیست ایران در خاطرات خود نوشت: «با به حکومت رسیدن رضا خان، شرایط فعالیت ما تغییر کرد، و هنگامی که بازداشتها و فشارهای شدید آغاز شد ما مجبور بودیم اشکال و شیوه‌های کار را اساساً تغییر دهیم.

ما با فعالیت در عرصه مطبوعات در اروپا، در پشت مرزهای «دیوار چین» که پلیس رضا خان بطور کشور کشیده بود، جراید و مجلات خود را منتشر کردیم» (۱). حزب کمونیست ایران با در نظر گرفتن وضع سیاسی موجود در کشور، تصمیم گرفت ارگانهای مرکزی حزب را در خارج منتشر و آنها را مخفیانه به ایران رسانده و بخش کند.

بدین ترتیب دوران مهاجرت مطبوعات کمونیستی ایران در کشورهای اروپای غربی آغاز شد. باید یادآور شد که احزاب کمونیست برخی کشورهای اروپائی بویژه آلمان و فرانسه در تربیت مارکسیستهای جوان از میان ایرانیان نقش بزرگی ایفاء کردند. آلمان و فرانسه یکی از پیشرفته ترین کشورهای سرمایه‌داری بودند که جوانان ایران

برای تحصیل به آنجا میرفتند. دانشجویان ایران با اقامت چندین ساله در این کشورها که احزاب کمونیستشان در آنزمان بسیار با نفوذ بودند، با جنبش کمونیستی و با ایدئولوژی مارکسیست - لنینیستی آن روبرو میشدند.

در اواخر دهه ۲۰ در برلین توسط جوانان مترقی ایرانی «اتحادیه مبارزه با رژیم مستبد رضا شاه» بوجود آمد که با کمونیستهای ایرانی همکاری نزدیکی داشت. رهبران این اتحادیه دانشجوی دانشگاه برلین تقی اراتی بود که بعدها دانشمند بزرگ مارکسیستی و رجل اجتماعی - سیاسی جنبش کمونیستی ایران شد. حزب کمونیست ایران به فعالیت این اتحادیه و به هدفمندی رهبری آن در مبارزه علیه ارتجاع توجه ویژه‌ای معطوف داشت و به تقی اراتی کمک کرد تا از دانشجویان مترقی ایرانی در آلمان يك جمع متحد بوجود آورد (۱).

عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران اردشیر اوانیسیان در خاطرات خود در باره حزب کمونیست ایران مینویسد: «در اواخر سالهای ۲۰ و در اوایل سالهای ۳۰ - ۲۲ رهبری حزب توجه بخارج از کشور نمود و فعالیتهایی هم در خارج از کشور میشد. اعضای رهبری گاه اکثرا در ایران بودند. بعضی از آنها موقتا، یا برای مدت نسبتا طولانی در خارج از کشور بسر میبردند. ادبیات مارکسیستی در خارج از ایران بچاپ رسانده با انواع وسائل بایران میرساندند رهبری حزب در اروپا تشکیلات کمونیستی دایر نمود. گروهی کمونیست ایرانی در فرانسه با تشکیلات برلین ارتباط داشتند. سرپرست گروه کمونیستهای ایرانی در آلمان مرقمعی علوی بود. کسی که از کمیته مرکزی اکثر به اروپا سرکشی میکرد سلطان زاده بود. قسمت عمده این عملیات با کوشش و رهبری او انجام میگرفت» (۲).

مجله «ستاره سرخ» که از سال ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۲ ابتدا در وین و سپس در برلین چاپ میشد. ارکان مرکزی حزب قرار گرفت. در این مدت جمعا ۱۲ شماره منتشر شد. «ستاره سرخ» نشر اندیشه‌های مارکسیسم - لنینیسم را وظیفه اصلی خود قرار داده بود. مجله در مقاله برنامه خود، هدف اصلی خود را چنین بیان کرده بود: «کمیته مرکزی فرقه کمونیست ایران نظر به تقاضا و تمایل بسیاری از تشکیلات حزبی مصمم بوده طبع و نشر ارکان علمی حزبی اقدام غایب تا اینکه اعضاء جوان حزب ما بتوانند از نزدیک با مسائل علمی و عملی مارکسیزم و لنینیزم آشنا شوند» (۳).

- ۱ - آگاهی. ع. م. گسترش اندیشه‌های مارکسیسم - لنینیسم در ایران - باکو (۱۹۶۱). ص. ۱۱۶ (بزبان روسی). - (از این پس: آگاهی ع. م. کتاب نامبرده).
- ۲ - مجله «دنیا». ۱۳۴۱. شماره ۱. ص. ۲۶ (از این پس: دنیا...).
- ۳ - مجله «ستاره سرخ». ۱۹۲۹. شماره‌های ۸ - ۷. ص. ۷. (از این پس: ستاره سرخ...).

شماره سوم و چهارم

شماره اول

(خرداد و تیرماه ۱۳۰۸ مطابق روز و تریه ۱۳۰۹)

ستاره سرخ

(مجله ناسیانه)

ارگان کمیته مرکزی فرقه کمونیست ایران

قیمت اشتراک:

در خارج	در ایران	سالانه
۳ دلار	۳ تومان	۱۰۰۰
۲۰۰	۳۰۰	۱۰۰
۱۰۰	۱۰۰	۵۰

H. Blauvelt
Wien VII, Postfach 65

آدرس اداره:



روی جلد مجله ستاره سرخ

«ستاره سرخ» ارگان تفویک حزب کمونیست ایران به شمار می‌آمد. حزب همچنین به روزنامه منظمی برای توده‌های گسترده‌تر خوانندگان، بویژه کارگران نیاز داشت.

در مقاله «مسائل اساسی فرقه کمونیست ایران در مبارزه برای حصول اتحاد کارگران و دهاقین و ایجاد حکومت رنجبری» درباره اهمیت و ضرورت مطبوعات مخفی و علنی سخن به میان آمده است. در پاراگراف «ایجاد و بخش مطبوعات کارگری» به اهمیت جراید و اعلامیه‌ها در امر آموزش سیاسی و تربیت انقلابی توده‌های وسیع زحمتکشان اشاره شده است. چرا که «بدون انتشار روزنامه ناشر افکار فرقه تربیت انقلابی توده کارگر و دهقان مخصوصاً تعلیم اصول مارکسیستی و لنینیستی اعضا غیر ممکن خواهد بود» (۱).

در قرائیکه در کنفرانس دانشجویان انقلابی ایران در اوایل سال ۱۹۳۱ در کلن قبول شده بود ضرورت انتشار روزنامه که بتواند هم در داخل کشور و هم در میان دانشجویان ایرانی در کشورهای اروپا مفید واقع گردد ثبت شده بود.

روزنامه که در دو هفته یک شماره نشر می‌یافت، می‌بایستی از یک طرف استبداد پهلوی را افشا نموده و مردم ایران را برای مبارزه علیه رژیم پهلوی دعوت بدقیام نماید و از طرف دیگر اهالی کشورهای اروپا را با وضع رقت بار ایران آشنا و ماهیت دروغین تبلیغات رژیم را رسوا بنماید.

کمونیستهای ایران با توجه به نظام دمکراتیک موجود در آلمان و وجود دستگاههای چاپ به الفبای فارسی، تصمیم به انتشار یک روزنامه در برلین گرفتند. روزنامه «بیکار» وظایفی را که کنفرانس کلن پیش کشیده بود، به شایستگی انجام داد.

روزنامه «بیکار» در اولین سال انتشار خود از ۱۵ فوریه تا ۱۵ اکتبر سال ۱۹۳۱ به چاپ می‌رسید. در این مدت جمعا ۱۵ شماره منتشر شد. ناشر رسمی روزنامه یک آلمانی بنام کارل ونر بود و فعالیت «بیکار» را مرتضی علوی یکی از رهبران سازمان برون مرزی حزب کمونیست ایران رهبری میکرد. ناشر دو شماره آخر روزنامه که در سال ۱۹۳۲ در وین چاپ شد، محمود پایدار بود.

مسائلی را که مجله «ستاره سرخ» و روزنامه «بیکار» مطرح میکردند، تقریباً در برگیرنده تمام وظایف اصلی که در برابر حزب و برنامه مصوبه کنکره دوم آن در سال ۱۹۲۷ قرار داشت، بود.

در هر دو ارگان حزب کمونیست ایران مقاله‌هایی درج میشد که به مسائل درون حزبی اختصاص یافته بود. از رژیم پهلوی و امپریالیسم انکلیس انتقاد میکرد و جنبش کارگری و انقلابی را بازتاب میداد. مسائل ارضی، ملی و قومی نیز از نظر دور نبودند.

هم ارکان تشویک حزب «ستاره سرخ» و هم روزنامه «بیکار» مرتبا خوانندگان را با اسناد حزبی آشنا میکردند و نامه‌های خوانندگان را به چاپ میرساندند.

مطالبی که به فعالیت و وظایف حزب کمونیست ایران اختصاص یافتند، بویژه در صفحات «ستاره سرخ» درج شده از نظر حلت انتقاد از جنبه‌های مشخص فعالیت حزبی متمایز بود. ارکان حزب کمونیست ایران منعکس کننده بلاتفرم سیاسی حزب به شمار می‌آمد. در این بلاتفرم گرایشها و اختلافات جدی میان جنبه‌های جداگانه که در حزب فعالیت میکردند وجود داشت و ارکان حزب از موضع مشخص سیاسی حرکت میکرد.

مطالبی که در مقاله‌هایی بنام «توده‌ای کردن حزب ما» و «ملاحظات» درج شده است، به سائلی در باره تجدید سازمان حزب که در کنگره دوم حزب کمونیست ایران مورد بحث قرار گرفته بود، اشاره شده است.

معلوم است که پس از شکست جنبش آزادی بخش و دمکراتیک در کشور و به قدرت رسیدن رضا شاه که بدنبال خود فشارهای شدیدی بر علیه نیروهای دمکراتیک به همراه آورده بود. بین رهبری حزب که نتوانسته بود گردش چنین حوادث را پیش بینی کند، اختلافات جدی بر سر محتوای اجتماعی سلطنت رضا شاه بوجود آمد. اگر نمایندگان جناح راست خصائل مرفعی رژیم جدید را قدری مبالغه میکردند، اما «چپ‌ها» آنها را کاملاً نادیده میگرفتند. کنگره دوم حزب کمونیست ایران که برای احیاء وحدت سازمانی و ایدئولوژیکی حزب فراخوانده شده بود، دیدگاههای جناحهای چپ و راست حزب را رد کرد. اما «تزا» و برنامه حزب دور از اشتباه هم‌گیر آنزمان «چپ‌روی - نیست» (۱)، در مجموع هم نویسنده «توده‌ای کردن فرقه ما» (مقاله با نام مستعار گ. س. نوشته شده بود) و هم هیئت تحریریه در «ملاحظات» تصمیمات کنگره دوم حزب کمونیست ایران را مآخذ قرار میدادند.

نویسنده مقاله «توده‌ای کردن فرقه ما» اشاره میکند که، تفاوت کمونیستهای ایران با انقلابیون بورژوائی ایران عبارت از فهم روشن و محکم تمام ماهیت مبارزات صنفی ما میباشد. کمونیستها در فعالیت خود بر تحلیل عمیق تکیه میکنند که در جریان آن اشتباهات آشکار میشود و نتایج مناسب بدست می‌آید. او نقش کنگره دوم حزب کمونیست ایران را در تاریخ جنبش کارگری ایران مهم ارزیابی میکند (۲). به نظر نویسنده کنگره دوم با پیروی از مصوبات و توصیه‌های انترناسیونال کمونیستی سوم چنین تحلیل ارائه داده بود و «همه اعضاء سالم انقلابی جدی فرقه ما را در اطراف کمیته

۱ - ع. کامبخش. نظری به جنبش کارگری و کمونیستی در ایران. - مجموعه مقالات از انتشارات حزب توده ایران، ۱۹۷۲، ص. ۴۵. (از این پس: ع. کامبخش کتاب نامبرده).

۲ - ستاره سرخ، ۱۹۲۹، شماره‌های ۴ - ۲، ص. ۴۵.

مرکزی جمع‌آوری کرده و توانست نه فقط عقیدتا با همه عناصریکه با مفکوره لنینی بی‌گانه بودند مبارزه نماید. بلکه توانست اغلب عناصر فاسده و بارهای سنگینی که از اولین روزهای تشکیل فرقه برایش تحمیل شده بود دوراندازد» (۱).

اما همانگونه که در مقاله اشاره میشد، در دوران پس‌ازکنگروه دوم، تمام وظایف تعیین شده، انجام نمی‌شد، مثلا حزب تا آن هنگام نتوانسته بود فعالیت خود را بانیاذهای حیاتی و خواسته‌های خلق پیوند دهد و جنبش انقلابی زحمتکشان ایران را به مسیر مبارزه آگاهانه هدایت کند.

نویسنده دعوت میکرد از تبلیغ کلی اندیشه‌های سوسیالیسی و کمونیستی به تبلیغ و ترویج شعارهای مشخصتر که بازندگی و مبارزه توده‌ها در پیوند باشد، روی آورده شود. بدین ترتیب نویسنده برای خارج ساختن حزب از یک جریان محدود و تبدیل آن به یک سازمان توده‌ای، لازم میدید که سازمانهای حزبی همه پرولتاریای ایران را فراگیرد و یک سلسله وظایف تاکتیکی برای دستیابی به این هدف اتخاذ شود.

در مقاله گفته میشد که حزب باید بخصوص اهمیت فراوانی بمبارزه برای اشکال علنی کار بدهد و به کمک اعضای خود که در سراسر کشور فعالیت میکنند، انجمنها، کلوبها، کمیته‌های گوناگونی بوجود آورد که علنا به یک سازمان سیاسی تعلق ندارند اما آنجا بتوان در بین توده‌های گسترده زحمتکشان کار تبلیغی و ترویجی کرد.

نویسنده نفوذ در دهقانان را که ستمکش‌ترین طبقه در ایران بودند در پرتو چنین فعالیت علنی ممکن میدید و به اشتباهات بزرگی که حزب در مورد مسئله دهقانان مرتکب شده بود اشاره میکرد (۲).

نویسنده مینوشت، نظم دادن و تحکیم سازمانهای حزبی برای تربیت کادرهای متخصص حزبی نیاز بکار فراوان دارد. در شرایط مبارزه مخفی ارتباط پایدار و ثابت بین سازمانهای محلی حزب و کمیته مرکزی آن اهمیت خاصی کسب میکند، نویسنده معتقد بود که توأم ساختن اشکال علنی و غیر علنی کار، انضباط آهنین و بویژه ارکان مطبوعاتی که باید حلقه رابط بین سازمانهای حزب و ناشر اندیشه‌های مارکسیستی - لنینیستی میان اعضای حزب باشد، شرایط اصلی «توده‌ای کردن حزب کمونیست ایران» بشمار می‌آیند و در این رابطه به مجله «ستاره سرخ» امید فراوان داشت. هیئت تحریریه مجله ضمن اعتراف به اهمیت موضوع «مقاله پیشین» لازم دید برخورد خود را به برخی مسائلی که در آن طرح شده بود، بیان کند. در «ملاحظات» اشاره میشد که «تفاوت و غلاست مشخصه ما از احزاب و انقلابیون بورژوازی تنها در فهم روشن مبارزه طبقاتی ما نیست ... نمیتوان گفت احزاب و انقلابیون بورژوازی ... تمام ماهیت مبارزات طبقاتی

۱ - همانجا، ص. ۴۶.

۲ - همانجا، ص. ۴۸.

خود را نهمیده و برای آن مبارزه نمی‌کردند ... اما حزب کمونیست نماینده طبقه کارگر اکثریت عظیم توده و زحمتکش جامعه است. این است که در این مبارزه انقلابیون پرولتاریاتی نه تنها منافع و آزادی پرولتاریات را به دست می‌آورند بلکه جامعه بشری و یک دنیائی را آزاد می‌سازند. این است اصل تفاوت انقلابیون بورژوازی از انقلابیون پرولتاریاتی» (۱).

هیئت تحریریه مجله با این حکم که دهقانان طبقه اصلی استثمار شونده در ایران هستند، موافق نبود. با اینکه دهقانان از نظر کمیت و نقش خود در زندگی اقتصادی کشور جای مهمی را اشغال می‌کنند، با این همه به عقیده هیئت تحریریه مجله، استثمار شونده ترین و در نتیجه انقلابی ترین طبقه در ایران، طبقه کارگر است. علیرغم اینکه «ایران یک مملکت زراعتی است و امروزه تاحدی پرولتاریات کم عده و ضعیف است. حزب کمونیست و کمونیستها که نماینده و مدافع منافع و نظریات کارگران هستند باید رول اولویت و تقدم پرولتاریات را در انقلاب ملی و سوسیالیستی فراموش نکنند» (۲).

بدین ترتیب هیئت تحریریه مجله ضمن موافقت با نویسنده «مقاله پیشین» در این مورد که وظیفه اصلی حزب در تبدیل آن به حزب توده‌ها نهفته است، اهمیت کار حزب میان دهقانان را که در مقاله «توده‌ای کردن فرقه ما» بر آن تاکید شده بود، نادیده می‌گرفت. و برقراری اتحاد نزدیک کارگران و دهقانان را مطرح نمی‌کرد.

و. ای لنین در کتاب «بیماری کودکی» «چپ گرائی» در کمونیسم» ضمن آشکار ساختن ماهیت کار انقلابی کمونیستی میان توده‌ها، نوشت: «... حزب کمونیستی که می‌خواهد پیشاهنگ و گروه پیشرو طبقه انقلابی یعنی پرولتاریا باشد و علاوه بر این می‌خواهد رهبری توده‌های وسیع نه تنها پرولتری بلکه توده‌های زحمتکش و استثمار شونده غیر پرولتری را بیاموزد، باید بتواند به صریحترین، روشنترین و زنده ترین شیوه هم برای توده شور، کارخانه «خیابان» و هم برای روستا تبلیغ کند. سازمان دهد و ترویج کند» (۳).

هیئت تحریریه مجله در مقاله «ملاحظات» نه تنها بر ضرورت برقراری پیوندهای نزدیکتر میان حزب و توده‌های وسیع زحمتکش که در «مقاله پیشین» بدرستی به ضعف آنها اعتراف شده بود، اشاره نداشت بلکه بر عکس، معتقد بود که «تشکیلات ما توانسته است ... بیش از پیش خود را به توده نزدیک کند» (۴) و برای ادعای خود اعتصابات

۱ - همانجا، ص. ۵۰، ۵۱.

۲ - همانجا.

۳ - و. ای. لنین، کلیات آثار، جلد ۱، ص. ۹۵.

۴ - ستاره سرخ، ۱۹۲۹، شماره‌های ۴ - ۳، ص. ۵۳.

کارگران ایران و تظاهرات زحمتکشان در روز اول ماه را شاهد می‌آورد.
بی تردید سازمانهای حزب کمونیستی ایران که با دشواری فروان به فعالیت خود در بین کارگران ادامه میدادند، نقش فراوانی در احیای جنبش کارگری ایران در سالهای ۲۸ - ۱۹۲۷ داشتند.

نویسندگان «ملاحظات» همچنین با فراخوانهای «مقاله پیشین» مبتنی بر بیوردی جوئی از اشکال علنی کار بدلیل وضع موجود سیاسی کشور، که «هر گونه کوشش برای تشکیل حتی معتدل ترین سازمانها با سرنیزه و شلاق روبرو میشود» (۱)، موافق نبودند. مسئله تاکتیک در جنبش انقلابی در مقاله دیگر بنام «مسائل اساسی فرقه کمونیست ایران در مبارزه برای حصول اتحاد کارگران و دهاقین و ایجاد حکومت رنجبری» درست طرح نشده بود. ارکان شوریک حزب اشاره میکرد: «فرقه نباید دنباله رو حوادث باشد باید خود را با تمام قوا حاضر و مستعد نماید» (۲). مجله همچنین به حکم تاکتیکی مهم و ای. ثنین و کمیترین در باره مهارت طبقه انقلابی در توأم ساختن اشکال علنی و غیر علنی مبارزه، پنهان کاری «جدی»، آمادگی برای تعویض فوری يك شکل با شكل دیگر برای انجام وظیفه خود، اهمیت نمیداد. بدین ترتیب ارکان حزبی از يك سوتلفیق اشکال علنی و غیر علنی کار را متذکر میشد و از سوی دیگر سازمان را به فعالیت بر اساس پنهان کاری کامل فرا میخواند. این رهنمود امکان نمیداد جنبش کارگری علنی شود

«ستاره سرخ» برای تحقق وحدت توده‌های گسترده کارگران بدور حزب، به تشکیل و فعالیت سندیکاهای منفی توجه ویژه‌ای داشت. در «ملاحظات» بدروستی اشاره شده بود که «بدون اجتماع کارگران در اتحادیه‌ها و بدون مبارزات سیاسی منافع کلی و آینده کارگران و تمرین و ورزش کارگران در مبارزات منفی، رابطه تشکیلات با توده‌ها ... با لنینیسم توده‌ای شدن فرقه ما فقط حرف خالی از معنی خواهد بود» (۳).
مجله در مقاله «مسائل اساسی فرقه کمونیست ایران ...» با اعتراف بداینکه حزب تاکنون با آنکه بیش از ۲۰۰ هزار کارگر در کشور وجود دارد، درباره سندیکاها تصمیمات جدی نگرفته، لازم میدید از ره تجلید سازمان سندیکاهای موجود، توده‌های گسترده کارگران را دربرگیرد، زیرا بدون تدارک امول انقلابی نمیتوان حزب را بدین نیروی بزرگ اجتماعی تبدیل کرد و آنرا از وضع سکتاریسم خارج ساخت.
در مقاله، علاوه بر سندیکاها به اهمیت تشکیل سازمانهای گوناگون توده‌ای تعاونیها، صندوقهای کمک متقابل، انجمنهای مستقل، کلوبها، قرائت خانه‌ها و غیره اشاره

۱ - همانجا.

۲ - ستاره سرخ، ۱۹۳۰، شماره‌های ۸ - ۷، ص. ۵.

۳ - ستاره سرخ، ۱۹۲۹، شماره‌های ۴ - ۳، ص. ۵۴.

میشد و متذکر می‌گردید که نقش آنها «کاملاً منوط به چگونگی ارتباط نزدیک کلیه مجامع کارگری خواهد بود» (۱).

مقاله‌ای که بنام «اتحادیه‌ها در ایران و وظایف حزب کمونیست ایران» در شماره‌های ۱۱ - ۱۰ مجله در سال ۱۹۳۱ درج شده به همین موضوع اختصاص یافته است. در این مقاله به نقش فعالیت سندیکاها در کامیابی توده‌ها و دستیابی به هدفی که حزب تعیین کرده بود اشاره شده. خواستها و شعارهای مشخص که کمونیستها در مبارزه خود باید بر آنها تکیه کنند و چه وظایف سازمانی در رابطه با تشکیل حوزه‌های حزبی، و رفع نواقص آنها که در برابر حزب قرار دارد مطرح شده است.

در مطالب بررسی شده مجله و نیز در دیگر مقاله‌های «ستاره سرخ» که درباره مسائل درون حزبی نوشته شده است، اشاره‌ای به این مسائل مهم نرفته و این درحالی بود که حزب در بحران شدید بسر میبرد و در برابر حل مسئله تبدیل به يك سازمان توده‌ای قرار داشت. از بین مطالبی که در روزنامه «پیکار» به وظایف و فعالیت حزب کمونیست ایران اختصاص یافته بود باید سلسله مقالاتی بانام کلی «ما چه می‌خواهیم» را که در شماره‌های ۱۳ - ۸ روزنامه درج شده و نویسنده آن آ. ذره بوده نام برد. اولین مقاله از این سری «انقلاب مشروطیت ایران و وظایف انقلابات بورژوازی دمکراسی» نام داشت. آ. ذره تحلیل نهضت مشروطه ایران در سالهای ۱۹۱۱ - ۱۹۰۵، عوامل داخلی و خارجی انقلاب را بدرستی نام برده و تأثیر انقلاب سال ۱۹۰۵ روسیه را بر رشد نهضت مشروطه در ایران دقیقاً بررسی میکند و مینویسد: انقلاب سالهای ۱۹۱۱ - ۱۹۰۵ به چه چیزی دست یافت؟

در مقاله چهارم که با نام «بعد از بیست و پنجسال مشروطیت» منتشر شد، پاسخ مشروحی به این سؤال داده شده است.

در مقاله گفته میشود که در طی ۲۵ سال پس از تصویب قانون اساسی، تمام دستاوردهای انقلاب که شرکت کنندگان جنبش به نهای خون خود به آن دست یافته بودند، نابود شده است. اکنون در مجلس حتی يك نماینده از کارگران و دهقانان نیست، آزادی بیان، مطبوعات و تشکیلات وجود ندارد و همه اندیشمندان متمدنی و کمونیستها در سیاه چالهای پالیس زیر شکنجه هستند. توده‌های دهقانان همچنان مورد ستم زمینداران بزرگ بسرکردگی رضا شاه هستند. وضع کارگران ایران که از حقوق ابتدائی خود محرومند، از دهقانان بهتر نیست.

تسلط خارجی و وجود فئودالیسم در ایران مانع رشد صنایع میشوند. ارتش ایران که به خوبی مسلح شده است، سلاح خود را نه بر علیه اشغالگران انگلیسی بلکه علیه توده‌های انقلابی ایران نشانده گرفته است.

بورژوازی ایران که زمانی در مبارزه علیه امپریالیسم زیر پرچم دموکراسی با توده‌های خلق ایران متحد شده بود، امروزه به نوکر امپریالیسم و حکومت شاه تبدیل شده است (۱).

در آخرین مقاله از این سری بنام «قائد انقلاب آتیه ایران، مرام و مقاصد ما» گفته شده بود که «فقط طبقه انقلابی کارگر است که باتفاق زارعین دهات و عناصر زحمتکش شهر قادر بانجام این مامویت تاریخی میباشد» (۲).

نویسنده با اشاره به اینکه «بورژوازی ضعیف و ترسوی ایران بهیچ وجه لایق و قادر به انجام انقلاب دموکراسی بورژوازی نبوده» تأکید میکرد که «فقط طبقه کارگر از طبقه زارعین زودتر تحت تشکیلات درآمده و بواسطه شرایط کار خود از آنها فبمیده‌تر و آگاه‌تر و انقلابی‌تر میباشد و بواسطه حزب انقلابی خود قادر بر رهبری کردن مبارزه تمام طبقات زحمتکش بر علیه ارتجاع امروزی خواهد بود. در مقاله مسائلی را که انقلاب آینده ایران باید حل میکرد، پیش کشیده شده بود:

«ما میخواهیم انقلاب بورژوازی دموکراسی ایران را که ۲۵ سال قبل شروع شده و تا با امروز بانجام نرسیده بیابان برسانیم.

ما میخواهیم تمام اراضی ملاکین و موقوفات و خالصه را ضبط و بلاعوض بین زارعین تقسیم کنیم.

ما میخواهیم به استعمار بیحد و حصر کارگران... خانمه داده بیکاری و فقر و بدبختی آنها را با تمام برسانیم... قانون ۸ ساعت کار برای کارگران وضع و اجرا کرده. و سائل معاش کارگران و زحمتکشان ایران را تامین نمایم.

ما میخواهیم صنعتگران شهری را از ورشکستگی و فقر و افلاس در نتیجه رقابت استعد خارجی نجات داده و ترقی صنایع فابریکی ایران را بقیمت خون آنها تمام نکنیم. یعنی وسیله تشکیل کوپراتیفها و آرتلها و با تاسیس کارخانجات و غیره نگذاریم آنها از صف استحصال بیرون بیفتند.

ما میخواهیم آزادی قلم و اجتماعات و نطق را حقیقتاً برای توده‌های زحمتکشان تامین نموده و آزادی اتحادیه‌های کارگری و اجتماعات زارعین و کوپراتیفها و نمایشات و ستینگها و مجامع را حقیقتاً عملی نمایم...» (۳).

پس از آن درباره واکذاری حقوق برابر به اقلیت‌های ملی ساکن ایران، لغو امتیازات خارجی در ایران، برقراری رابطه دوستانه با تمام خلقهای خاور زمین و با اتحاد شوروی، ایجاد جمهوری متحد خلقهای ایران و درباره تشکیل دیکتاتوری کارگران و دهقانان که

۱ - بیکار، ۱۵ سپتامبر ۱۹۳۱، شماره ۱۲.

۲ - همانجا.

۳ - همانجا.

ایران را از کشور مستعمره و عقب مانده به يك دولت نیرومند و مترقی تبدیل کند، سخن بمیان آمده است

«پیکار» با اشاره به این که «این رژیم هنوز استقرار رژیم سوسیالیستی نبوده ولی برپا کردن يك چنین حکومت، مرحله آخر انقلاب بورژوازی و مقدمه دخول بدوره انقلاب اجتماعی، خواهد بود» (۱).

بدین ترتیب «پیکار» نیز مانند «ستاره سرخ» در واقع مسئله سرکردگی پرولتاریا را در سیمای پیشاهنگ آن - حزب کمونیست ایران در انقلاب بورژوا - دمکراتیک ایران پیش می کشید و این هنگامی بود که حزب کمونیست ایران از اسکانات واقعی رهبری جنبش دمکراتیک در کشور برخوردار نبود. این نظرات در مقاله «انقلاب ملی عبارت از چیست و چرا ما طرفدار آن هستیم؟»، آمده است. در این مقاله اندیشه های تئوریک مارکسیسم - لنینیسم در باره انقلابهای بورژوائی و بورژوا - دمکراتیک، امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه داری، انقلاب ارضی و اهمیت آن و درباره سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب آینده تبلیغ شده است (۲).

بدین ترتیب در اواخر دهه ۲۰ و آغاز دهه ۳۰ حزب کمونیست ایران در سناجرت ارگانهای مرکزی خود را منتشر میکرد. فعالیت آنها در راه انجام وظایفی بود که در این زمان در برابر حزب قرار داشت.

یکی از اساسی ترین این وظایف عبارت بود از برطرف کردن وضعیت سکتاریستی در حزب و تبدیل آن به يك سازمان توده ای.

سیاری از مطالب ارگانهای مرکزی حزب کمونیست ایران، بویژه مقاله های مربوط به مسائل درون حزبی، درست به این مسئله اختصاص یافته بود.

مجله «ستاره سرخ» و روزنامه «پیکار» ضروت برقراری پیوند پایدار و ثابت با توده های گسترده کارگران را متذکر میشدند، به اهمیت کار در بین دهقانان، ارتشیان، زنان و جوانان اشاره میکردند و وظایف حزب در امر تربیت کادرهای متخصص انقلابی و نیز ایجاد و فعالیت سندیکاهای کارگری را یادآور میشدند.

مطبوعات حزبی ضمن بررسی مسائل تاکتیکی اختلافات موجود بین رهبری حزب در مورد مسائل تاکتیک جنبش انقلابی را بازتاب میدادند. در صفحات «ستاره سرخ» و «پیکار»، هویت «انقلاب آینده» ایران که مطبوعات حزبی آنرا گاه «پرولتاری» و گاه «بورژوا - دمکراتیک» مینامیدند، پیش کشیده نشده است. مواضع دقیق و مشخص در این مورد، نتیجه سیاستی بود که حزب کمونیست ایران در این زمان در پیش گرفته بود و آن در واقع عبارت بود از تلاش برای پریدن از مرحله نیمه تمام انقلاب 'بورژوا -

۱ - همانجا.

۲ - پیکار، ۱ ژوئیه، ۱۹۳۱. شماره ۸.

دمکراتیک، فراخوانهای ارگان تئوریک حزب در مورد قطع همکاری با بورژوازی ملی را میتوان به دلیل همین امر دانست. در این باره در بخشهای بعد سخن خواهد رفت.

۲- انتقاد از سیاست داخلی و خارجی رژیم پهلوی و مبارزه در راه منافع حیاتی توده‌ها

نشر اندیشه‌های مارکسیستی - لنینیستی، دفاع از اصول ایدئولوژیک سیاسی حزب کمونیست و تحقق آنها، در صفحات ارگانهای مرکزی حزب کمونیست ایران صورت میگرفت.

در بین مطالب روزنامه «پیکار» و مجله «ستاره سرخ» مقاله‌هایی در افشاء دیکتاتوری رضا شاه، سیاست داخلی و خارجی حکومت پهلوی و توسعه طلبی انگلیس در ایران جای مهمی را اشغال میکنند. انتقاد از رژیم پهلوی و اسپرالیسم انگلیس تقریباً در تمام مطالب نشریات حزبی به موازات هم انجام میگردد، چراکه «پیکار» تأکید میکند «... حکومت ایران کلا دست نشانده انگلیسی‌هاست» (۱).

همانگونه که مبارزه بر سر قدرت میان گروههای مختلف طبقات ثروتمند در آغاز دهه ۲۰ در ایران به برقراری ائتلاف بورژوا-ملاکی انجامید استقرار سلطنت رضا شاه پهلوی هم در اواخر سال ۱۹۲۵، نشانگر به قدرت رسیدن این ائتلاف بود. جراید کمونیستی ایران نقش اصلی در به قدرت رسیدن رضا خان را از آن انگلیسی‌ها میدانستند و در تمام مطالب خود قاطعانه و مطمئن بر آن تأکید میکردند. پیروزی آسان و غیرمترقبه رضا خان (که در آن هنگام نخست وزیر بود و سیاست متمرکز ساختن دولت را اعمال میکرد) برخوانین فتودال بویزه برشیخ خزعل که از حمایت کامل انگلیسیها برخوردار بود، بعنوان دلیل آورده میشد.

روزنامه «پیکار» در مقاله «سیاست جاسوسی انگلیسی‌ها در ایران» ملاقات رضاخان با لورن سفیر انگلیس در سال ۱۹۲۴ در اهواز را و در جریان این دیدار بند امضاء رسیدن یک عهد نامه محرمانه را به تفصیل شرح میدهد.

هرمز نویسنده مقاله با بررسی مواد این عهدنامه که در آن از ایجاد شرایط توسعه فعالیت شرکت نفت انگلیس - ایران، واگذاری امتیاز ساختمان راه آهن و شوسه تنها به انگلیس و ... سخن رفته بود، تأکید می‌کند. بطوریکه واقعا هم رضا خان پس از اینکه شاه ایران شد، تمام شرایط «عهدنامه اهواز» را اجرا کرد (۲).

۱ - پیکار - ۱۵ فوریه ۱۹۳۱، شماره ۱.

۲ - پیکار، ۱ ژوئن، ۱۹۳۲، شماره ۶.

آ. سلطانهزاده در مقاله «رضا خان و فتودالیسم در ایران» ضمن رد مطالب جراید انگلیسی و ایرانی که لشگرکشی‌های نظامی رضا خان برای سرنگونی پایه‌های فتودالی در ایران توصیف میکردند، نوشت: «سرکوبی خزل و خان ماکو فی حد ذاته هیچ چیز نیست جز از بین بردن فتودال‌های کوچک و مرکزیت دادن حکومت مرکزی فتودالی... قوانین مدونه حکومت پهلوی اصول فتودالی را قوی‌تر نموده است» (۱).

روزنامه سپرسید به چه دلیل انگلیس که همراه با روسیه تزاری در ایران سیاست تفرقه بیانداز و حکومت کن را به منظور تضعیف کشور اعمال مینمود و ابتدا از فعالیت‌های تجزیه طلبانه خانها علیه دولت مرکزی ایران حمایت میکرد، ناگهان کمک به رضا خان را آغاز نمود؟ او دلیل چنین تغییر ناگهانی سیاست انگلیسی‌ها را در آن میدید که پس از زوال حکومت تزاری و ایجاد حکومت شوروی «امپریالیزم انگلیس خود را در محنته سیاست ایران بی رقیب یافته خود را معروف نمود که حکومت مرکزی را تقویت نموده، از یکطرف در مقابل انقلاب ایران و بالشویسم سدی بنا نموده و از طرف دیگر سیاست حکمرانی خود را سیاستا و اقتصادا اجرا مینماید» (۲).

سیاست امپریالیستی انگلیس در ایران در محفحات «ستاره سرخ» مورد انتقاد شدیدتر و همه جانبه‌تری قرار گرفت. مجله معتقد بود که انگلیسی‌ها پس از شکست سید ضیاء که به طرفداری از آنها مشهور بود، از امید بستن به رضا خان که در آن زمان شهرت کمی داشت، دو هدف را دنبال میکنند: سرکوب جنبش انقلابی ایران و تحکیم دوباره نفوذ متزلزل شده اقتصادی و سیاسی خود در ایران، به عقیده مجله رضا خان اولاً با ایجاد ارتش ملی و دوماً با ابراز «احساسات دوستانه» نسبت به اتحاد شوروی و نیز متحد کردن نیروهای مترقی جامعه باور خود باشمار ایجاد «جمهوری» میتواند وظایفی را که در برابر او قرار داشت به انجام رساند.

جراید کمونیستی هدف اصلی استراتژی سیاسی بریتانیای کبیر را در حمایت از سیاست تمرکز دولت در ایران کاملاً درست تشخیص داده و می‌نوشتند که آنها میخواهند از ایران «نیرومند» بعنوان مانعی علیه گسترش اندیشه‌های اکتبر در کشور، بویژه در متصرفات مستعمراتی انگلیس بهره‌جوئی کنند.

بدلیل سیاست وحشیانه و غارتگرانه دول امپریالیستی در وحله اول انگلیسی، منابع ملی ایران در وضع اسف باری قرار داشت. مهمترین ثروت کشور یعنی نفت توسط انگلیس که به کمک شرکت نفت انگلیس - ایران و بانک شاهنشاهی رسته‌های اصلی حیات اقتصادی کشور را در دست خود داشت، تصاحب شده بود. «ستاره سرخ»

مطالب جداگانه‌ای را بفعالیت این دو مؤسسه عظیم یعنی اهرم‌های اصلی سیاست استعماری انگلیس در ایران، اختصاص میداد.

م. سنجابی نویسنده مقاله «کمپانی نفت انگلیس و ایران، یا تکیه‌گاه قدرت نفتی بریتانیای کبیر» تاریخ پیدایش شرکت نفت انگلیس - ایران را که نه فقط از منافع نفت جنوب بلکه از منابع شمال کشور نیز بهره‌برداری میکرد، مفصلاً شرح داده و نشان میداد که شرکت بتدریج به «دولت در دولت» تبدیل میشود. سنجابی با استناد به واقعیتها و ارقام تأکید میکرد که شرکت نفت انگلیس - ایران با تأمین نیازهای خود عمدتاً از انتقال بخش عمده سود به خارج از کشور رشد انباشت و پیشرفت بازار داخلی کشور را متوقف کرده است (۱).

در مقاله دیگر «آنکلوپرشن اوایل کمپانی و جزئیات آن» اشاره میشد که در آبادان (که غنیترین منابع نفت در آن وجود دارد و تمام شرایط برای رشد بالایشگاه‌ها و کارخانه‌های تولید مواد نفتی موجود است) رشته‌های صنعت نفت رشد نمیکنند، زیرا شرکت نفت انگلیس - ایران با در اختیار داشتن نیروی کار ارزان به هر نحوی مانع ایجاد صنایع ملی میشود (۲).

در بین اصلاحاتی که توسط حکومت رضا شاه انجام گرفت از جمله تجدید سازمان سیستم مالی بود که در نتیجه آن در سال ۱۹۲۸ بانک ملی ایران گشایش یافت و مانع فعالیت بانک شاهنشاهی انگلیسی گردید.

در مقاله مقتدر سراج بنام «بانک شاهنشاهی وسیله استثمار امپریالیستی ایران» عملکردهای مالی بانک شاهنشاهی مورد تحلیل جدی قرار گرفته است. نویسنده، مقاله را از تاریخ پیدایش بانک شاهنشاهی در ایران توسط بارتینر در سال ۱۸۸۹ آغاز میکند و سپس تمام عملکردهای مهم بانک را که سودهای فراوانی از بازار ایران به جیب میزد مورد بررسی قرار داده و با شرح مفصل آخرین عملکردهای بانک که با تاریخ زیان فعالیت میکرد ثابت میکند که این بانک انگلیسی ابزار وابستگی و ستم بر مردم کشور است.

به عقیده م. سراج بانک ملی که فعالیت خود را با سرمایه محدود آغاز کرد، نمیتوانست با بانک شاهنشاهی رقابت کند. با وجود این نویسنده معتقد بود که ایران با تاسیس بانک ملی در راه رهایی از بند بانک شاهنشاهی قرار گرفت. البته واقعیت ایجاد بانک ملی حاکی از مداخله قاطع دولت در عرصه گردش پول و اعتبار است که طبیعتاً میتواند موجب نگرانی انحصارات انگلیس بشود. اما هنگامی که ایران در وابستگی اقتصادی به انگلیس قرار داشت و بخشی از کشور در اشغال نیروهای بریتانیایی

۱ - ستاره سرخ، ۱۹۳۰، شماره‌های ۸ - ۷، ص. ۸۸.

۲ - ستاره سرخ، ۱۹۲۹، شماره‌های ۴ - ۳، ص. ۸۲.

بود (خلیج فارس - مصب شط العرب). مجله «ستاره سرخ» با فرض اینکه بتوان از راه فسخ صلح آیزو قرار داد، انحصارات انگلیسی را از میان برداشت، مسئله ضرورت مبارزه انقلابی علیه امپریالیسم خارجی را هم پیش میکشید.

ارگانهای مطبوعاتی ماهیت ارتجاعی سیاست رضا شاه را درست تشخیص میدادند. اما نسبت به برخی جوانب این سیاست مواضع يك جانبه اتخاذ ميكروند. مثلاً ارگانهای مطبوعاتی حزب کمونیست ایران با محکوم کردن همه جانبه مبارزه رضا شاه علیه آریستوکراسی فئودالی به منظور اعمال سیاست متمرکز کردن، متذکر نمیشدند که اجرای بيگير چنین سیاستی تا اندازه‌ای دولت را به انجام يك سلسله اقداماتی و امید دارد که استعداد مقاومت ایران در برابر توسعه طلبی دولتهای امپریالیستی را افزایش میدهد.

ساختمان راه آهنها و شوسه‌ها از طرف رضا شاه به گونه‌ای طرح ریزی شده بود که ایران را از اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی جدا کند و یا ساختمان مؤسسات ذوب فلز، (بطوریکه نشریات حزبی تاکید میکردند) تنها پاسخگوی منافع آلمان بود. در عین حال به رشد طبقه کارگر در ایران، وحدت کارگران و تحکیم سازمانهای آنها کمک میکرد.

درست است ارتشی که رضا شاه بوجود آورده بود «مدافع حکومت استبدادی» (۱)، بشمار میامد و انگلیسیها «درجنگ علیه جمهوری شوراها به آن بسیار امیدوار بودند» (۲). اما این ارتش در همان حال ميتوانست درجهبه نیروهای ضد امپریالیستی که سیاست متمرکز کردن رضا شاه به پیدایش و تحکیم آن کمک میکرد، قرار گیرد. اما نشریات حزبی به این جوانب مسئله نمی‌پرداختند.

«ستاره سرخ» و «پیکار» به مجلس ملی ایران توجه فراوانی داشتند. «ستاره سرخ» با اشاره به اینکه «جلس از نوکران وفادار و مطمئن سلطنت برگزیده شده است و ابزار مطیع رضاشاه به شمار می‌آید. برای تصویر کامل مجلس ایران، آساری از ترکیب اجتماعی نماینده‌گان آن ارائه داد که عبارت از «۶۲ ملاک، ۱۹ روحانی، ۱۴ تاجر بزرگ ملاک و دلال و ۲۹ منورالفکر هوچی که نان خور رژیم پهلوی بودند» و زحمتکشان ایران حتی يك نماینده در مجلس نداشتند (۳).

در مجله جدول جالبی آورده شده که نسبت تعداد آراء داده شده به تعداد کل ساکنین يك منطقه نشان داده میشود و این حاکی از آن است که حکومتگران باتقلب در انتخابات حتی فرصت نکردند درباره تعداد ساکنین منطقه مورد نظر اطلاع کسب کنند.

۱ - پیکار، ۱۵ فوریه ۱۹۳۱، شماره ۱.

۲ - ستاره سرخ، ۱۹۳۰، شماره‌های ۸ - ۷، ص. ۴.

۳ - ستاره سرخ، ۱۹۲۹، شماره‌های ۲ - ۱، ص. ۴۵.

مثلا دربار فروش که جمعا ۲۰ هزار نفر جمعیت داشت ۲۲ هزار رای، در بوجود با ۲۰ هزار نفر جمعیت ۲۵ هزار رای و درخرم آباد برای ۱۰ هزار نفر ساکن آنجا ۲۰ هزار رای داده شده بود ... (۱).

حادثه کتک زدن فرخی یزدی نماینده مجلس و سباز مشهور راه آزادی و مدیر روزنامه «طوفان» در مجلس که سخنانش در مجلس اهمیت سیاسی زیادی برای کشور داشت در روزنامه «حبل‌المتین» سال ۱۹۲۰ توصیف شده است. «پیکار» در مقاله‌ای بنام «آزادی انتخابات یا آزادی کتکردن» با اشاره به این حادثه نوشت: «حکومت رضا خان کار استبداد و تور را بجائی رسانده است که حتی اگر کسی کلمه آزادی را در مجلس شورا بر زبان بیاورد دچار فحش و کتک واقع میگردد» (۲).

حکومت رضا شاه با در نظر گرفتن ضرورت آماده کردن کادرهای ملی، اصلاحاتی در تقسیم آموزش بعمل آورد. در سال ۱۹۲۷ مجلس کانون آموزش همگانی ابتدائی و در سال ۱۹۲۸ بودجه تحصیل دانشجویان در خارج از کشور را تصویب کرد (۳).
دانشجویان ایرانی چه علومی را فرا میگرفتند؟

«پیکار» در مقاله «محصّلین ایرانی در اروپا» مینوشت: «عده محصلین دولتی و تقسیم بندی آنها واضح و آشکار نشان میدهد که مقصود حکومت از اعزام محصل باروپا فقط برای این است که دستگاه حکومتی را با تمام وسائل جدید مسلح نموده تا آنکه بهتر بتواند از هر نوع طغیان ملی جلوگیری کند و اصول استبدادی را پا برجا نگاه دارد» و ادامه میدهد: «یک قسمت عمده از محصلین دولتی محصلین وزارت جنگ میباشند که یا در امور نظامی و یا در مسائل متعلقه بنظام تحصیل می نمایند. مهمتر آنکه از بین هزار نفر محصل دولتی در فرانسه دویست نفر آنها در قسمت تأمینات و جاسوس سیاسی تحصیل میکنند» (۴).

«پیکار» نظارت سفارتخانه‌های ایران در کشورهای اروپای غربی بردانشجویان ایرانی و دست یازی سفارتخانه‌ها به هر اقدام تروریستی برای جلوگیری از برپائی جلسات آزاد دانشجویان را شرح داده و جوانان را به شرکت در جنبش علیه حکومت جنایتکار فرامیخواند و از آنان میخواست تا آلت دست ارتجاع قرار نگیرند. «ما با آن اشرافزاده‌هایی که باسم «محصل» سجاغ خیابان‌های اروپا را ذرع مینمایند کاری نداریم. روی سخن فقط با آن محصلینی است که از بین طبقه متوسط و بی‌بضاعت ایران بیرون آمده در اروپا تحصیل مینمایند. این دسته از محصلین که امروزه بخرج دولت در اروپا

۱ - همانجا.

۲ - پیکار، ۱۵ فوریه ۱۹۳۱، شماره ۱.

۳ - مختصری از تاریخ نوین ایران، مسکو ۱۹۷۶، ص. ۷۷. (بزبان روسی).

۴ - پیکار، ۱۵ فوریه ۱۹۳۱، شماره ۱.

تحصیل مینمایند بایستی بدانند که این پول از کیسه ملت زحمتکش ایران بیرون میاید و آنها همین منت توده زحمتکش ایران میباشند نه حکومت جبار رضا خان. از پول ملت ایران تحصیل کردن و حکومت رضا خان خدمت کردن این بزرگترین خیانتی است که این عناصر در باره طبقه زحمتکش ایران انجام میدهند» (۱).

بحران اقتصادی جهانی سالهای ۱۹۳۳ - ۱۹۲۹ که به دولتهای بزرگ امپریال-لیستی ضربه زد، بر ایران نیز که با هزاران رشته با این دولتها در ارتباط بود، تاثیر عمیقی بخشید. تاثیر ویرانگر بحران بر وضع اقتصادی ایران پیش از همه در وخاست شدید تجارت خارجی و سپس در همه رشتههای اقتصاد کشور بروز کرد.

تاثیر بحران همچنین بر وضع دشوار کشاورزان و کارگران منعکس شده بود. «بیکار»، در مقاله‌ای بنام «بامساعدت آقایان این بحران برطرف خواهد شد» ضمن اشاره به ارتش ۵۰ هزار نفری بیکاران، گرسنگی و فقر حاکم در شهرهای و روستاها، نقل میکرد که وزیر دادگستری ایران داور از تریبون مجلس توده‌های ناراضی خلق را با این تسکین میداد که «بحران اقتصادی تنها ایران نیست که دچار شده است متولترین ملل امروز دچار بحرانند» و میکوشید آنان را به این معتقد سازد که «با وجود اینحال دولت از چندی پیش در خصوص اقتصادیات فکرهاژی کرده و با مساعدت آقایان در آتید نزدیکی این بحران بر طرف خواهد شد» (۲). «بیکار» دلیل بحران را در نظام موجود کشور میدید و خطاب به آقای داور می‌نوشت: «همان ملاکین مرتجع و خائنین و عمال رسمی امپریالیزم انگلیس که در مجلس و دولت و دربار با اسم و کالا و وزیرا جلوس کرده‌اند باعث این بحران هستند. تا زارع ایران از قید اسارت ملاک و تنزیل خور آزاد نشود، تا کارگر ایران خودش صاحب صنایع ایران نباشد، تا ریشه امپریالیزم انگلیس از ایران کنده نشده و تمام امتیازات آنها در ایران لغو نشود بحران‌های اقتصادی تا ابد برقرار خواهد بود» (۳).

«بیکار» برخی اصلاحاتی را که رضا شاه در سالهای بحران اقتصادی جهانی انجام داده بود، مورد انتقاد قرار داده و ضمن مقاله‌ای بنام «حکومت ملاکین و قانون انحصار تجارت خارجی در ایران» را به آن اختصاص داده و می‌نوشت که رضا شاه میکوشید از طریق تصویب این قانون، روابط بازرگانی با اتحاد شوروی را محدود سازد و این پاسخگوی منافع انگلیس بود (۴).

روزنامه ضمن بیان درست این نکته که بحرانها زائده خود نظام سرمایه‌داری‌اند

۱ - بیکار، ۱۵ فوریه ۱۹۳۱، شماره ۱.

۲ - همانجا، ۱۵ مارس ۱۹۳۱، شماره ۲.

۳ - همانجا.

۴ - بیکار، ۱ آوریل ۱۹۳۱، شماره ۳.

و تاریخی که این نظام وجود دارد شرایط بحران همیشه وجود خواهد داشت، معتقد بود یگانه نیروی که میتواند این شرایط را از بین ببرد، انقلاب سوسیالیستی است. بعنوان مثال از اتحاد شوروی یعنی یگانه دولتی که دچار بحران اقتصادی نشده بود، نام می برد. از بین مطالبی که به امپریالیسم انگلیس اختصاص یافته است باید مقاله‌هایی را که از طرحهای تجاوزگرانه انگلیسیها علیه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سخن میگفت، نام برد. در این طرحها نقش زیادی برای ایران تعیین شده بود. از جمله این مطالب عبارتند از: «جنگ آینده علیه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و رول ایران رضا شاه در آن» («ستاره سرخ»، شماره‌های ۶ - ۵)، «انگلیسیها ایران را برای جنگ آینده حاضر میکنند» («پیکار»، شماره ۲)، «رول ایران پهلوی در تهیه جنگ آبی ضد اتحاد شوروی» («پیکار»، شماره ۵) و ...

«ستاره سرخ» تنها نقشه‌های انگلیسیها و حکومت شاه را علیه اتحاد شوروی توصیف میکرد و وظایف حزب کمونیست ایران را در رابطه با دفاع از اتحاد شوروی بیان نمیداشت، ولی «پیکار» ضمن شکافتن علل سیاست تجاوزگرانه دولتهای امپریالیستی علیه دولت سوسیالیستی، مینوشت: «از بین رفتن حکومت شوروی نه تنها لطمه موقتی به آمال سوسیالیزم است بلکه حکومتی نظیر حکومت تزاری روی کار خواهد آورد که عواقبش برای ایران اظہار من الشمس است. ما باید این قسبه را بخوبی حس کرده و با تمام قوه برای خنثی کردن عملیات ایران برباد ده حکومت کنونی قیام کنیم» (۱).

همانطور که در بالا اشاره شد، انتقاد از رژیم پهلوی و افشاء امپریالیسم انگلیس در صفحات هر دو ارگان حزبی به موازات یکدیگر صورت میگرفت. اما «ستاره سرخ» و «پیکار» در اکثر موارد به توصیف تسلط انگلیسیها در ایران (این بویژه خاص مطالب «ستاره سرخ» بود) و افشاء دیکتاتوری رضا شاه محدود میشدند و این مسائل را با جنبش کارگری و انقلابی در کشور پیوند نمیدادند و بدین ترتیب مسئله هم پیوندی انقلاب ضد امپریالیستی و ضد فئودالی را کمتر مطرح میکردند.

وضع کارگران ایران و مبارزه آنها در راه حقوق خود از عمده‌ترین مسائلی هستند که روزنامه «پیکار» به شرح آنها پرداخته است. این مسائل در صفحات «ستاره سرخ» نیز بازتاب یافته است. روزنامه «پیکار» در مقاله «نقضت کارگران نفت جنوب» که در شماره ۵ درج شد، به توضیح وضع دشوار مالی و شرایط طاقت فرسای زندگی و کار کارگران شرکت نفت انگلیس - ایران پرداخته و اشاره میکرد که کارگران ایران در تاسیسات نفت افراد طبقه پائین بشمار می‌آیند و درازای کار برابر با کارگران هندی، دستمزد کمتری میگیرند (نسبت به کارگران اروپائی جای خود دارد). آنها در زاغه‌ها

یا آلودگی‌های که بدست خود ساخته‌اند زندگی میکنند. برای هر مورد جزئی آنها را جریمه میکنند و کارگران حتی حق شکایت کردن هم ندارند. وضع کارگران در کارخانه‌ها و فابریکها از این بتر نیست. حکایات خود کارگران که در روزنامه «بیکار» در بخش «مکتوب‌ها» چاپ میشد، گواه این امر بود.

مثلا در «مکتوب از تبریز» (شماره ۶) از وضع دشوار کارگران تبریز کدسورد تزییقات دستگاه اداری و پلیس قرار داشتند. صحبت میشد و در «مکتوب از خوزستان» (شماره ۱۵) از شرایط کار کارگران راه آهن و کارگران کارخانه آجرسازی سخن بمیان آمده است.

در «مکتوب از تبریز» که در «بیکار» درج شده بود، کارگر اهرابی مینوشت: «هزاران بچه‌های کوچک عوض اینکه در خواب استراحت بوده یا اینکه از برای تحصیل به مدرسه بروند با لباس پاره بدون کفش به کار میروند. اجرت این بچه‌ها روزی از یک عباسی الی یک قران است. کارگران بزرگ از یک تا سه قران اجرت میگیرند. به زن‌ها از یک قران الی دو قران حق زحمت داده میشود. حالا ملاحظه نمائید نان سنگک پنج شاهی است. جای استکانی یک عباسی است و حساب نمائید با این اجرت که ما کارگران میگیریم آنا کفاف نان خالی و جانی ما و اطفال ما میشود یا نه؟ روزگار ما مانند روزگار سکفائی است که جنب دیوار باغ شاهزاده در روی خاکستر میخوابند. من هر روز که آن سگها را می‌بینم به خوشبختی آن سگها حسد میبرم ... محل کار ما در نهایت تاریک، زمین پر از خاک و هوای مرطوب میباشد. زمستان سرد و تابستان خفه است. در مدت کار از صبح الی شب هیچ راحتی نداریم. نهار خود را در پشت دستگاه میخوریم و از برکت دسترنج ما قالی‌های عالی و بر قیمت که هر قطعه آن از صد تومان تا هزار تومان بفروش میرود بافته میشود» (۱). در «ستاره سرخ» نیز نامه‌هایی همانند کارگران از تهران، آبادان و مشهد و مسجد سلیمان به چاپ میرسید (۲).

شرایط دشوار زندگی و استثمار شدید باعث شورش کارگران میشد. آنها در سندیکاها متشکل شده خواستهای خود را پیش کشیده و مشترکا علیه استثمار وحشیانه بیکار میکردند. فعالیت سندیکاها که زیر رهبری حزب کمونیست ایران متشکل شده بودند به اعتدای جنبش انقلابی کارگران ایران کمک میکرد. بطوری که «ستاره سرخ» اشاره کرده است در سال ۱۹۲۸، کارگران در تهران روز اول ماه مه را بطور گسترده جشن گرفتند. این روز از «جشن ساده کارگری مبدل به متینگ سیاسی و روز بعد دچار مبارزه با حکومت ارتجاعی پهلوی و منجر به توقیف و حبس‌های شدید شد» (۳).

۱ - بیکار، ۱ ژوئن ۱۹۳۱، شماره ۶.

۲ - ستاره سرخ، ۱۹۲۹، شماره‌های ۲ - ۱، ص. ۷۸ - ۶۶.

۳ - همانجا، ص. ۴۹.

حزب در بیانیه خود کارگران را به متحد کردن صفوف خود و مبارزه علیه سلطنت و امپریالیسم فرا خوانده بود. «ستاره سرخ» جریان برگذاری تظاهرات و میتینگ را عالی ارزیابی میکرد، چرا که این میتینگ برای کارگران تیران و سراسر ایران تجربه بزرگی بود. کارگران بی بردند که تنها با متحد شدن در سندیکاها میتوان مبارزات سیاسی را ادامه داد و علیه حکومت پهلوی مبارزه کرد. «اگر اتحادیه‌های کارگران تهران قوی بود حکومت پهلوی باین آسانی کارگران را متفرق و توقیف نمی‌نمود» (۱). مجله در شماره بعدی خود خطاب به کارگران چنین مینوشت: «رفقای کارگرا برای دفاع منافع طبقاتی خود باید اتحادیه‌ها تشکیل داده و در اتحادیه‌ها جمع شویم. در اول ماه مه ۱۳۰۷ به تمام دنیا و دیکتاتوری سرنیزه پهلوی ثابت کردیم که ایران کارگر دارد و کارگر منافع طبقاتی و تاریخی و آداب و رسوم خود را میدانند و میفهمند. در ماه مه ۱۳۰۸ باید ثابت کنیم که طبقه کارگر میتواند در اتحادیه‌های طبقاتی جمع شده و منظم با دشمنان طبقاتی خود و امپریالیزم انگلیس و سرمایه‌داران داخلی و خارجی و حکومت غارتگر پهلوی مبارزه کند. شمار امسال ما این است: با اتحادیه‌های منظم برای نمایشات اول ماه مه ۱۳۰۸ حاضر شویم!» (۲).

در ماه مه سال ۱۹۲۹ غنیمت‌ترین اعتصاب در تاریخ کشور یعنی اعتصاب کارگران نفت آبادان برگزار شد که شرکت نفت انگلیس - ایران را فلج کرد. در این اعتصاب قریب ۲۰ هزار نفر شرکت کردند. کارگران اصفهان، تهران، مسجد سلیمان و اهواز با کارگران نفت اعلام همبستگی کردند. حتی تجارهم در حمایت از کارگران مغازه‌ها را در بازار شهر تعطیل کردند (۳).

«ستاره سرخ» ضمن بیان موقعیت کارگران نفت در کنفرانسی که از سوی سندیکا‌های کارگران صنایع نفت جنوب باشکرت ۳ هزار نفر برگزار شد، جریان اعتصاب را بتفصیل شرح میداد. اعتصاب سه روز ادامه داشت و از سوی پلیس و واحدهای ارتشی که انگلیسی‌ها از بصره فرا خوانده بودند، قلع و قمع شد. در نتیجه درگیری ۲۰ کارگر و ۱۵ پلیس زخمی، ۳۰۰ کارگر از کار محروم، ۲۰۰ کارگر بازداشت و به زندان افکنده شدند و تنها پس از ۳ - ۴ سال از زندان آزاد شدند و بازگشت آنها به خوزستان ممنوع شد. پنج نفر از رهبران اعتصاب را روانه زندان تهران کردند (۴).

«ستاره سرخ» چنین شرح میدهد: «پس از سرکوبی اعتصاب عده از کارگران به تهران رفته و عریضای به نخست وزیر می‌دهند و از کمپانی نفت یعنی از ماسورین

۱ - ستاره سرخ، ۱۹۲۹، شماره‌های ۲ - ۱، ص. ۷۲.

۲ - همانجا، ص. ۷۳.

۳ - ستاره سرخ، ۱۹۳۱، شماره ۹، ص. ۳۷.

۴ - پیکار، ۱ آوریل ۱۹۳۱، شماره ۳.

انگلیسی که چنین ستمی را به کارگران روا داشته‌اند شکایت میکنند. ولی «تمام عرایض بدون اثر مانده و رئیس الوزرا شخصا جواب می‌دهد که چون کارگران بر ضد کمپانی قیام و اقدام نمودند حالا هم بایستی با خود او مذاکره کرده و کنار بیایند تا از تقصیر ایشان در گذشته خلاص کارگران را از حبس و تبعید تقاضا کند» (۱).

مجله در مقاله‌ای بنام «مرده‌شور هم گیرید میکند» نوشت: «رفقای کارگر -- زحمتکشان جنوب، شما تصور میکنید که رضاخان و مامورین او قدسی بدون رضایت کمپانی برای بیهودی حال شما بر می‌دارند؟ شما تصور میکنید عریضه زنها و اطفال شما مندرجه درجبل‌التمین اثرات خوبی از طرف رضاخان برای شما خواهد داد؟ جواب عرایض مظلومانه شما را انگلیسها بوسیله رضا خان با کلوله‌های توپ و تفنگ میدهند» (۲).

در ماه مه سال ۱۹۳۱ اعتصاب کارگران نساج کارخانه کازرون امشبان «وطن» که در آن ۵۰۰ نفر کار میکردند آغاز شد. این اعتصاب رویداد مهمی در تاریخ جنبش کارگری ایران بود.

«ستاره سرخ» و «پیکار» نوشتند که شرایط دشوار و تحمل ناپذیر کار، ۱۳ ساعت کار روزانه، دستمزد ناچیز، فحش و کتک زدن از سوی کارخانه‌داران، بیدادگری دستگاه اداری و مباشرین، کارگران را واداشت تا اعلام اعتصاب کنند. «پیکار» خواستهای کارگران را که در ۵ ماه مه سال ۱۹۳۱ به صاحب کارخانه اعلام شده بود، برشمرده و در بین آنها مواد زیر وجود داشت:

آزادی فعالیت سندیکا و صندوق کمک متقابل، لغو کار مزد ساعتی، ۸ ساعت کار روزانه با حداقل ۵ ریال دستمزد در روز، رعایت حتمی ایام تعطیل و جشنهای رسمی در تمام کارگاههای کارخانه و ... (۳).

«ستاره سرخ» اشاره کرد که اعتصاب کارگران نساج امشبان با موفقیت به انجام رسید. روز کار تا ۹ ساعت تقلیل داده شد، بازرسی بدنی لغو شد. برای صرف غذا و جای مکان و ویزدای اختصاص یافت و تنفس تا يك ساعت افزایش یافت. دستمزد به مقدار ۲۰٪ افزایش پیدا کرد، جریمه، فحش و تحقیر تا اندازه‌ای محدود شد (۴). آرگانهای حزبی هنگام سخن از نواقص و اشتباهاتی که در برگزاری اعتصاب پیش آمده بود، کم تجربیکی اعتصاب‌کنندگان و ناسامعده بودن روز و ساعت شروع اعتصاب را ذکر کردند (۵).

«ستاره سرخ» و «پیکار» اعتصاب در کارخانه نساجی «وطن» را موفقیت

۱ - ستاره سرخ، ۱۹۳۱، شماره ۹، ص. ۳۶ - ۳۷.

۲ - ستاره سرخ، ۱۹۲۹، شماره‌های ۶ - ۵، ص. ۱۰۰.

۳ - پیکار، ۱۵ ماه مه ۱۹۳۱، شماره ۵.

۴ - ستاره سرخ، ۱۹۳۲، شماره ۱۲، ص. ۲۹۲.

۵ - همانجا و پیکار، ۱ اکتبر، ۱۹۳۱، شماره ۱۴.

بزرگی در فعالیت حزب کمونیست ایران که سندیکا آن را رهبری میکرد، میدانستند، چرا که این اعتصاب برای کارگران مؤسسات دیگر در مبارزه برای حقوق خود، نمونه بود.

توجه فراوان مطبوعات کمونیستی به اعتصابها تصادفی نبود. مبارزه اعتصابی بویژه حلقه مهمی در زنجیره جنبش کارگری ایران بشمار میآمد. زیرا برخلاف اروپا که پرولتاریا میتوانست به کمک شیوه‌های منفی و دیگر اشکال «قانونی» مبارزه از منافع خود دفاع کند، کارگران ایران از حقوق ابتدائی سیاسی محروم بودند و حتی جزئی‌ترین مسئله را بناچار بکمک اعتصاب حل میکردند. اما ارگانهای حزبی ضمن شرح کامل جریان اعتصابات جداگانه، همیشه نمیتوانستند نتایج آنرا بسط داده و نشان دهند که اعتصابات کارگری چه اهمیت فراوانی در امر مبارزه انقلابی و طبقاتی پرولتاریای ایران دارند. علیرغم اینکه در این اعتصابات عمدتاً خواستهای اقتصادی که در جهت بهبود شرایط زندگی بود، مطرح میشد.

و. ای. لنین اشاره میکرد: «طبقه کارگر با دستیابی به بهبود شرایط زندگی، در همان حال از لحاظ روحی، ایدئولوژیک و سیاسی رشد میکند و برای اجرای اهداف والای رهایی بخش خود مستعدتر میشود» (۱).

ارگانهای حزبی بدون تحلیل اشتباهات و بدون تعمیم تجربه اعتصابات جداگانه نمیتوانستند پیشنهادات مشخصتری برای کمک به وحدت کارگران بلور حزب، تحکیم سندیکاها و رشد جنبش کارگری ارائه دهند.

هر دو ارگان حزبی میکوشیدند تمام جوانب مهم زندگی و مبارزه طبقه کارگر ایران را در برگیرند. مطالبی چون «حجاری قبرمان نهضت کارگری در ایران» (ستاره سرخ، ۱۹۲۹، شماره‌های ۲ - ۱)، «کارگران انقلابی معادن نفت جنوب قوه منفی خود را نمایش میدهند» (ستاره سرخ، شماره‌های ۴ - ۳) - «ایران و جنبش کارگران انگلیسی» («پیکار»، شماره ۷) - «وطنخواهی رجال امروزه و مناسبات آنها با کارگران» («پیکار»، شماره ۱۲) و ... گواه این امرند.

اما در اکثر این مقاله‌ها از جمله در مطالبی که به اعتصابات کارگران اختصاص یافته بود، خصوصیات یک حکایت ساده برتری داشت. مطبوعات حزبی برای جلب توجه خوانندگان خود به مسائل مهمی که در برابر آنها قرار داشت، از واقعیتها و رویدادهائی که در نامه‌های کارگران نوشته شده بود، کمتر استفاده میکردند. مثلاً «ستاره سرخ» در شماره نهم «بیانیه کارگران قالی‌یاف» را که در مشهد صادر شده بود، تجدید چاپ میکند. در این پیام درباره قتل یک کارگر نوجوان توسط استادش در یکی از کارگاههای

قائمیافی خراسان حکایت شده بود. اگر چه این حادثه و خواستنائیکه کارگران مطرح کرده بودند میتوانست مورد بحث همه جانبه و گفتگوی جدی درباره وضع کارگران و مبارزه آنها برای حقوق قرار گیرد، لکن «ستاره سرخ» در این باره هیچ شرحی ننموده.

نواقص فوق الذکر مقاله «نضت‌های انقلابی ایران بعد از جنگ عمومی» مندرج در «ستاره سرخ» را نیز شامل میشود. س. هرمن نویسنده مقاله ضمن تحلیل علل گسترش مبارزه سیاسی و جنبش‌های دمکراتیک در ایران پس از جنگ جهانی اول، وضع اقتصادی و سیاسی کشور را مورد بررسی قرار داده است. نویسنده رویدادهای سالهای ۱۹۲۱ - ۱۹۱۸ کیلان و روابط کمونیستهای ایران و میرزا کوچک خان را مفصلاً شرح داده و علل شکست انقلاب کیلان را در اعمال متضاد کوچک خان، فقدان برنامه ارضی، ضعف حزب کمونیست ایران و هجوم ارتجاع ایران میدید. با این همه، اشتباهات حزب کمونیست ایران در جریان انقلاب کیلان، کاملاً شرح داده نمیشود.

در مقاله همچنین در باره قیام محمد تقی خان در خراسان، قیام در آذربایجان به رهبری لاهوتی، شورش اسماعیل آقا سمیتکو در کردستان و در باره جنبشهای دیگری که در برخی مناطق ایران در گرفته بود، بتفصیل سخن رفته است. نویسنده تنها به شرح رویدادها پرداخته و خصلت عینی این قیامها را که در هر کدام از آنها خواستها و آماجهای گوناگونی پیش کشیده میشد، آشکار نمیکرد.

نویسنده بایکمی کردن این قیامها زیر عنوان «جنبش انقلابی - آزادیبخش» دلیل شکست تمام «این شورشهای حقیقتاً شجاعانه» را در «فقدان رهبری مرکزیت، ضعف فرقه سیاسی، عدم توانائی گسترش نضت در سایر نقاط مملکت، نداشتن پروگرام سیاسی، اقتصادی و انقلابی، حس اطمینان و کمی تجربه شرکت کنندگان شورش و بالاخره فقدان کمک‌های معنوی خارجی» میدید (۱). علیرغم نواقص فوق الذکر که در شرح مسئله جنبش کارگری وجود داشت، آرگانهای مطبوعاتی حزب نقش فراوانی در اعتلا و تقویت جنبش انقلابی در کشور در سالهای ۱۹۲۱ - ۱۹۲۹ ایفاء کردند. حتی حکومت ارتجاعی شاه که مبارزه شدیدی علیه جنبش کارگری و دمکراتیک برآه انداخته بود، به تاثیر نثریات کمونیستی در کارگران و زحمتکشان ایران اعتراف میکرد. ولی در همان حال موجودیت حزب انقلابی و پیش از همه حزب کمونیست در کشور را منکر میشد. روزنامه «پیکار» در «جواب به آقای فیهمی و طبقه حاکم ایران» نوشت: «بالاخره زمامداران کنونی ایران راجع بفعالیت و انتشارات انقلابی که از چندی باینطرف در تمام ایران دست بدست میگردد سکوت را شکسته در جلسه ۲۸ اسفند از زبان فیهمی «ولگیل» مجلس خشم درونی خود را بیرون ریختند ... خلاصه اظهارات ایشان این است

که منکر وجود فرقه کمونیستی و انقلابی در ایران هستند و دیگر آنکه ناشرین جراید و مجلات انقلابی سواد فارسی درست هم ندارند...» (۱).

روزنامه ضمن اعتراف به اینکه اکثر کمونیستها و کارگران واقعا بیسوادند چرا که حق سواد آموزی از ملت سلب شده است و حق استثنائی طبقه حاکم بشمار میآید، تاکید میکرد که برای مبارزه علیه این طبقه «آگاهی ستم دیدگی و شمشیر کافس است» (۲).

روزنامه با اشاره به «خدمتی» که فئمی به کمونیستهای ایران کرد و برای اولین بار در مجلس کلمه «کمونیست» را بکار برد مینویسد: «شاید حضرت عالی حقیقتا تصور میفرمایید که در ایران «جزء یک عدد کمی بیسواد» هیچگونه فرقه انقلابی و کمونیستی وجود ندارد؟ در این صورت خواهش داریم از دولت استیضاح بفرمایید که این یکصد و سی و یک نفر محبوس سیاسی که از قصر قاجار فرار کردند کیها بودند؟ مقصر سیاسی که محبسهای تهران و ولایت را پر کرده اند عبارت از چه اشخاص هستند؟ چرا پولنای ملت کفای ایران را صرف تحصیل و تربیت جاسوس برای نظمیه میکنند؟... اگر فرقه کمونیستی و انقلابی وجود ندارد پس این همه خودکشی شما برای چیست؟ آیا این خود دلیل بر این نیست که میخواهید با چهار دست و پا از شط سرکش نبضت انقلابی جلوگیری نمائید» (۳).

سئوالاتی که «پیکار» مطرح کرده بود، حاکی از این بود که حکومت شاه «با تمام نیرو از گسترش شعله جنبش انقلابی جلوگیری میکرد» (۴) و در این جنبش خدمات زیادی از آن نشریات کمونیستی بود.

ارگانهای حزبی به وضعیت کشاورزی کشور و وضع دهقانان ایران توجه فراوان داشتند. زیرا آنها پی برده بودند که حل ریشه‌ای مسئله ارضی اهمیت فراوانی برای زندگی اقتصادی و اجتماعی ایران دارد.

از بین مطالبی که به این مسئله اختصاص یافته است باید مقاله م. سرباز «مسئله فلاحت در ایران» مندرج در شماره‌های ۴ - ۲ و ۶ - ۵ «ستاره سرخ» را نام برد.

نویسندگان ضمن اشاره به اینکه بررسی مسئله ارضی برای مارکسیستهای جوان در فعالیت مستقل آینده آنها در ایران، اهمیت فراوانی دارد، هدف زیر را در برابر خود

۱ - پیکار، ۲۰ آوریل ۱۹۳۱، شماره ۴.

۲ - همانجا.

۳ - همانجا.

۴ - همانجا.

قرار داد؛ بیان وضع واقعی اقتصاد کشاورزی ایران و برخورد حزب کمونیست ایران به این مسئله (۱).

نویسنده با اشاره به اینکه اساس مناسبات اجتماعی روستای ایران را مالکیت فئودالی بر زمین تشکیل میدهد، اشکال عمده مالکیت ارضی در کشور را چنین مشخص میکند: بزرگ مالکی، حاکمه (متعلق به دولت، وقف (متعلق به روحانیت)، اراضی خرده مالکان و اراضی عمومی. مجله با اشاره به آماری که نسبت مساحت زمینهای مالکین را به اراضی دولت، روحانیت و دهقانان نشان میدهد، متذکر میشود که اراضی دهقانان و اراضی عمومی کمتر از ۶ - ۵ درصد مساحت کل زمینهای مورد بهره برداری را تشکیل میدهند و این در اصل عملاً از این هم کمتر است چراکه بسیاری از اراضی خرده مالکان به مالکیت زمینداران، تجار و رباخواران در آمده است (۲).

مجله به فقدان سیستمهای آبیاری در ایران توجه میکند. سیستمهای آبیاری در تولید کشاورزی اهمیت فراوانی داشتند، زیرا کشاورزی در بخش بزرگی از زمینهای ایران تنها به کمک آبیاری مصنوعی امکان پذیر بود، اما وسائل موجود آبیاری هم در مالکیت فئودالها بود

نویسنده سیستم مالیاتی موجود در روستای ایران را عمیقاً بررسی کرد؛ او شکل اصلی بهره‌کشی از دهقانان بی زمین و کم زمین را سهم کاری میدانست. بر اساس این شیوه، که در آمد محصول به ازای زمین و آب باوام اسارت آوری که زمیندار برای بزرکشت در اختیار دهقان میگذاشت، به مالک پرداخت میشد. پس از پرداخت سهم زمیندار، برای تولید کننده اصلی - دهقان، تنها ۱۵٪ سهم محصول باقی میماند که باید با آن خرج خود و خانواده‌اش را میداد و نیز باز تولید اقتصاد را تامین میکرد (۳).

علاوه بر درآمدهای فوق که به مالک تعلق میگرفت، دهقان مجبور بود سهم روحانیت را نیز بدهد. مالیاتهای متعدد به خزانه شاه بپردازد، به حساب خود خرج دارو دسته مامورینی را که هنگام جمع‌آوری مالیات بیرحمانه روستا را غارت میکردند، تامین کند و ..

تمام گفته‌های نویسنده مقاله با ارقام بسیار، جداول و نمونه‌هایی از رشته‌های گوناگون کشاورزی ایران تأیید میشد.

م. سرباز پس از بررسی اصلاحات جداگانه‌ای که در تمام طول تاریخ ایران در رشته کشاورزی انجام گرفته بود، درباره قوانین ارضی که حکومت رضا شاه در سالهای ۱۹۲۸ - ۱۹۲۷ تصویب کرد، بتفصیل شرح داده است. نویسنده مقاله با اشاره به

۱ - ستاره سرخ، ۱۹۲۹، شماره‌های ۴ - ۳، ص. ۱۹.

۲ - همانجا، ص. ۲۱.

۳ - همانجا، ص. ۲۲.

اینکه تمام این قوانین و سیاست ارضی از لحاظ ماهیت اجتماعی خود در کل در راستای تحکیم نظام فئودالی در کشور است. قانون فروش ارضی دولتی (خالصه) را دقیقاً تحلیل کرده است.

م. سرباز علت تصویب این قانون را در این میدید که اراضی دولتی (که بیش از ۱۰٪ زمینهای حاصلخیز را تشکیل میدادند) تقریباً هیچ درآمدی برای دولت نداشت. زیرا سطح وسیعی از آنها کشت نمیشد و بخشی از این اراضی در مالکیت خصوصی زمینداران مستقل قرار داشت. م. سرباز با اشاره به اینکه فروش این اراضی و برقراری سیستم سنگین مالیاتی به نفع دولت است، تأکید میکرد که «این قانون بدون تشریفات املاک دولت را سرعت مینماید و موقعیت ملاکین عمده را مستحکم میکند» (۱).

مجله ضمن بررسی قوانین و مصوبات مربوط به ثبت اراضی و اموال غیر منقول، متذکر میشد که «این قانون را مجلس وقتی تصویب کرد که تقریباً زمینی برای دهقانین باقی نمانده است. دهقانین بواسطه نداشتن اسناد ملکی که شاهد حق مالکیت شخص آنها باشد سبب شد که ارباب آن اراضی را غصب کند» (۲).

نویسنده مقاله با جمع‌بندی بررسیهای خود نتیجه میگردد که قانون ارضی حکومت شاه عملاً طبقه ملاکین را تقویت کرد. تمرکز اراضی در دست گروه ملاکین را شکل قانونی داد و توده اصلی دهقانان را به اجاره کردن زمین از مالکین مجبور ساخت. به نظر نویسنده، این سیاست ارضی نباید هیچکس را متحیر سازد زیرا بزرگترین مالکی که ثروت خود را به حساب اراضی خانهای سرکش و دهقانان جمع‌آوری کرد و املاک فراوانی در اختیار داشت خود رضا خان بود (۳).

تیره شدن وضع دهقانان به احیای جنبش دهقانی کمک میکرد. این جنبش علیرغم همگانی بودن، خصلت خود جوش داشت و بطوری که م. سرباز تأکید میکرد بدلیل «سبب ترتیبی و بی تشکیلاتی و عدم قائده و رهبر حقیقی» (۴) نتوانست به اهداف خود دست یابد.

اقداماتی را که حزب در زمینه سیاست ارضی در نظر گرفته بود، برمیشمرد. از جمله این اقدامات: ملی کردن اراضی مالکین و وقفی و تقسیم آنها بین دهقانان. ملی کردن منابع آب و سیستمهای آبیاری، برقراری کنترل دولت بر تقسیم آب، لغو برخی مالیاتها، کمک به دهقانان از طریق واگذاری بذر، حیوانات و وسایل کشاورزی به آنان

و ..

۱ - ستاره سرخ، ۱۹۲۹، شماره‌های ۶ - ۵، ص. ۷۱.

۲ - همانجا.

۳ - همانجا

۴ - همانجا، ص. ۷۷.

بدین ترتیب، ارکان تفویض حزب کمونیست ایران شعار انقلاب ارضی را مطرح میکرد و نظرات خود را تنها بر واقعیت تشدید بهره‌گشی از زحمتکشان روستا، شلّت تضاد بین مالکان و دهقانان و رشد جنبشهای ضد دولتی در روستا استوار میساخت، اگر چه «ستاره سرخ» به «خود جوش بودن» و «فقدان رهبری متمرکز» در این جنبشها، اعتراف میکرد. نویسندگان مقاله توجه نداشتند که توده اصلی دهقانان در وابستگی نزدیک به مالکان وزیر نفوذ آنها بودند جنبشهای ضد دولتی در روستا عمدتاً در کنار قیام قبایل که زیر رهبری رئیس قبیله بود، جریان داشت و طبقه کارگر ایران و حزب کمونیست ایران تقریباً با روستا پیوند منظم نداشتند و از نفوذ در بین دهقانان برخوردار نبودند. تجربه انقلاب گیلان هم در نظر گرفته نمیشد. در گیلان آرزمان، طرح شعارهای انقلاب ارضی که با شرایط واقعی سازگار نبود و بویژه کوشش برای تحقق آن، یکی از عللی بود که به انشعاب جنبه واحد ملی و شکست جنبش آزادی بخش - ملی گیلان کمک کرد.

جنبش دهقانی که در سالهای ۱۹۳۰ - ۱۹۲۹، بار دیگر شعلهور شده بود، در صفحات «پیکار» نیز وسیعاً بررسی شد. در «پیکار» در مقاله‌هایی چون «اوضاع دهاقین ایران، مکتوب از مازندران» (شماره ۵)، «مکتوب از ایران» (شماره ۹)، «فشار از حد بیرون حکومت پهلوی و مناجرت دو هزار نفر زارع فقیر» (شماره ۱۱)، «دهاقین و ترقیات اقتصادی در ایران» (شماره ۱۴)، «شمه از نهضت دهاقین ایران» (شماره ۱۵) و ...

در باره زندگی دهقانان ایران، عوارض اجباری فوق العاده سنگین حکومت و پیداکری مامورین دولتی و ژاندارنها درباره نارضایتی دهقانان از وضع خود، سخن بمیان می‌آمد. روزنامه ضمن بررسی قیامهای مستقل دهقانی در مناطق مختلف ایران، بد انگیزه‌های این قیامها اشاره میکنند. دهقانان در جریان این قیامها با حکام شاه مبارزه مسلحانه میکردند و اسوا مالکین را تارومار کرده به آتش میکشیدند. شورش املاک خانواده پهلوی رام فرآ میگرفت.

مثلاً در تابستان سال ۱۹۳۰ بطوری که «پیکار» اشاره میکند، شورشهای دهقانی سواد کوه را فرا گرفت. در آنجا حدود ۲۰۰۰ دهقان، با انتقال آب از زمینهای خود به اراضی شاه مخالفت کردند. گروه سرکوبگری که از شهر پهلوی اعزام شده بود، قیام کنندگان را بشلّت قلع و قمع کرد و قریب ۱۰۰ نفر از دهقانان بد اجبار گریخته و از آنجا مبارزه را ادامه دادند (۱).

«پیکار» در مقاله‌های فوق، ضرورت انقلاب ارضی برای پیشرفت عمومی زندگی

اجتماعی - اقتصادی ایران را یادآور میشد و اندیشه‌های برقراری اتحاد کارگران و دهقانان برای سرنگونی فئودالها و زمینداران و ایجاد جمهوری را پیش میکشید. همین سائل در مقاله «جنبش دهقانی در ایران» مندرج در شماره‌های (۱۱) - (۱۰) «ستاره سرخ» نیز بررسی میشد.

باجمع بندی مطالب ارگانهای مرکزی حزبی درباره مسئله ارضی و جنبش دهقانی، نمیتوان نتیجه گرفت که در آنها ماهیت سیاست ارضی حکومت شاه در کل درست ارزیابی شده است.

ضمناً تأکید میشد که بدون حل مسئله ارضی، کشاورزی ایران نمیتواند از وضعیت رکود و بحران رهائی یابد. بجایید کمونیستی ایران درک عمیقی از آسوش مارکسیستی - لنینیستی وحدت طبقه کارگر با دهقانان زحمتکش داشتند. ارگانهای مطبوعاتی حزب کمونیست ایران شعار برقراری دیکتاتوری انقلابی - دمکراتیک پرولتاریا و دهقانان را که و ۰ ای. لنین برای کشورهای که در دوران امپریالیسم در مرحله انقلاب بورژوا - دمکراتیک بودند طرح کرده بود، ملاک عمل قرار میدادند و تأکید میکردند که تنها حکومت کارگری - دهقانی میتواند مسئله ارضی را بطور کامل حل کند و به مناسبات فئودالی - سروازی در کشور پایان دهد.

اما ارگانهای حزبی در مورد «ارتباط با توده‌های وسیع دهقانان» (۱)، شیوه‌های مشخص کار در روستا را نشان نمیدادند و مسئله پیوندهای جنبش کارگری و دهقانی را بررسی نمیکردند.

ارگانهای حزبی ضمن طرح مسئله تشکیل حوزه‌های حزبی در روستا «که باید عناصر تبه‌دست دهقانان بی زمین را بخود جلب کرد» (۲)، و ضمن اشاره سطحی به تشکیل اتحادیه‌های دهقانی، نتوانستند درباره نحوه ایجاد اتحادیه‌های دهقانی و فعالیت آنها و برقراری پیوند تنگاتنگ کارگران و دهقانان پیشنهادات مشخصی ارائه دهند و شعارهای مرحله‌ای جنبش دهقانی را پیش کشند. همانطور که اشاره شد، درجنبش دهقانی که نیمه دوم دهه ۲۰ در ایران در گرفت، مبارزات مردم روستا باقیام قبایلی توأم شده بود که مطبوعات کمونیستی وضع آنها را جزئی از مسئله ملی میدانستند.

باید پیش از هرچیز اشاره کرد، مطالبی که به مسئله ملی اختصاص یافته است بخش ناچیزی از مقاله‌های «ستاره سرخ» و «بیکار» را تشکیل میدهند. اگر چه این ارگانهای حزبی به اهمیت فراوان این مسئله و حل درست آن در ایران اشاره میکردند. هم مجله و هم روزنامه آنها «از لحاظ اهمیت در زندگی مردم ایران» پس از حل مسئله

ارضی در درجه دوم قرار میدادند (۱). مسئله ملی که از زمان تشکیل حزب کمونیست ایران پیوسته در مرکز توجه حزب و مطبوعات آن قرار داشت و اغلب از موضع درست بررسی نمیشد. در کنگره دوم حزب کمونیست ایران مورد بحث و گفتگوی وسیع قرار گرفت.

کنگره ضمن بیان اشتباهات حزب در اینمورد، قطعنامه زیر را تصویب کرد: «فرقه کمونیست ایران موظف است با تمام وسایل طرفداری خود را نسبت بازادی کامل ملل مظلومه ساکنه ایران از قلاده سلطنت آنکلو - رضا شاه که موجب تزییقات ورقیت ملل اقلیت و بلکه عموم توده زحمتکش است اعلام و ابراز نماید» (۲). «ستاره سرخ» با اتکاء به این قطعنامه، مقاله سیاوش ذوقی بنام «مسئله ملیت و زبان در ایران» را چاپ کرد.

مقاله از پنج قسمت تشکیل شده بود و در آن اشاره میشد که ایران يك کشور کثیرالمله است و در آن فارسها ملیت غالب هستند و حدود ۴۵٪ کل جمعیت را تشکیل میدهند (۳).

نویسنده سیاست رضا شاه را مبنی بر تشدید منظم ستم ملی و اذغام خلقهای کوچک غیر فارس را محکوم میکرد و اشاره میکرد که بورژوازی ملی خلقهای مستقل یا رهبران قبیلهها نمیتوانند مدافعان راستین حقوق اقلیتهای ملی باشند. زیرا منافع طبقاتی آنها با منافع زحمتکشان ناسازگار است. شطارهای ناسیونالیستی که آنها مطرح میکنند برای تحکیم مواضع خودشان است. بدین ترتیب، موضع حزب کمونیست ایران که در راستای دور کردن بورژوازی ملی از جنبش دمکراتیک و حتی ضد امپریالیستی بود، در ارگان تنوریک نیز منعکس میشد. «ستاره سرخ» میان بورژوازی ملی ملت ستمگر و بورژوازی ملی ملت ستمکش تفاوتی نمیدید و. ای. لنین تاکید میکرد که «... يك مضمون دمکراتیک عمومی علیه ستم وجود دارد و ما مسلماً از این مضمون حمایت میکنیم» (۴). مجله همه زحمتکشان ملیتهای مختلف ساکن ایران-فارسها، آذربایجانها، کردها، عربها، بلوچها، ترکمنها و غیره را به اتحاد در جبهه واحد و مبارزه علیه دشمن مشترك - حکومت استعمارگر ملاکین و زمینداران فرا میخواند (۵). در قسمت «انقلاب مشروطه و مسئله ملیت در ایران» به درستی اشاره میشد که بیست سال پس از انقلاب

- ۱ - ستاره سرخ، ۱۹۲۹، شماره‌های ۴ - ۳، ص. ۳۴.
- ۲ - کنگره دوم حزب کمونیست ایران مطالعات راجع به اوضاع اقتصادی داخلی و جهانی ایران - دو سند از حزب کمونیست ایران-تهران، ۱۲۵۹، ص. ۵۶.
- ۳ - ستاره سرخ، ۱۹۲۹، شماره‌هایی ۴ - ۳، ص. ۳۰.
- ۴ - و. ای. لنین، کلیات آثار، جلد ۲۵، ص. ۲۱۶ - ۲۷۵.
- ۵ - ستاره سرخ، ۱۹۲۹، شماره‌های ۴ - ۳، ص. ۳۲.

سالهای ۱۹۱۱ - ۱۹۰۵ ایران. از حق خلقها برای خودمختاری محلی که قانون اساسی سال ۱۹۰۶ اعلام داشته. هیچگونه اثری باقی نمانده است. انتخابات مجلس بلون در نظر گرفتن شرایط ملی برگزار میشود و اقلیتهای ملی غیر از زردشتی، مسیحی و کلیمی از فرستادن نمایندگان خود به مجلس بر خوردار نیستند. در مقاله نمونه‌هایی آورده شده بود که در مناطق و نواحی مختلف ایران که غیر فارسها ساکن‌اند. دستگاه اداری معمولاً از زمینداران، بورژوازی، ماسوزین و نظامیان ملیت مسلط در کشور یعنی فارسها تشکیل شده است.

نویسنده ضمن تأیید این که انقلاب سالهای ۱۹۱۱ - ۱۹۰۵ ایران «که مهم‌ترین وظیفه و ماسوزیت تاریخش حل مسئله دهاقین و نتیجه آن (تا یک قسمت زیاد) مسئله ملیت بود مبدلک تاکنون چنانکه میدانیم هیچ قدم جدی در اینراه برداشته نشده است» (۱).

در قسمت «رژیم دیکتاتوری نظامی یا عصر پهلوی و تشدید ستم ملی» اشاره میشود که دولت علیرغم وجود تعداد کثیر خلقهای کوچک و قبایل غیر فارس در ایران که به زبانهای کاملاً متفاوت با فارسی، صحبت میکنند. تحصیل فرزندان این ملیتها بزبان مادری شان را ممنوع کرده است.

س. فوقی با اشاره به علل تشدید فشار بر اقلیتهای ملی سیاست خلق‌سلاح اجباری قبایل و انتقال آنها به شهر نشینی را تشریح میکند. نویسنده ضمن بررسی مشروح پیامدهای این سیاست، نتیجه میگرفت که دولت با خلق سلاح و اسکان اجباری قبایل کوچ نشین در نواحی دور از محل اقامت پیشین آنها، به کوچ نشینها امکان میداد اموال و تصرفات ناچیزی که دولت به آن هم دست درازی میکرد. در اختیار داشته باشند. بدین ترتیب بنبود وضع مادی قبایل تأمین نشد. برعکس، حکومت با وضع مالیاتهای متعدد جدید به تشدید ستم سیاسی و اقتصادی هم از سوی حکام و از سوی خانها کمک کرد (۲). «ستاره سرخ» بدرستی. وضع قبایل را جزئی از مسئله ملی میدانست. با این همه سیاست حکومت در برابر قبایل را با سیاست تمرکز دولت، به همدیگر پیوند میداد. این سیاست حکومت به منظور ادغام اجباری اقلیتهای ملی‌وزیر شعار ایجاد «وحدت ملی» اعمال میشد.

نویسنده مقاله ضمن آوردن نمونه‌هایی از فارسی کردن اجباری اقلیتهای ملی ساکن ایران، آنها را تمهیم نداد، و تنها به تذکرات انتقادی جداگانه در مورد سیاست ملی رضا شاه اکتفا کرده است بی آنکه خصلت عظمت طلبانه آنرا فاش کند. «ستاره سرخ» در قسمت «مسئله ملیت و مرکزیت» متذکر میشد، به کم-

۱ - همانجا، ص. ۲۴.

۲ - همانجا، ص. ۲۸.

نیستهای ایران تهمت میزنند که آنها اقلیت‌های ملی ساکن ایران را جدائی از دولت مرکزی فراسیخوانند و این امر به تلاشی دولت واحد می‌انجامد و از وی. لنین نقل قول می‌آورد: «هرگاه ما آزادی در جدایش را برای همه ملل مظلومه و غیر کامل‌الحقوق بلااستثناء طلب میکنیم، این مطلقاً برای آن نیست که ما طرفدار تجزیه آنها هستیم و برای آنست که طرفدار نزدیکی و اتفاق اختیاری و آزادانه‌ایم، نه جبری و زوری» (۱).

مجله اعلام می‌کود: «آری ما مخالف تمرکز غیر دموکراسی و تمرکز جبری و بیوروکراسی هستیم» (۲) و اشاره می‌کود: «یکانه مملکتی که امروزه در دنیا مسئله ملیت در آن بکلی حل شده و تفضیقات ملی در آن وجود ندارد - اتحاد جماهیر شوروی است» (۳).

مجله در آخرین قسمت «کمونیستهای ایران و مسئله ملیت و زبان». شعارهای حزب را اعلام می‌کود: اتحاد همه زحمتکشان یعنی فارسها و اقلیت‌های ملی در جنبه واحد در مبارزه علیه حکومت ارتجاعی پهلوی که هم فارسها، هم آذربایجانیها، هم اعراب، هم کردها را به یک اندازه استثمار میکند. حق تعیین سرنوشت هر ملت تا حد جدائی و اگذاری آزادی انتخاب زبان همه خلقهای کوچک و اقلیت‌های ملی و... بساز آن اشاره می‌شد که «رژیم کمونیستی باعث اتصال حقیقی تمام ملل و از بین رفتن مسئله ملیت و اختلافات ملی خواهد شد» (۴).

روزنامه «بیکار» نیز در مقاله «ما و ملل اقلیت» به این توجه می‌کود که «حکومت ارتجاعی پهلوی همانقدر که فشارش بطور عموم بر توده زحمتکش و رنجبر ایران وارد میشود میتواند گفت که صد دفعه بیشتر بر ملل اقلیت ساکنه ایران فشار وارد می‌آورد» و تمام زحمتکشان ایران را فرا میخواند بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های ملی برای سرنوشتی رژیم ارتجاعی پهلوی و تشکیل دولت ایران مبارزه کنند (۵).

همانگونه که در بالا گفته شد، در صفحات «ستاره سرخ» و «بیکار» به مسئله ملی توجه می‌شد. ولی برای حل درست مسئله ملی راهنمای عملی برای کار کمونیستهای ایران در این راستا را نشان نمیدادند.

هنگام بررسی دیگر موضوعهای ارگانهای مرکزی حزب، باید مقاله‌هایی را که به افشاء مطبوعات معاصر ایران و رد حملات نظریه پردازان بورژوائی اختصاص دارد، نام‌برد. ارگانهای کمونیستی در مقاله‌هایی چون «مدای تأمینات طهران و سفارت

۱ - وی. لنین. کلیات آثار، جلد ۳۰، ص. ۱۲.

۲ - ستاره سرخ، ۱۹۲۹، شماره‌های ۴ - ۲، ص. ۴۱.

۳ - همانجا، ص. ۴۴.

۴ - همانجا، ص. ۴۵.

۵ - بیکار، ۱ ژوئیه ۱۹۲۱، شماره ۸.

انگلیس از خلقوم روزنامه «ایران» و سفارتخانه انگلیسی» («ستاره سرخ»، شماره های ۲ - ۱) «آنچه دکتیو از پاریس میبیند، ستاره ایران نمی خواهد در تهران ببیند.» («ستاره سرخ» شماره های ۴ - ۳) «مدیران امروزه جرائد ایران و شرکا آنها آقای دشتی» «پیکار» شماره ۱) - «خطر» روس و «جراید ملی ایران» («پیکار» شماره ۲) و ... اشاره می کردند که جراید «میهن پرست» ایران در خدمت به دیکتاتوری ارتجاعی بنلور چه جای افتخار آمیزی را پر می کردند. هدف مستقیم آنها عبارت بود از فریب زحمتکشان ایران. خدمت به منافع درباریان و ستایش تمام شیوه های «قهرمان ملی» و «اصلاح کننده کبیر» ایران یعنی رضا شاه و همدستانش.

«ستاره سرخ» در مقاله «جراید مزدور امروزی یا مطبوعات درباری» خصلت طبقاتی ایدئولوژی حاکم را روشن و شعار دروغین «مطبوعات غیر حزبی» را افشاء میکند. مجله میگوید، در ایران مانند سراسر جهان کمونی، دو جهان بینی کاملاً متضاد وجود دارند؛ جهان بینی انقلابی علمی - مارکسیستی یعنی مارکسیسم - لنینیسم و جهان بینی ارتجاعی طبقات حاکم بورژوازی و زمینداران، مطبوعات و احزاب سیاسی در حقیقت یکی از این دو جهان بینی را تبلیغ میکنند.

«در تمام دنیا جراید منسوب به احزاب سیاسی و احزاب سیاسی نماینده و مدافع صنوف معین هستند» (۱).

مجله نوشته های جراید نماینده بورژوازی ایران در باره «دمکراسی خالص»، «آزادی کامل مطبوعات» و «آزادی اندیشه و بیانی» که گویا در ایران وجود دارد، را رد می کرد. و ای، لنین مینوشت: «آزادی مطبوعات که در سراسر جهان سرمایه داران وجود دارند، عبارتست از آزادی خریدن جرائد، خریدن نویسندگان، تطمیع و خریدن و جعل «افکار اجتماعی» به نفع بورژوازی» (۲).

«ستاره سرخ» با بررسی مطالب جداگانه جراید ایران بار دیگر صحت ادعای لنین در باره وابستگی ثنویات جامعه بورژوازی به سرمایه را تأیید می کرد و نشان میداد که تمام فعالیت «جراید ملی» ایران در راستای خدمت به حکومت بنلوی و امپریالیسم انگلیس است و «آزادی کاملی» که روزنامه های ایران از آن دم میزنند خیال خامی بیش نیست.

«ستاره سرخ» به خوانندگان پیشنهاد می کرد جراید به امطلاح «میهن پرست» ایران را با مطالب روزنامه های مهاجر «پرورش»، «قانون»، «اختر» که در آستانه انقلاب سالهای ۱۹۱۱ - ۱۹۰۵ ایران چاپ میشدند، مقایسه کنند. درجراید دسته دوم اندیشه های میهن پرستی راستین وسیعاً تبلیغ میشد، سیاست مستعزاتی و ستمگرانه

۱ - ستاره سرخ، ۱۹۲۹، شماره های ۴ - ۲، ص. ۹۲.

۲ - و. ای. لنین. کلیات آثار، جلد ۴۴، ص. ۷۹.

امپریالیستها در ایران افشاء و خصمت عادلانه دفاع مسلحانه خلق از سین خود در برابر تجاوز تأکید میشد.

«ستاره سرخ» اشاره میکرد که در صفحات مطبوعات معاصر ایران، عقب مانده - ترین و ارتجاعی ترین اندیشه‌های ایدئولوگهای غرب یعنی برکسون و گوستاولیون منتشر میشوند. محافل حاکمه ایران از انتشار افکار نه فقط مارکسیستی بلکه افکار متفکرینی چون روسو، ولتر و منتسکیو نیز وحشت دارند، زیرا آنها بیانگر روح انقلابی بورژوازی در مبارزه علیه فئودالیسم و سلطنت مطلقه بودند.

«ستاره سرخ» مقاله «تکامل یا انقلاب» مندرج در شماره ۲۴ ماهنامه «آینده» سال ۱۹۲۹ را مورد انتقاد شدید قرار داده و بی پایگی و ارتجاعی بودن ادعاهای نویسنده آن محمود پهلوی را نشان میدهد. نویسنده مقاله فوق نتوانسته بود سوسیالیسم را از فاشیسم تشخیص دهد و انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر را با کودتای فاشیستی سوسیالیستی در ایتالیا در یک ردیف قرار میداد و در ضمن دوسی را برتر میدانست. در مجله نه فقط جملات بی شرمانه و افتراء آمیز علیه سوسیالیسم و انقلاب افشاء میشد، بلکه فاشیسم بطور کلی بمثابه دیکتاتوری آشکار و غریبان سرماید که بیانگر ضعف سرمایه‌داری است» (۱) مورد انتقاد قرار میگرفت.

مجله با جمع بندی مسائل بررسی شده به این نتیجه دست و بویزه ضروری در آن زمان پیرو شد که: رجال جنبش کارگری و کمونیستی در ایران، علاوه بر نشریات مخفی باید صفحات مطبوعات علنی را نیز مورد استفاده قرار دهند تا ایدئولوگهای ارتجاع ایران و مداحان امپریالیسم را افشاء و علیه فریب افکار عمومی مبارزه کنند.

در صفحات «ستاره سرخ» مقاله‌های ثوریک درباره موضوعهای فلسفی درج میشد. از بین آنها باید «آینده‌آلیسم و ماتریالیسم» مندرج در شماره‌های ۶ - ۵ را نام برد. نویسنده مقاله ضمن بررسی مسئله اصلی فلسفه یعنی رابطه شعور و هستی، ایده‌آلیسم، دوآلیسم و اسپیریئوآلیسم را مورد انتقاد شدید قرار داده و ماتریالیسم مارکسیستی را تبلیغ میکند. مجله با تکیه بر اثر و. ای. لنین «ماتریالیسم و امپریوگریتیسم» و آوردن نقل قولهایی از آن، مسئله فضا و زمان را بعنوان اشکال اصلی موجودیت - ماده شرح داده و ارتباط متقابل حرکت و سکون، وجدائی... را تشریح میکند (۲).

در این رابطه مقاله «آینده‌آلیسم و ماتریالیسم» از لحاظ نشر اندیشه‌های مارکسیسم - لنینیسم در ایران، از اهمیت فراوانی برخوردار است، زیرا در این مقاله برای اولین بار در تاریخ رشد تفکر فلسفی در ایران، مقوله‌های فلسفی مطرح و از موضع مارکسیست - لنینیستی و ماتریالیسم دیالکتیک بررسی شده است.

۱ - ستاره سرخ، ۱۹۲۹، شماره‌های ۴ - ۳، ص. ۹۷.

۲ - ستاره سرخ، ۱۹۲۹، شماره‌های ۶ - ۵، ص. ۹۲ - ۸۹.

در صفحات «ستاره سرخ» و «پیکار» برای مقاله‌هایی در مورد مسئله زنان، جایی تعیین شده بود. ارگانهای حزبی ضمن شرح محرومیت و موقعیت طاقت فرسای زنان ایران، آنان را فرا میخوانند که در انتظار اعطای آزادی از جانب دولت ننشینند و چادر را از خود دور کرده در زندگی اجتماعی و در مبارزه انقلابی در راه حقوق خود شرکت کنند.

هر دو ارگان حزبی به وضع بیش از ۲۰۰۰ زندانی سیاسی (۱) که در زندانهای رضا شاه زیر شکنجه‌های وحشیانه قرار داشتند، توجه فراوانی میکردند. جنبش کارگری در ایران که در اواخر دهه ۲۰ و آغاز دهه ۳۰ وسعت چشمگیری یافته بود و موفقیت حزب کمونیست ایران در رهبری جنبش خلق، نگرانی فراوان طبقات حاکم را برانگیخت. اعضای حزب تحت پیگرد شدیدتری قرار گرفتند و سازمانهای حزبی از سوی حکومت قلع و قمع شدند. در ماه مه سال ۱۹۲۱ مجلس ایران فرمان ویژه‌ای صادر کرد که بر اساس آن فعالیت کمونیستی غیر قانونی اعلام میشد و لایحه‌ای را تصویب کرد که اعضای حزب کمونیست ایران به دلیل انتساب به حزب از ۳ تا ۱۰ سال به حبس انفرادی محکوم میشدند (۲).

این قانون نه تنها کمونیستهای ساکن ایران بلکه همه انقلابیون ایرانی خارج از کشور را نیز شامل میشد. در کشورهای اروپای غربی شبکه کامل پلیس مخفی که انقلابیون را مورد پیگرد قرار میداد، بوجود آمد. انتشار و پخش ارگانهای حزبی دشوارتر شد. وقفه بین شماره‌های جداگانه مجله «ستاره سرخ» بطور متوسط بیش از ۵ ماه طول کشید که مسلماً مانع از آن میشد که مجله به موقع درباره مسائل مبرم مطلب درج کند. یکی از علل انتشار ناسنظم ارگان تئوریک حزب و همچنین برخی اشتباهات و بی دقتی‌های مجله عبارت از بازداشت رجال برجسته حزبی و نویسندگان با تجربه بود. «ستاره سرخ» پس از ۱۲ شماره به کار خود پایان داد.

«پیکار» نیز به همین سرنوشت دچار شد. اما حتی توقیف «پیکار» به افشاش رژیم شاه کمک کرد و تعطیل روزنامه کمونیستهای ایران در جهان سیاسی بر سر زبانها افتاد.

«پیکار» يك روزنامه کارگری بود و در هر شماره اخباری از تاسیسات نفت، کارخانه‌ها و فابریکهای ایران و نامدهای خود کارگران را درج میکرد. درباره اعتصابات شرح میداد و به تشکیل و تحکیم سندیکاها بر اساس پنهانکاری فرا میخواند.

۱ - پیکار، ۱ ژوئیه، ۱۹۲۱، شماره ۸.

۲ - بولتن جراید خاور میانه، ۱۹۲۱، شماره ۱۲ (۲۰)، ص. ۱۴۰ - ۱۳۹.

(به زبان روسی).

روزنامه در بین دانشجویان ایرانی که در کشورهای اروپای غربی تحصیل میکردند، بخش میشد. سفیر ایران در فرانسه حسین علاء که از شهرت روزنامه انقلابی در بین جوانان ایران هراس داشت، در نامه‌ای خطاب به دانشجویان از آنان خواست که این روزنامه خطرناک را مطالعه نکنند (۱). بطوری که مطالب «پیکار» گواهی میدهند. نامه سفیر ایران تاثیر عکس ببار آورد دانشجویان انقلابی ایرانی را هرچه بیشتر بدور روزنامه متحد کرد.

اما وظیفه اصلی کمونیستهای ایران عبارت بود از ارسال مخفیانه و بخش «پیکار» در ایران - این کار به اندازه‌ای موفقیت آمیز انجام میشد که رضا شاه که درباره «پیکار» بسیار شنیده بود مدتی طولانی نمیتوانست حتی يك نسخه از آن روزنامه را بدست آورد. «پیکار» از شهرت فراوانی در بین کارگران برخوردار بود. نامه‌های ارسالی کارگران به هیئت تحریریه حاکی از این امرند. «باوجود آنکه روزنامه «پیکار» در این نواحی بمقدار زیاد منتشر نمیشود. ولی مطالب آن سر زبان‌ها است. یکی بدیگری نقل مینماید. الحق و الانصاف جانا سخن از زبان ما میگوئی» (۲). «انتشار «پیکار» دلها را پر کرده و مغزها را روشن ساخته، تیمورتاش (وزیر دربار شاه) از هر طرف برای جلوگیری از «پیکار» دست و پا میکند. «پیکار» در تهران قیمتش به پنج تومان رسیده و دست به دست میگشت و نظمی و تأمینات در جستجوی آن هستند» (۳).

دولت شاه نه تنها توزیع کنندگان روزنامه، بلکه تمام کسانی را که به مطالعه روزنامه مضمون بودند بازداشت میکرد. مثلا در آستارا و اردبیل پس از چهار شماره «پیکار» بیش از ۱۰۰ نفر دستگیر شدند و بازداشتهای گسترده در تبریز در رابطه با مطالعه روزنامه به آغاز اغتشاشات میان ساکنین شهر کمک کرد (۴).

«پیکار» نه تنها در میان زحمتکشان و رنجبران ایران، او حتی در میان خلقهای مبارز افغانستان، هندوستان و کشورهای عرب دارای نفوذ سرشاری بوده است.

رضا شاه پهلوی که اطمینان یافته بود با دستگیری‌ها و اعدامها نمیتواند از بخش و نفوذ روزنامه انقلابی در کشور جلوگیری کند، ناشرین روزنامه «پیکار» را به بهانه توهین به شخص خود به دادگاه برلین کشاند و تهدید کرد که اگر مقامات برلین این روزنامه خطرناک را برای دولت ایران را تعطیل نکنند و ناشرین آنرا از کشور اخراج نکنند روابط دیپلماتیک با آلمان را قطع میکنند.

۱ - پیکار، ۱ آوریل، ۱۹۳۱، شماره ۳.

۲ - پیکار، ۱۵ اکتبر، ۱۹۳۱، شماره ۱۵.

۳ - همانجا.

۴ - پیکار، ۱۵ اکتبر، ۱۹۳۱، شماره ۱۵.

در دوران ژرفش بحران اقتصادی و در آستانه به قدرت رسیدن فاشیستها، دولت آلمان که از تیرگی مناسبات با شاه ایران هراس داشت، خواستهای رضا شاه پهلوی را برآورده کرد. پس از چاپ ۱۵ شماره «بیکار»، پلیس برلین به دفتر روزنامه حمله برد نسخه‌های موجود را ضبط و روزنامه را توقیف کرد. مرتضی علوی رامجبور کردند ظرف ۲ ساعت آلمان را ترک کند.

اما «بیکار» تسلیم نشد. در يك سند حزبی بنام «چرا «بیکار» در آلمان توقیف شد» که در نوامبر سال ۱۹۳۱ در پاریس منتشر شد. علل توقیف این روزنامه انقلابی که ماهیت حقیقی رژیم شاه را افشاء میکرد، بتفصیل بیان شده بود. در سند گفته‌میشد: «گذشت آزمانیکه رژیم حکومت رضا خان در مقابل تسلط استبدادی خود هیچ مقاومت و جنبشی را مشاهده نمی‌نمود. گذشت آنروزهائی که حکومت رضاخان برای تقویت رژیم استبدادی خود تمام منافع حیاتی ملت زحمتکش ایران را تسلیم امپریالیزم انگلیس می‌نمود بدون اینکه با هیچ مانعی مواجه گردد. مبارزه ما تازه با حکومت استبدادی رضاخان شروع شده است و تا زمانیکه توده زحمتکش ایران با سیستم استعماری و رژیم استبدادی کنونی ختم حساب ننماید این مبارزه دوام خواهد داشت» (۱).

نیروهای مترقی آلمان همراه با انقلابیون ایران به دفاع از روزنامه برخواستند. بسیاری از روزنامه‌های آلمان برخورد دولت خود با کمونیستهای ایران را مورد انتقاد قرار دادند و سیاست مقامات دولتی را در مورد این ارگان مطبوعاتی افشاء کردند. در آوریل سال ۱۹۳۲ پس از گذشت ۶ ماه از توقیف روزنامه، دادگاه آغاز شد.

وکیل مشهور آلمان دکتر آیفل دفاع از روزنامه را به عهده گرفت. ناشرین «بیکار» با تکیه بر اسناد و واقعتها جریان دادگاه روزنامه را به کبفر خواستی علیه دیکتاتوری ارتجاعی رضا شاه پهلوی تبدیل کردند. دادگاه برلین مجبور بود از روزنامه اعاده حیثیت کند. تمام اقدامات مقامات دولتی برلین و ایران برای جلوگیری از ابلاغ تصمیم دادگاه بی نتیجه ماند. جریان دادگاه و پیروزی کمونیستهای ایران بطور گسترده در صفحات مطبوعات آلمانی، انگلیسی و آمریکائی مورد بحث قرار گرفت (۲). اما علیرغم این پیروزی بزرگ، تجدید انتشار روزنامه در برلین میسر نشد.

در سال ۱۹۳۲ در وین اولین شماره سال دوم انتشار «بیکار» از چاپ خارج و در آن گفته شد که ناشر روزنامه محمود پایدار است (۳). اما تنها دو شماره از این روزنامه نشر یافت.

مجله «ستاره سرخ» و روزنامه «بیکار» جای ویژه‌ای را در تاریخ مطبوعات

۱ - چرا «بیکار» در آلمان توقیف شد؟ پاریس - نوامبر ۱۹۳۱.

۲ - دنیا، ۱۳۴۴، شماره ۴، ص. ۱۰۶.

۳ - بیکار، ۱۵ اوت ۱۹۳۲، شماره ۱.

کمونیستی ایران دارند. ارگانهای مرکزی حزب که در خارج از کشور منتشر و به ایران ارسال و پخش میشدند، علیرغم تعداد کم شماره‌ها و موجودیت نسبتاً کوتاه مدت خود، در تبلیغ اندیشه‌های مارکسیست - لنینیستی و در تربیت توده‌های زحمتکش با روح انقلابی، نقش بزرگی بازی میکردند. آنها میکوشیدند تا آنجا که ممکن است زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران را وسیعتر در بگیرند. آنها به تحقق وظایفی که حزب کمونیست ایران طرح کرده بود، به وحدت توده‌های زحمتکش مردم ایران بدور حزب و جهت دادن به مبارزه آنها علیه سلطنت پهلوی و امپریالیسم انگلیس کمک کردند. در صفحات ارگانهای حزبی ماهیت طبقاتی و هدف خند خلقی جراید بورژوازی ایران افشاء و تلاشهای ایدئولوگهای بورژوازی برای تحریف و بدنام کردن ایدئولوژی کمونیستی رد میشد. خود فعالیت جراید کمونیستی در دشوارترین شرایط ارتجاع و ترور رژیم شاه حاکی از پایداری حزب طبقه کارگر، مبارزه سرسخت و شجاعانه حزب کمونیست ایران است. حزبی که محافل حاکم ایران میکوشیدند به هر شکل ممکن موجودیت آن را انکار کنند.

۳ - مطبوعات کمونیستی ایران در مهاجرت و مسئله جبهه واحد ملی

بزودی پس از کنگره دوم حزب کمونیست ایران که در فعالیت آن گرایشهای نادرست در راستای دور کردن بورژوازی ایران از جنبش آزادیبخش و دموکراتیک وجود داشت، کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران که احتمالاً به ناپایداری برنامه سیاسی خود پی برده بود، کوشید با احزاب دیگر و گروههای سیاسی ایران ارتباط برقرار کند و در پیام خود «ما از مجلس هفتم چه میخواهیم» که در تابستان سال ۱۹۲۸ در دوره انتخابات مجلس هفتم منتشر شده بود، عملاً خط مشی همکاری با بورژوازی ملی را اعلام داشت (۱). این خط مشی در امر وحدت تمام نیروهای مترقی کشور در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی اهمیت فراوانی داشت.

اما در اواخر سال ۱۹۲۸ کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران تقاضاهای خود در دفاع از بورژوازی ملی را «اشتباهات اپورتونیستی» دانست و از همکاری با آن امتناع ورزید (۲). این گرایشهای چپ سکتاریستی نه فقط در سیاست حزب کمونیست ایران، بلکه در جنبش کارگری و کمونیستی جهانی اواسط دهه ۲۰، آشکارا بروز کرد.

۱ - بولتن جراید خاور میانه - ۱۹۲۸، شماره‌های ۵ - ۴، ص. ۸۵ - ۸۴، (بزیان روسی).

۲ - ستاره سرخ، ۱۹۲۹، شماره‌های ۲ - ۱، ص. ۵۳.

بطوری که معلوم است، برخی مواضع اشتباه و متضاد در مورد مسائل جداگانه استراتژی و تاکتیک مبارزه آزادیبخش - ملی و نقش بورژوازی ملی، در ششمین کنگره کمیته‌نظر مطرح شد. در تزه‌های کنگره تأکید میشد که «بورژوازی ملی اهمیت نیروهای را که علیه امپریالیسم مبارزه میکنند دارانیست» (۱).

در تزه‌های کنگره، احزاب خرده بورژوائی به حق احزابی ملی - انقلابی معروف میشدند. با این همه تأکید میشد که «آنها نمیتوانند پیروان منافع دهقانان باشند، آنها به نیروهای ناسیونال - رفرمیسم فرامیروند و فقط در ابتداء انقلابی‌اند» (۲) در این رابطه، مبارزه علیه این احزاب برای دستیابی به سرکردگی دهقانان نخستین وظیفه اعلام میشد.

«مطرح کردن شعار برقراری بلاواسطه حاکمیت شوروی برای کشورهای عقب‌مانده بعنوان شکل دیکتاتوری طبقه کارگر و دهقانان، تلاش برای گذشتن از مرحله ناتمام جنبش به شمار می‌آید و عبارت دیگر انحراف از درک لئینی روند انقلاب جهانی بود» (۳).

حزب کمونیست ایران نیز جنبش دمکراتیک و بویژه آزادی بخش بورژوازی ملی را قبول نداشت، ضعف پروولتاریای ایران و خود حزب در آن هنگام و نیز نبود پیوند نزدیک با دهقانان و زحمتکشان شهر را در نظر نمیگرفت و مهمتر از همه اوضاع اجتماعی - اقتصادی ایران در آن زمان از جمله جنبش کارگری و روحیات انقلابی‌توده‌ها را درست ارزیابی نمیگردد.

برنامه سیاسی حزب کمونیست ایران که با وضع نیروهای طبقاتی در کشور سازگار نبود و با «جنبش به پیش» (۴) آشکار متمایز میشد. در مطالب ارکان‌های مرکزی حزب انعکاس مییافت.

مثلا مقاله «مسائل اساسی فرقه‌گونیست ایران» در مجله «ستاره سرخ» که ما در بالا بررسی کردیم با این نوشته‌ها آغاز میشد: «بحران روزافزون اقتصادی مملکت، استحکام رژیم جدید را هر چه بیشتر متزلزل نموده و جریان بیداری توده‌های وسیع زحمتکش را سریعتر میسازد.»

۱ - ششمین کنگره کمیته‌نظر، صورت جلسه تند نویسی شده - مسکو، ۱۹۲۹.

چاپ ششم، ص. ۱۴۲، (بزبان روسی).

۲ - همانجا.

۳ - ا. ب. رزنیکیف درباره استراتژی و تاکتیک انترناسیونال کمونیستی نسبت

به مسئله ملی مستعمراتی در کتاب: «کمیترون و خاور»، مسکو،

۱۹۶۹، ص. ۱۶.

۴ - ع. کاسبخش، کتاب نامبرده، ص. ۴۶.

روحیه انقلابی مملکت بحدی سریعانه نمو و توسعه می‌یابد که بی‌شک انقجار آتی انقلاب طول نکشیده و انتظار زیادی نخواهد داشت» (۱).

مجله در مطالب دیگر تاکید می‌کود که حزب کمونیست ایران «بروزی طبقه‌کارگر ایران را در آینده نزدیک قطعی و حتمی میداند» (۲) یا «انقلاب فاتحانه بزودی سرتاسر مملکت را فرا خواهد گرفت» (۳).

این ادعاها از سوی ارگان تئوریک حزب در آغاز دهه ۳۰ عنوان میشد یعنی هنگامیکه در ایران دیکتاتوری رضا شاه بیش از پیش تثبیت میشد، استبداد سیاسی شدت مییافت و فشار و تفتیشات بیداد میکرد و در نتیجه، سازمانهای حزب کمونیست ایران و سندیکاها در کشور از امکانات ابتدائی برای پیشبرد مبارزه در راه حقوق اقتصادی و سیاسی محروم بودند.

اگر بتوان این ادعاهای بی‌اساس را تا اندازه‌ای با کوشش ارگان حزب برای پشتیبانی از روحیه انقلابی توده‌ها توضیح داد، در آنصورت دلیل عینی ارزیابی غیر واقعی وضع موجود در کشور عبارت بود از عدم ارتباط نزدیک مرکز رهبری حزب و ارگان تئوریک آن (که در مهاجر بود) با سازمانهای محلی حزب کمونیست ایران و توده‌های خلق.

نقطه نظر نادرست نسبت به وضع نیروهای اجتماعی در کشور، پریها دادن به نیروهای مترقی و کم بها دادن به نیروهای ارتجاعی، بویژه در اسناد حزبی بازتاب یافتند بود که در مجله «ستاره سرخ» بدون مذاکرات هیئت تحریریه به چاپ میرسید. مثلا در پیام کمیته مرکزی «بعموم افراد فرقه کمونیست ایران»، مندرج در شماره هفتم و هشتم مجله در سال ۱۳۰۹، اشاره میشد که برای حزب همکاری با هر گونه احزاب و تشکیلات سیاسی طبقه بورژوازی کوچک (سوسیالیستیا و غیره) غیر ممکن است... (۴).

«نامه سرگشاده کمیته مرکزی فرقه کمونیست ایران» نیز نظرات متضاد نادرستی را در بر داشت. کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به تروهای ششمین کنگره کمیته‌ترین استناد میکرد. در آنها گفته شده بود «باید به هر شکل که باشد ائتلاف احزاب کمو-نیست با اپوزیسیون ناسیونال رفرمیست را نپذیرفت. این، سازشهای موقت و توافق بر سر اعمال جداگانه در رابطه با حرکتیهای معین علیه امپریالیسم را حذف نمیکند. بشرطی که مبارزات اپوزیسیون بورژوازی بتواند در گسترش جنبش توده‌ای مفید واقع شود و به شرطی که این توافق ها به هیچ روی آزادی حزب کمونیست را در امر تبلیغات میان

۱ - ستاره سرخ، ۱۹۳۰، شماره‌های ۸ - ۷، ص. ۸۰۳.

۲ - ستاره سرخ، ۱۹۲۹، شماره‌های ۲ - ۱، ص. ۲۱.

۳ - ستاره سرخ، ۱۹۲۹، شماره‌های ۴ - ۳، ص. ۱۹.

۴ - ستاره سرخ، ۱۹۳۰، شماره‌های ۸ - ۷، ص. ۶۷.

توده‌ها و سازمانهای آنها محدود نکند» و اشاره میکرد که: «بگذار بورژوازی خودش منافع خود را مدافعه کند تا آنجا که این اقدامات و تشبثات بورژوازی لیبرالی جنبه انقلابی دارد و در صورتیکه بر علیه رژیم ارتجاعی پهلوی و انگلیس باشد حزب کمونیست حاضر است از هر حیث بان مساعدت نماید. ولی کمیته مرکزی به اعضا حزب و کلیه ملت زحمتکش خاطر نشان و پیش بینی میکند که در موقع حوادث قطعی یعنی موقعیکه در دهات زارعین اسلحه در دست اراضی و املاک ملاکین و اربابان را تصرف و ضبط خواهند کرد و کارگران و صنعتکاران و کسبه خرده در شهرها آشیانه سلطنت ارتجاعی پهلوی را خراب خواهند کرد. جای هیچ شك نیست که بورژوازی آزادیخواه امروزه فردا با ارتجاع شدید و بی امان متحداً بر علیه توده انقلابی مبارزه خواهد کرد» (۱).

عقب نشینی از تاکتیک وحدت نیروهای ملی ضد امپریالیست در سیاست حزب کمونیست ایران، بویژه در مقاله «احزاب و دستجات سیاسی در ایران» مندرج در «ستاره سرخ» آشکارا بروز کرد. مجله به شهرت حزب سوسیالیست ایران (۲) که توده‌های کارگران، دهقانان، روشنفکران و خرده بورژوازی شهری بدنبال آن بودند، اعتراف کرده، با این همه آنرا «غیر توده‌ای» و «اپورتونیست تیبیک» مینامید. «موضع این حزب علیه دولت رضا شاه را کم اهمیت» میدانست و فعالیت رهبران آنرا مورد انتقاد شدید قرار میداد. همچنین کوششهای حزب سوسیالیست ایران جهت تشکیل سازمانهای علنی کارگران و دهقانان مانند انجمن‌های تعاونی، کلوبهای ورزشی، قرائتخانه‌ها و ... مورد انتقاد قرار میگرفت (۳).

«ستاره سرخ» علیه همکاری با فرقه جمهوری انقلابی ایران نیز سخن میراند: «مشکل است به این مؤسسه اسم حزب داد زیرا از دایره عده‌ای محصلین و منورالفکر خارج نشده و هیچگونه ارتباطی با هیچ يك از توده طبقات ایران ندارد و بیشتر پروپاگاندا آن در میان منورالفکرهایی است که در اروپا بسر میبرند» (۴). فرقه جمهوری انقلابی ایران يك سازمان ناسیونالیستی خرده بورژوازی بشمار می‌آید که با شعارهای انقلابی حرکت میکرد و توسط گروهی از روشنفکران مرفقی که بدلیل سیاسی از ایران مهاجرت کرده بودند، تاسیس شده بود.

۱ - ستاره سرخ، ۱۹۲۹، شماره‌های ۲ - ۱، ص. ۵۵.

۲ - منظور حزب «اجتماعیون - عامیون» («سوسیال - دسکراتها») است. رهبر این حزب سلیمان میرزا اسکندری رجل برجسته مرفقی سیاسی ایران بود که بعدها یکی از سازمان دهندگان و رهبران حزب توده ایران شد.

۳ - ستاره سرخ، ۱۹۳۰، شماره‌های ۸ - ۷، ص. ۴۰ - ۳۹.

۴ - همانجا، ص. ۴۲.

در ژوئیه سال ۱۹۲۸ این سازمان نخستین شماره ارگان مطبوعاتی خود - مجله «بیرق انقلاب» را منتشر کرد که برنامه سیاسی فرقه جمهوری انقلابی ایران را گسترده تر بازتاب میدهد. «ستاره سرخ» بی آنکه از مجله «بیرق انقلاب» نامی ببرد، درباره تنها سندی که از سوی این سازمان در سال ۱۹۲۷ منتشر شده به تفصیل توضیح میداد: «این اعلامیه که با اسم «بیان حق» در یک مجموعه چهل ورقی در اروپا و ایران منتشر گردیده است، در موقع خود در ایران مخصوصاً در تهران مداخله کرد و مدتی تأمینات و پلیس تهران را به زحمت انداخت و با زحمت نسخه‌های آن را از در خانه‌ها و پیش اشخاص که با اسم آنها آمده بود جمع کردند» (۱).

«ستاره سرخ» با استناد به سند فوق، نتیجه گرفت: این سازمان دفاع از منافع کارگران و دهقانان را در نظر نگرفته است. در این سند از کارگران و دهقانان تنها هنگامی نام می‌شود که «پورژوازی میخواهد بر ضد دشمنان منقعی خود-ملاکین و اشراف قیام و انقلاب کند و لازم دارد کارگران و دهاقین را بدنبال خود ببرد» (۲).

به نظر «ستاره سرخ» حزب جمهوری انقلابی ایران «از حزب دمکرات قدیم خیلی راست تر است زیرا در پروگرام این حزب اخیر تقسیم زمین مقام مهمی را اشغال کرده بود» (۳).

بدین ترتیب «ستاره سرخ» از فرقه جمهوری انقلابی ایران به این دلیل انتقاد میکرد که این سازمان خواهان ایجاد «حکومت خلقی - جمهوری» بود، به عبارت دیگر بطوری که در مجله اشاره میشود، این فرقه ایجاد «دولت طبقه سرمایه‌داران» را طلب میکرد، نه «دولت انقلابی کارگران و دهقانان یعنی حاکمیت شوروی».

مقاله‌ای که بررسی کردیم در شماره‌های ۸ - ۷ ستاره سرخ در سال ۱۹۳۰ درج شده بود. در این هنگام اولین و تنها شماره «بیرق انقلاب» (در ژوئیه سال ۱۹۲۸)، در اروپای غربی بخش شده بود (۴). «ستاره سرخ» نمیتوانست از انتشار این مجله پیش از همه خبردار نشود. «بیرق انقلاب» به عنوان یک نشریه انقلابی که در مهاجرت منتشر میشد جالب است و سودمند می‌بینیم که خط مشی آنرا مختصراً بررسی کنیم.

اولین شماره مجله در ۱۳ صفحه و به شیوه پللی کپی به چاپ رسید. ارگان مطبوعاتی فرقه جمهوری انقلابی ایران چه وظایفی را در برابر خود قرار

۱ - همانجا، ص. ۴۲.

۲ - همانجا.

۳ - همانجا.

۴ - مجله «بیرق انقلاب»، ژوئیه ۱۹۲۸، شماره ۱، ص. ۱ (از این پس؛

بیرق انقلاب...).

داده بود؟ «بیرق انقلاب» در مقدمه بنام «صفحه نویسی در تاریخ ایران». احیاجنبش انقلابی در کشور و همچنین انتشار خود مجله را تهنیت میگفت و با اشاره به اینکه در طول ۲۰ سال اخیر احزاب تشکیل شده در ایران و جراید منتشره از سوی آنها، نتوانستند نقش تاریخی رحمتکشان ایران را ارزیابی کنند. دارای تئوری پایدار سیاسی نبودند و از این رو «اثری در تاریخ ایران برجای نگذاشتند». مجله به عهده گرفت که: «با تکبیر تئوری انقلابی ... مبارزه رحمتکشان ایران را رهبری کند» (۱).

مجله پوآنکه بیان دارد کدام تئوری اساسی برنامه سیاسی حزب «در مبارزه علیه جامعه طبقاتی» قرار گرفته است، مینویسد: «مقصود اصلی فرقه جمهوری انقلابی استقرار حکومت جمهوری ملی رنجبران ایران است» (۲). حزب وظیفه بهبود وضع اقتصادی رحمتکشان ایران، تقسیم تمام اراضی میان دهقانان و برانگیختن پرولتاریا به مبارزه علیه رژیم رضا شاه» را در برابر خود قرار میداد (۳).

«بیرق انقلاب» در سرمقاله خود فرا میخواند که از حزب حمایت کنند و او را در انتشار ارکان مطبوعاتی یاری دهند و شعارهای زیر را مطرح میکرد: «زنده باد طبقه رحمتکش ایران!»، «محو باد طبقه غارتگر اعیان و اشراف و ملاکین و پاسبان حقوق آنها حکومت استبداد رضا خان!»، «ناپود باد پشتیبان طبقه غارتگران امپریالیسم انگلیس». «زنده باد حکومت جمهوری رنجبران ایران!»، «پاینده باد انقلاب ایران» (۴).

بطوریکه از مقاله و شعارهای عنوان شده در آن برمی آید «بیرق انقلاب» اندیشه انجام انقلاب بورژوا-دمکراتیک را بیان میداشت. اما در ضمن به عنوان ارکان مطبوعاتی حزبی که به نظر مجله «حزب رهبری کننده خلق» به شمار میامد، به وظایف مشخصی که در برابر آن قرار داشت، اشاره ای نمیکرد.

موضوع دیگر مطالبی که در «بیرق انقلاب» درک شده است، حاکی از فقدان برنامه مشخص و دقیق است که برای انجام وظایف تعیین شده لازم بود. البته مجله در بسیاری از مسائل موضع درست اتخاذ کرد و وظایف مهمی را طرح نمود. مثلا مجله در مقاله «نظام اجباری یا وسیله جدید برای چپاول و سرکوبی دهاقین و کسبه ایران» که بمناسبت تصویب «قانون خدمت نظامی همگانی» در سال ۱۹۲۷، نوشته شد در برابر رحمتکشان ایران که «امروز سربازان ارتش ایران و فردا سربازان انقلابند» وظیفه آگاه ساختن همزمان خود از هدف واقعی ارتش ایران، یعنی دفاع از میهن در برابر

۱ - بیرق انقلاب، ژوئیه ۱۹۲۸، شماره ۱، ص. ۱.

۲ - همانجا، ص. ۲.

۳ - همانجا.

۴ - همانجا، ص. ۶.

اشفالیگران خارجی و در لحظه مناسب نشانه گرفتن سلاح علیه دشمنان داخلی خود» را قرار میداد» (۱).

«بیرق انقلاب» در مقاله دیگر «انتخابات و کلای قلابی ایران» مجلس را که اکثر آنها زمینداران و سرمایه‌داران بودند، افشاء میکند، چراید ایران را که ابزار فریب خلق و کسب کرسی‌های نمایندگی بودند مورد انتقاد قرار میداد و کارگران و دهقانان ایران را فرا میخواند تا از توییون مجلس برای افشاء ماهیت غارتگرانه سیاست دولت بهره جوئی کنند (۲).

برخورد انتقادی «ستاره سرخ» به فرقه جمعیوری انقلابی ایران که مجله به هر جهت به نفوذ آن در بین زحمتکشان اعتراف میکرد، ناشی از سیاست حزب کمونیست ایران بود. این سیاست همکاری با احزاب و سازمانهای بورژوازی را رد میکرد. این سیاست به ایجاد جنبه واحد ضد امپریالیستی و به امر مبارزه با رژیم دیکتاتوری رضا شاه پهلوی لطمه جدی وارد ساخت. اما ارکان دیگر حزب کمونیست ایران یعنی روزنامه «بیکار» در شماره‌های جداگانه خود بنام کمونیستها و جمعیوری خواهان سخن میگفت (۳).

باید متذکر شد که مواضع ارکان شوریک حزب و روزنامه «بیکار» در طرح این نمونه‌ها و شعارهای تاکتیکی، در بسیاری موارد متفاوت بودند. مثلاً «بیکار» برخلاف «ستاره سرخ» که «قطع هرگونه همکاری با احزاب و سازمانهای سیاسی خرده‌بورژوازی (با سوسیالیستها و غیره) را طلب میکرد» (۴) چنین می‌نوشت:

«بایستی تمام عناصر انقلابی را که صادقانه حاضر مبارزه با استبداد و حشیانه حکومت رضا خان هستند اعم از جمعیوری طلب یا سوسیالیست و یا کمونیست متحدنموده نائره انقلاب را برپا نمود» (۵).

طرح اصولی تر این مسئله در روزنامه «بیکار» چاب فوریه سال ۱۹۳۱، و همچنین در مطالب بعدی «ستاره سرخ» حاکی از تصحیح خط مشی سیاسی حزب کمونیست ایران است که در این عرصه نقش فراوانی به کمک‌ها و توصیه‌های کمیترن تعلق دارد. کمیته اجزائی کمیترن پس از بررسی وضع حزب کمونیست ایران در سال ۱۹۳۱، نامه سرگشاده‌ای خطاب به کلیه اعضای حزب کمونیست ایران منتشر کرد. این نامه در مجله «ستاره سرخ» درج شد (۶). در نامه وظایف اصلی مرحله کنونی مبارزه ضد

۱ - بیرق انقلاب، ص. ۶.

۲ - همانجا، ص. ۱۰.

۳ - بیکار، ۱ ژوئیه ۱۹۴۱، شماره ۸؛ بیکار، ۱۵ اوت ۱۹۳۱، شماره ۱۱.

۴ - ستاره سرخ، ۱۹۳۰، شماره‌های ۸ - ۷، ص. ۶۷.

۵ - بیکار، ۱ آوریل ۱۹۳۱، شماره ۳.

۶ - ستاره سرخ، ۱۹۳۱، شماره‌های ۱۱ - ۱۰، ص. ۷۳ - ۷۵.

امپریالیستی و ضد فئودالی زحمتکشان ایران تجزیه و تحلیل شده بود. در مجله همچنین نامه کمیته اجرائی انترناسیونال جوانان خطاب به اعضای اتحادیه جوانان کمونیست ایران چاپ شده بود و در آن اشاره میشد که اتحادیه جوانان کمونیست ایران از توده فاصله گرفته و یک سازمان بسته و محدود به شمار میاید (۱) در نامه تومیه شده بود که در کار سازمانهای مختلف اجتماعی، کلوبها و انجمنهای فرهنگی شرکت به عمل آید و برای نزدیکی بیشتر به جوانان کارگر، درک روحیات آنها در مبارزه برای بهبود وضع اقتصادی، تمام مساعی به کار گرفته شود.

پس از پلنوم ماه مه (سال ۱۹۳۱)، کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران از طریق روزنامه «پیکار»، دیگر سازمانهای دمکراتیک ایران را فراخواند تا، کمیتههای مخفی مشترکی برای مبارزه علیه رژیم پهلوی، بخاطر آزادی بیان، اتحادیهها و جلسات، بوجود آورند (۲). حزب کمونیست ایران پیشنهاد میکرد: برنامه اقدامات مشترکی را برای متشکل کردن تودههای زحمتکش، برای غنو عمومی زندانیان سیاسی، ملی کردن شرکت نفت انگلیس - ایران و لغو امتیازات خارجی، تبلیغات شود.

کمونیستهای ایران که در خارج از کشور فعالیت میکردند همکاری نزدیک را با نمایندگان روشنفکران مرفقی که از ترور و پیکرد جان سالم بدر برده و از ایران مهاجرت کرده بودند، آغاز نمودند. فرخی یزدی شاعر مشهور، روزنامهنگار و رجل اجتماعی ایران نیز در میان آنها بود، فرخی یزدی از شهرت فراوان اشعار انقلابی خود در بین تودههای وسیع خلق استفاده کرده، در مبارزه آزادی بخش - ملی در ایران شرکت فعالی میجست. او به خاطر سخنان پرشورش «لسان الملت» نامیده شد. فرخی یزدی از سال ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۷ در تهران روزنامه «طوفان» را منتشر میکرد. این روزنامه بدلیل انتقاد شدید از سیاست کابینههای مختلف دولت، بیش از ۱۵ مرتبه تعطیل و خود فرخی یزدی بارها به دادگاه جلب شد (۳). در نوامبر سال ۱۹۳۰ فرخی یزدی مجبور به مهاجرت از کشور شد و از راه اتحاد شوروی به آلمان عزیمت کرد. او در برلین به کمونیستهای ایران پیوست و در دادگاه ناشرین روزنامه «پیکار» به عنوان شاهد عینی از استبداد و ترور رژیم رضا شاه سخنرانی کرد. فرخی یزدی در سال ۱۹۳۱، با همکاری کمونیستهای ایران در برلین روزنامه «نهضت» را منتشر کرد. اغلب مطالب روزنامه، حاکی از شرکت فعال کمونیستهای ایران در انتشار «نهضت» است. روزنامه در سرمقاله «ما و رژیم مرتجع پهلوی» ماهیت استبدادی و ضد خلقی سیاست رضا شاه در کشور را افشاء کرده

۱ - ستاره سرخ، ۱۹۳۱، شماره ۹، ص. ۶۳ - ۵۷.

۲ - پیکار ۱۵ اکتبر ۱۹۳۱، شماره ۱۵.

۳ - حاجی زاده، ع. گ. اشعار فرخی یزدی، باکو، ۱۹۶۹، ص. ۲۵ (بزبان آذربایجانی).



فرخی یزدی
شاعر و روزنامه‌نگار انقلابی

و هدف روزنامه را چنین تعیین کرد: «ما برای آزادی توده اسیر ایران، برای دفاع از حقوق کارگران و دهاقین، برای آزادی ملل مظلوم اقلیت، برای رسوا کردن جنایت‌های بی‌شمار حکومت حاضر، برای سزاکون کردن حکومت استبدادی، برای استوار حکومت جمهوری دموکراسی علم مخالفت را بلند کرده و قدم به میدان مبارزه می‌گزاریم. تنها پشتیبان ما قوه نیرومند توده زحمتکش ایران است (۱)».

بطوری که از نقل قول بالا بر می‌آید، روزنامه از سوی شخصیت‌های انقلابی منفرد سخن نمی‌گفت بلکه خط مشی ایدئولوژیکی معینی را بیان می‌داشت که با برنامه سیاسی حزب کمونیست ایران بسیار هماهنگ بود. اگر چه در این مقاله از خود حزب فاسی برده نمی‌شد. در مقاله بعدی «ایران و بحران اقتصادی دنیا» در باره پیامدهای فلاکت بار بحران اقتصادی جهانی بر اقتصاد ایران و وضع توده‌های زحمتکش سخن به میان می‌آمد. مقاله‌ای که تحت عنوان «تجربیات سیاسی اعتصاب ناساجان امفهان» در روزنامه درج شده است بسیار جالب است. نویسنده مقاله با امضاء «ناجی» بداهمیت فراوان انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در اجاء جنبش کارگری ایران و دگرگونیهای کیفی در خصلت آن اشاره کرده و اعتصاب کارگران امفهان در کارخانه «وطن» در ماه مه سال ۱۹۳۱ که «صفحه قهرمانانه نوینی در تاریخ جنبش کارگری ایران گشود» (۲) نمونه می‌آورد. در مقاله نقش رهبری کننده حزب کمونیست ایران و «اتحادیه‌های سرخ» در برگذاری اعتصاب ارزیابی می‌شد و به اهمیت فراوان اعتصاب در تربیت سیاسی طبقه کارگر ایران اشاره می‌شد. روزنامه مینوشت: «اعتصاب نشان داد که طبقه کارگر امروزه ایران برای مبارزه با سرمایه‌داران، متحد می‌باشد. حزب کمونیست ایران یک بار دیگر نیز فهمید که فقط با ارتباط نزدیک و محکم با توده کارگر می‌تواند پیشرفت نموده و نفوذ خود را در میان کارگران محکم نماید» (۳).

در مقاله برخی اشتباهات رهبران اعتصاب نیز بررسی شده است. مثلاً عدم توجه به زنان و کودکان کارگر کارخانه که جذب تشکلهای سندیکائی نشده بودند و با علم ارتباط کارگران نساجی کارخانه «وطن» با کارگران دیگر کارخانه‌ها و قابریکهای امفهان، و بالاخره عدم توانائی در هماهنگ کردن خواستههای اقتصادی کارگران با مطالبات سیاسی. بطوری که از مقاله بررسی شده استنباط می‌شود، نتایج اعتصاب در کارخانه «وطن» و اشتباهاتی که در جریان برگذاری آن صورت گرفت، در روزنامه «نهضت» مورد تجزیه و تحلیل دقیقتری نسبت به «پیکار» و «ستاره سرخ» قرار گرفته است. این امر حاکی از برخورد جدی و دقیق حزب کمونیست ایران به این اعتصاب و کوشش

۱ - روزنامه «نهضت»، مارس ۱۹۳۲، شماره ۱، (از این پس: نهضت).

۲ - نهضت، مارس ۱۹۳۲، شماره ۱.

۳ - همانجا.

حزب برای تصمیم تجربه آن است. سبک مقاله و مسائلی که در آن انعکاس یافته، امکان میدهد حدس زد که مقاله را کمونیستها نوشته بودند.

در مقاله دیگر که به وضع دهقانان اختصاص یافته، «نهضت» تکه‌هایی از مطالب جراید ایران درباره شورشنای دهقانی در کشور و تدابیر بیرحمانه برای سرکوب آنها را آورده و شرح داده است. «نهضت» در مقاله «آزادی نطق در مشروطیت پهلوی» ماده‌ای از فرمان وزارت کشور ایران را نقل میکند که به موجب آن سخنرانی و تبلیغات برای مردم و طرح مسائل سیاسی در مورد سیاست داخلی و خارجی دولت، ممنوع اعلام میشود. «نهضت» با اشاره به این فرمان، ماهیت به اصطلاح دموکراسی موجود در ایران را افشاء میکند.

«نهضت» در مقاله‌ای بنام «جراید تهران و کارگران ایران» روزنامه «شفق سرخ» را که سعی داشته خوانندگان را با شرایط دشوار زندگی کارگران نفت ایران آشنا سازد ارزیابی کرده و متذکر می‌شود که علت واقعی نوشته‌های روزنامه «شفق» سرخ» در این نیفته است که شرکت نفت انگلیس آگهی‌های خود را به روزنامه نداد و آنرا از درآمدهای فراوان محروم کرد» (۱).

در آخرین صفحه (چهارم) «نهضت» مقاله‌ای درج شده بود که به وضع زندانیان سیاسی ایران اختصاص داشت وزیر آن امضاء «کارگر اصفهان» بود. بدین ترتیب «نهضت» میکوشید مبارزه مطبوعات کمونیستی ایران را ادامه دهد، اما روزنامه پس از یک شماره، تعطیل شد (۲).

خود فرخی یزدی که به وعده‌های تیمور تاش وزیر دربار سینی براینکه او تحت پیگرد قرار نخواهد گرفت، باور کرده بود، در سال ۱۹۳۲ به تهران بازگشت. در سال ۱۹۳۷ علیه فرخی یزدی پرونده سازی شد و او را به سه سال زندان محکوم کردند. فرخی یزدی که در سیاه چالهای پلیس مبارزه خود را ادامه میداد در اکتبر سال ۱۹۳۹ به دستور رضا شاه بدست جلاخان زندان به قتل رسید (۳).

بدین ترتیب مطبوعات کمونیستی ایران در مناجرت، بویژه ارگان تئوریک حزب، سیاست حزب کمونیست ایران را منعکس میکردند. حزب کمونیست ایران با کمک ایدئولوژیک - تئوریک کمینترن، در آغاز دهه ۳۰ کوشید گرایشهای چپ سکتاریستی را که در حزب تشدید شده بود، از میان ببرد. انتشار روزنامه «نهضت» تلاش مشترک

۱ - نهضت، مارس ۱۹۳۲، شماره ۱.

۲ - محمد صدر هاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، - اصفهان، جلد ۲، ص ۹۳، (از این پس: صدر هاشمی م. کتاب نامبرده ...).

۳ - مجله «دانشمند»، تهران، ۱۹۸۰، شماره ۲، ص ۱۰۰.

نیروها برای اداسه فعالیت انقلابی - تبلیغی علیه رژیم ارتجاعی موجود در ایران بشمار میابد.

اما دیگر فرست برای تشکیل جبهه متحد با سایر سازمانهای دمکراتیک برپایه برنامه ضد امپریالیستی از دست رفته بود. طی سالهای ۱۹۲۲ - ۱۹۲۴، سازمانهای ضعیف و کم تعداد کمونیستی و دمکراتیک بدست پلیس ایران قلع و قمع شدند و به فعالیت خود چه در داخل و چه در خارج از کشور سوقتا پایان دادند. ارگانهای مطبوعاتی این سازمانها هم انتشار خود را قطع کردند.

در سال ۱۹۲۴ با کوششهای خستگی ناپزیر دانشمند شهید و مارکسیست برجسته ایران دکتر تقی ارانی سازمان حزب کمونیست ایران در تهران از نو ایجاد شد. سازگار با تسمیات هفتمین کنکره کمیته ن (ژوئیه - اوت سال ۱۹۲۴) که حاکی از تحولی قاطع در رفع گرایشهای چپ سکتاریستی بسیاری از احزاب کمونیست بود و مسئله جبهه واحد ضد امپریالیستی را بعنوان وظیفه مرکزی فعالیت کمونیستهای خاور زمین پیش میکشید، حزب کمونیست ایران اعلامیهها و بیانیههایی را نشر داد که «همه مین برستان» را بد اتحاد در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی فرا میخواندند.

۴ - نقش نویسندگان حزبی در تبلیغ اندیشههای انقلابی

مؤلفین مشهور حزبی در جریان پیدایش مطبوعات کمونیستی و کارگری ایران پرورش یافتند. اما بسیاری از رجال جنبش کارگری و کمونیستی ایران که پایه گذار جراید کمونیستی و کارگری بودند، مکتب مبارزه سیاسی - تبلیغی را در ادارات جراید و مطبوعات مارکسیستی ماورا قفقاز و ترکمنستان گذاراندند. آنها زیر تاثیر مستقیم آثار و ای. لنین، و استادان روزنامه نگار که بد مکتب لنینی وابسته بودند، قرار داشتند.

انقلابیون و رجال جنبش کارگری ایران درسهای ورزیدگی پرولتری و پایداری عقیدتی و اصول ایدئولوژیک و خلاق نگارش حزبی را با استواری هدف مارکسیست - لنینیستی ارگانهای مطبوعاتی خود بیان داشتند.

یکی از رجال برجسته جنبش انقلابی ایران که سرچشمه مطبوعات کارگری به شمار می آمد اسداله غفارزاده بود. اسداله غفارزاده زمانی که در ایران بود، در رساندن «ایسکرا»ی لنینی بد باکو از راه تبریز مستقیما شرکت داشت. اسداله غفارزاده با عزیمت از اردبیل بد باکو در سال ۱۹۰۳ و آغاز کار در تاسیسات نفت، بلافاصله بد مبارزه پرولتاریای باکو علیه تزاریسیم و ناسیونالیسم بورژوائی پیوست. اسداله غفارزاده



ابراهيم على زاده نامى طرف راست مدير روزنامه عدالت
در کنار رفيق كريم نيکبين

در سال ۱۹۰۵ به عضویت حزب سوسیال دمکرات روسیه در آمد و کار تبلیغی در بین لایه‌های عقب مانده کارگران ولایت‌های مختلف را آغاز کرد. او آنها را به وحدت فرا میخواند و اهمیت همبستگی طبقاتی در مبارزه در راه حقوقشان را توضیح میداد (۱). اسداله غفارزاده از همان ابتدای فعالیت انقلابی خویش در صفحات مطبوعات مارکسیستی آذربایجان شرکت داشت. اسداله غفارزاده که با آثار و. ای. لنین درباره اهمیت مطبوعات در تشکیل حزب به خوبی آشنا بود. با استفاده از نخستین اسکان آغاز کار علنی که پس از انقلاب بورژوا - دمکراتیک فوریه فراهم شد، اقدام به انتشار مجله «بیرق عدالت» کرد. این مجله ارکان سیاسی حزب «عدالت» که در ماه مه سال ۱۹۱۷ تشکیل شده بود، بشمار میآمد، بسیاری از مطالب «بیرق عدالت» که در فصل گذشته بررسی کردیم به قلم خود اسداله غفارزاده نوشته میشد. بی آنکه به توضیحات پیشگفته مراجعه کنیم. تنها یادآور میشویم که تمام این مطالب از لحاظ سادگی و شیوایی، سراحت حکایتها و طرح مشخص مسائل متمایزند. در همان حال مقاله‌هایی که به زندگی کارگران اختصاص یافته است، با مطالبی که برای دهقانان در نظر گرفته میشد، متفاوت است. «پیام به رفقای کارگر» را اسداله غفارزاده نوشته بود. در این پیام اختلاف شدید میان شرایط زندگی کارگران و طبقات ثروتمند که کشور را به اشغالگران خارجی واکدار کرده بودند، نشان داده میشود و از لحاظ شور و هیجان واقعی و مین پرستانه متمایز است؛ «کارگر شهروند تام الحقوق ایران است! تقریباً تمام طبقات واقشار جامعه در این کشور با حاصل کار او زندگی میکنند. آنوقت تو خودت کورسنگی میکنی و در پی یافتن تکه نانی مجبور به ترک مین میشوی! اگر من و تو باهم متحد شویم در آنصورت شکستمان در صحنه زندگی حتمی است. تنها راه نجات ما در این است که هم از نظر سیاسی و هم از نظر اقتصادی باهم متحد شویم و به تمام جهان ثابت کنیم که ما صاحبان واقعی و تام الحقوق مین هستیم» (۲).

مقاله‌هایی که به مسئله دهقانان اختصاص یافته، برعکس، از لحاظ لحن گفتار، ملایم و داستان وار است.

اسداله غفارزاده پس از آشنا کردن خوانندگان با زندگی دهقانان و بیان صفات مشترك وضع آنها با وضع کارگران ایران، نتیجه می‌گیرد که دهقانان يك دشمن دارند. زمیندار. در مقاله‌ها به زبان ساده و روشن، اشتراك منافع دهقانان با پرولتاریا یعنی مدافع حقوق همه زمینکشان ثابت میشد.

همانگونه که گفته شد، اسداله غفارزاده در ماه مه سال ۱۹۱۸، بدست پلیس ایران به قتل رسید و پس از آن مجله «بیرق عدالت» منتشر نشد. اما مقوف حزب

۱ - مجله «قرول قلم»، باکو، ۱۹۲۴، شماره ۲، ص. ۲۲ (زبان آذربایجانی).

۲ - بیرق عدالت، ۱ ژوین ۱۹۱۷، شماره ۲، ص. ۲.



میر جعفر جوادزاده پیشه‌وری
مؤسس مطبوعات کمونیستی ایران

«عدالت» از انقلابیون تازه‌ای تکمیل شده بود. آنها به سلاح برای قلم به خوبی تسلط داشتند. بسیاری از آنها بطور ارگان جدید حزب یعنی روزنامه «حریت» گرد آمدند. «حریت» در پرتو فعالیت همین مؤلفین، نقش مهمی در مبارزه پرولتاریای ایران و ایجاد حزب کمونیست ایران ایفاء کرد. از بین آنها در وحله اول باید از میرجعفر جوادزاده (پیشدوری) نام برد. م. ج. جوادزاده که در سال ۱۹۰۵ در ۱۲ سالگی همراه باوالدین خود از آذربایجان ایران به پاکو آمد، در آستانه انقلاب کبیر اکتبر به مبارزه سیاسی پیوست. او علل وارد شدنش به صفوف مبارزان راه آزادی را چنین بیان میکند: «من یکی از ایرانیان جوان بودم که در مبارزه آزادی بخش خلقهای روسیه شرکت کردم. من میدانستم که نجات و خوشبختی مردم و مینن من پیوند ناگسستنی با نظام سیاسی که انقلاب روس میگویندند برقرار کنند، دارد. من میدانستم که اگر پرچمی غیر از پرچم ظفرمند لنینی فراز روسیه به اهتزاز درآید، استقلال و آزادی ایران برای همیشه در معرض خطر خواهد بود» (۱).

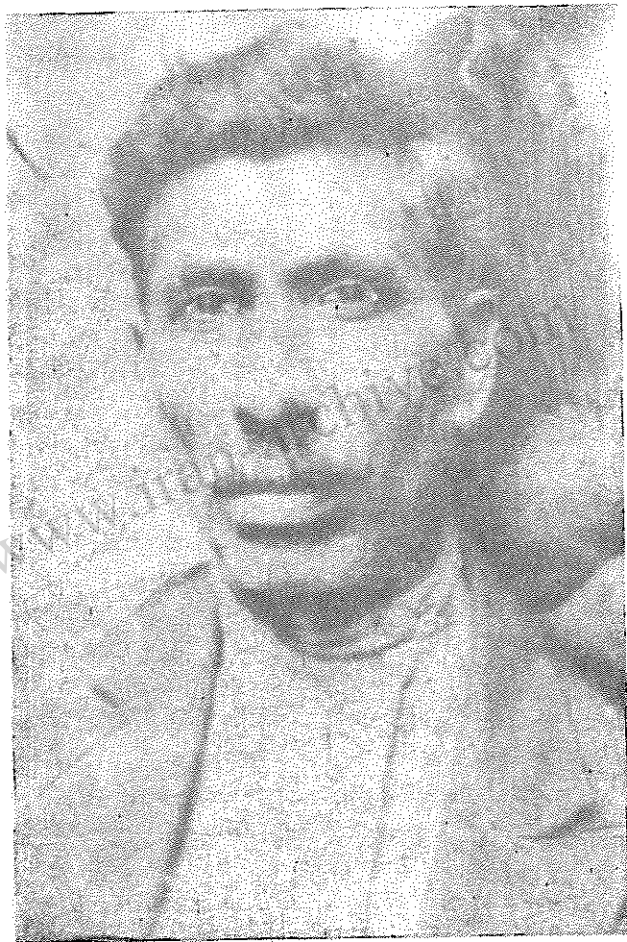
م. ج. جوادزاده در سال ۱۹۱۸ به عضویت حزب «عدالت» در آمد و از شماره ۲۳ روزنامه «حریت» مدیر آن شد. با ورود م. ج. جوادزاده به هیئت تحریریه روزنامه مطالب «حریت» خصلت برونه‌تری یافت در صفحات روزنامه بیش از ۵۰ مقاله، تحلیل و طنز با اوضاع جوادزاده چاپ شد که به اوضاع داخلی ایران، وظایفی که در برابر حزب و طبقه کارگر قرار داشت، جنگ و صلح و تحلیل اوضاع بین‌المللی و رویدادهای آذربایجان و روسیه اختصاص داشت.

«در ایران انقلاب لازم است!» مقالهای که به اوضاع داخلی ایران اختصاص داشت با این کلمات آغاز میشد. م. ج. جوادزاده حکمرانان ایران را مقصرین تبدیل کشور باستانی به یک ویرانه توصیف میکرد. مؤلف حکومت ایران را وسیله‌ای میدانست که آنها «بورژوازی غرب که جنگ جهانی اول را تنها به منظور حفظ و نجات نظام سرمایه‌داری برآه انداخت، بوجود آورده بود» (۲).

نویسنده مساز بیان علل وضع اسف بار اقتصاد ایران، وضع فقرانه طبقات و کمکس، عقب ماندگی و بیسوادی مردم ایران، بطور اقناع‌کننده‌ای ضرورت تجدید ساختمان انقلابی در کشور را ثابت میکرد. م. ج. جوادزاده در جریان مقاله ضمن بحث با نمادگان جراید بورژوازی ایران که عدالتی‌ها را به تبلیغ اندیشه‌های کمونیستی متهم میکردند، نوشت: «انقلابیون ایران اندیشه‌های خود را پنهان نمیکنند. آنها اعلام میدارند: بگذار ما را بکشند، بگذار ما را تعقیب و بازداشت کنند. اما ما باید درباره اهداف خود سخن بگوییم، ما باید به خاطر آزادی و استقلال ایران مبارزه کنیم و حیثیت

۱ - پیشدوری (جوادزاده) م. ج. آثار منتخب، ص. ۶.

۲ - حریت، ۲۰ فوریه ۱۹۲۰، شماره ۵۱.



نعمت بصير
ژورنالیست انقلابی

کشور خود و ایرانیان را اعاده کنیم، در ایران انقلاب لازم است» (۱).

در بین نوشته‌های م. ج. جوادزاده در صفحات «حریت» مقاله‌هایی که به افشاء سیاست حکومت بورژواسملاکی مساوات در آذربایجان اختصاص یافته است، جای ویژه‌ای را اشغال میکنند

این مقاله‌ها که در اوج بیدادگری ارتجاع و ترور نوشته شده، حاکی از شجاعت و بی باکی نویسنده حزبی است. م. ج. جوادزاده توضیح میداد که سیاست مساواتیها و دانشناک‌ها برای ایجاد نفاق ملی میان زحمتکشان آذربایجان و ارمنی که تا آنزمان مدتها سال را در دوستی و برادری بسر برده بودند، برای جانشین کردن مبارزه طبقاتی با خصومت ملی بود.

م. ج. جوادزاده با وفادار ماندن به سنن افتخار آمیز ادبیات مترقی آذربایجان و اندیشه دوستی خلقیبا که یکی از اجزاء گران بنای این ادبیات را تشکیل میدهد، يك سلسله مقاله‌هایی نوشت که سرشار از روح نوع دوستی پرولتری و انترناسیونالیسم است. او در این مقاله‌ها زحمتکشان ملیت‌های مختلف را به تحکیم وحدت فرامیخواند و دشمنان واقعی خلقهای آذربایجان و ارمنی را افشاء میکند. نویسنده تاکید میکرد که: معاصرین ما به «توران عظیم» و «هایستان عظیم» نیاز ندارند و بلکه دولتهای شوروی کوچک آذربایجان و ارمنی که شبروندان خود را به جنگهای ملی و مذهبی بر نیانگیزند لازم است» (۲).

م. ج. جوادزاده برای افشاء نارسائی‌های زندگی اجتماعی ایران توانست يك شیوه دیگر نگارش مارکسیستی یعنی مقاله‌های فکاهی انتقادی را بکار گیرد. «طنزهای کوتاه» که بانام مستعار «عجول» در صفحات «حریت» درج میشد، دارای جنبه هزل آمیز شنیدنی بود. سبک این مقاله‌ها حاکی از آن است که نویسنده آنها، از تجربه غنی نمایندگان برجسته هزل آذربایجان بویژه جلیل محمقلو زاده، سرمشق گرفته است.

م. ج. جوادزاده که فعالیت انقلابی خود را با مقاله‌هایی در مطبوعات کارگری ایران و آذربایجان آغاز کرده بود، بعدها یکی از مؤلفین برجسته حزبی و از باتجربه‌ترین مدیران نشریات کمونیستی، رجل رهبری کننده کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران، سپس در سال ۱۹۴۵ بنیانگذار فرقه دمکرات آذربایجان شد و تا آخر عمر فعالانه در کار مطبوعات حزبی شرکت داشت.

از میان مؤلفین انقلابی ایران باید همچنین از نعمت بصیر نام برد. او مشهور به کار فعال تبلیغاتی خود در دوران ایجاد و رشد مطبوعات کمونیستی ایران است. نعمت

۱ - حریت، ۲۰ فوریه ۱۹۲۰، شماره ۱۵.

۲ - حریت، ۲۳ آوریل، ۱۹۲۰، شماره ۶۷.



کامران آقازاده
یکی از سازمان دهندگان مطبوعات کمونیستی ایران

بصیر حاجی‌یوسف که از سال ۱۹۰۸ اندیشه‌های مترقی را در صفحات جراید آذربایجان بیان میداشت، استعداد خود را به عنوان یک شاعر انقلابی و نویسنده پرشور همانا در صفحات «حریت» آشکار ساخت. مقاله‌ها، تحلیل‌ها و نوشته‌های ادبی - انتقادی او از لحاظ محتوا جدید و عمیق بودند و از لحاظ قانع‌کننده و مورد استفاده عموم بودن و نیز زبان ساده و کنایه‌ای، متمایز بودند. ما پیش از این درباره سلسله مقاله‌های نعمت‌بصیر که بانام «ما چه می‌خواهیم» و «سوسیالیسم و اسلام» در صفحات «حریت» درج شده است و نیز درباره بررسی ادبی - انتقادی در مجله «آزادی ایران» سخن گفته‌ایم. صفت مشخصه مقاله‌های ن. بصیر عبارتست از شرح ساده مسائل گوناگون حیات ایران و وظایفی که در برابر حزب «عدالت» و کارگران ایران قرار داشت. حتی مقاله‌های پیچیده تئوریکی چون «آزادی بیان» مندرج در شماره ۳۰ «حریت» ۱۲ نوامبر سال ۱۹۱۹ (که در آن اهمیت این شمار دمکراتیک در مبارزه انقلابی تحلیل شده بود) برای مردم معمولی یعنی برای کسانی که مقاله در نظر گرفته بود، قابل درک بود.

برخی صفحات مشترک آثار ادبی م. ج. جوادزاده و ن. بصیر را یادآور میشویم. این صفحات عبارتند از شور و حرارت بسیار، احساسات فراوان، گنایه زبان‌وغزای نفیسی. م. ج. جوادزاده و ن. بصیر به موضوعی ادبی - هنری هم می‌پرداختند. در اشعار آنها که در صفحات نشریات کمونیستی چاپ شده است، ضرورت اتحاد زحمتکشان زیر پرچم مبارز علیه ستمگران برای آزادی و خوشبختی ستوده شده است.

مقاله‌های حسن ضیاء مؤلف با استعداد و رجل برجسته حزب کمونیست ایران، از لحاظ جدیدت و راکتش درست به رویدادهای سیاسی ایران و آذربایجان، متمایز است. مقاله او «عاملین انگلیس» به مناسبت سفر هیئت نمایندگی ایران به باکو به ریاست ض. طباطبائی «که سالهای مدیدی جراید ایران را با بول انگلیس منتشر میکرد» (۱) نوشته شده بود.

ح. ضیاء یسار از بررسی قراردادهای تجاری منعقد شده میان ایران و آذربایجان که گویا در جهت «بهبود اقتصاد کشور و بهبود شرایط زندگی تمام زحمتکشان است»، اشاره میکرد که چنین روابط تجاری فقط میتواند به نفع طبقات حاکم و نروتمند ایران باشد زیرا سود این تجارت در اختیار آنها خواهد بود.

حسن ضیاء هفت سفر هیئت نمایندگی ایران به آذربایجان را که «کانون اندیشه‌های انقلابی درخاور بود و طباطبائی در جراید خود دائما و لاجوجانه به آن دشنام میداد» (۲)، خدمت به منافع انگلیس مینامید. او مینوشت انگلیس امیدوار بود که به:

۱ - حریت، ۱۹ آوریل، ۱۹۲۰، شماره ۶۶.

۲ - همانجا.



مرتضی علوی
سازمانگر مطبوعات کمونیستی ایران

گمک دولت ساوات آذربایجان از گسترش اندیشه‌های انقلابی در ایران و هند جلوگیری کند.

مقاله‌های حسن ضیاء نیز از لحاظ سادگی و صراحت بیان و زبان کنایه‌ای خیلی جالب و مهم است. او اندیشه‌های انقلابی را «سیل ستلاطمی» مینامد که هیچ رژیم ارتجاعی نمیتواند در برابر آن مقاومت کند.

حسن ضیاء مسائل طرح شده در مقاله‌های «به مناسبت تعطیل جراید کارگری»، «به مناسبت پاسخ دولت آذربایجان به یادداشت رفیق چیچرین» مندرج در شماره‌های ۶۰ و ۶۱ روزنامه «حریت» ۲۶ و ۳۰ مارس سال ۱۹۲۰، را مشخص و مستدل از دیدگاه انقلابی بررسی میکند.

همانگونه که گفته شد در صفحات «حریت» یک گروه کامل از مؤلفین انقلابی پرورش یافتند که بعدها ستون مطبوعات کمونیستی ایران را تشکیل دادند.

کامران آقازاده، محمد علیخانوف، سید محمد دهقان، میرزا یحیی کیوانی، سیرسیف‌الدین کرمانشاهی، ابراهیم علی‌زاده، مرتضی‌علوی، ابوالقاسم ذره و مؤلفین دیگر همراه با م. ج. جوادزاده، ن. بصر و ح. ضیاء در انتشار ارگانهای کمونیستی در سالهای ۱۹۲۲ - ۱۹۲۰ هم در ایران و هم در خارج از کشور، شرکت فعالی داشتند فعالیت روزنامه نگاری آنها به رشد روحیه انقلابی مردم کشور، وحدت گارگران پیرامون حزب در مبارزه علیه رژیم موجود و گسترش اندیشه‌های مارکسیست - لنینیستی میان زحمتکشان ایران گمک کرد.

در سالهای حکومت دیکتاتوری رضا خان مؤلفین حزبی تحت پیگرد شدید مقامات دولتی قرار داشتند. مدیر روزنامه کمونیستی «نصیحت» (میرزا یحیی کیوانی) قربانی توطئهای شد که به فرمان رضا شاه علیه او ترتیب داده شده بود (۱).

کمونیستهای ایران و رجال حزبی که به اروپا مهاجرت میکردند، حتی آنجا هم تحت پیگرد عمال پلیس رضا شاه بودند. مؤلفین حزبی ضمن ادامه کار تبلیغی خود در ایران و خارج از کشور، در دشوارترین شرایط پنهانکاری فعالیت میکردند. تمادفی نبود که بسیاری از مطالب مجله «ستاره سرخ» و روزنامه «پیکار» بدون امضاء یا بانام‌های مستعاری چون «کارگر»، «روشن»، «ناجی»، «زحمتکش» و غیره چاپ میشد.

به علت فقدان اطلاعات دقیق دشوار بتوان مشخص کرد که چه کسانی زیر ناسهای مستعار فوق فعالیت میکردند. در حال حاضر تعیین مقاله‌هایی که به قلم مرتضی‌علوی مؤلف یا استعداد و سازمانگر انتشار ارگانهای حزبی در خارج از کشور نوشته شده است، ناممکن است.



اسدالله غفارزاده

مؤسس مطبوعات کارگری ایران

کمان می‌رود که تقی‌ارانی دانشمند مارکسیست برجسته ایران در انتشار روزنامه «پیکار» فعالانه شرکت می‌کرده است (۱).

م. صدر هاشمی اشاره می‌کند که فرخی یزدی و سالار ظفر سنجابی شعرای انقلابی ایران که علیه دولت رضا شاه و امپریالیسم انگلیس سخن می‌گفتند، مقاله‌های برای روزنامه «پیکار» مینوشتند (۲).

نام حقیقی نویسنده‌ای که با دو اسم مستعار «مراغدهای» و «روستا» اغلب در روزنامه «پیکار» مقاله مینوشت. آ. سلطانزاده بوده است. آ. سلطانزاده اهل مراغه بود و نام مستعار «مراغدهای» زیر مقاله‌هایی مربوط به مسئله ارضی قرار داشت. آ. سلطانزاده در باره مسئله ارضی معمولاً بانام خانوادگی خود نیز مقاله مینوشت. این واقعیت که در یکی از مقاله‌های با امضاء آ. سلطانزاده به مقاله قبلی خود در «پیکار» با امضاء «روستا» استناد می‌کند، حاکی از آن است که نام مستعار «روستا» همانا از آن آ. سلطانزاده است. آ. سلطانزاده (آوتیس میکائلیان) در آغاز سده جاری از آذربایجان ایران به باکو آمد و در مبارزه آزادیبخش پرولتریای باکو و روسیه شرکت فعالی داشت. بعدها او یکی از رجال برجسته جنبش کارگری و کمونیستی در ایران شد. در سالهای ۱۹۲۱ - ۱۹۲۱ نماینده حزب کمونیست ایران در کمیته‌ترین بود و همانا از سازمانهای برون مرزی حزب را رهبری می‌کرد.

ابوالقاسم ذره نیز با نام خود مطالبی در صفحات «پیکار» منتشر می‌کرد. او یکی از شرکت کنندگان فعال انقلاب سالهای ۱۹۲۱ - ۱۹۱۹ گیلان، شاعر و نویسنده و مدیر روزنامه «انقلاب سرخ» در زمان انقلاب گیلان بود.

ما در بخشهای گذشته سلسله مقاله‌های ابوالقاسم ذره بانام «ما چه می‌خواهیم» را بررسی کردیم. تنها باید اشاره کرد که مقاله‌های ا. ذره از لحاظ تحلیل عمیق و منطقی بودن ادعاها چشم گیراند. ابوالقاسم ذره با تاریخ ایران و کشورهای خاور زمین به خوبی آشنا بود. آثار کلاسیک‌های مارکسیسم - لنینیسم و تاریخ جنبش در ایران را آموخته بود. تمام اینها مقاله‌های او را بسیار پر محتوا و قانع کننده می‌کرد.

بدین ترتیب، مؤلفین حزبی در دشوارترین شرایط ارتجاع، می‌کوشیدند انتشار ارگانهای کمونیستی را ادامه دهند. اما به دلیل تعقیب‌ها و بازداشت‌ها، صفوف آنها پیش از پیش کاهش می‌یافت.

در سالهای ۱۹۲۰ - ۱۹۲۱، م.ج. جوادزاده (پیشه‌وری) و دیگر نویسندگان ورهبران برجسته حزبی در ایران بازداشت شدند. تقی‌ارانی که در سال ۱۹۲۴ در تهران ارکان تئوریک حزب یعنی مجله «دنیا» را منتشر می‌کرد و ایرج اسکندری، بزرگ علوی

۱ - صدر هاشمی م. کتاب نامبرده، جلد ۲، ص. ۹۲ - ۹۲.

۲ - همانجا.



آ. سلطانزاده
نویسنده برجسته مارکسیستی

(برادر مرتضی علوی)، ع. گامبخش و دیگر نویسندگان حزبی که به دور حزب گردآمده بودند، در سال ۱۹۲۷ دستگیر شدند. بسیاری از نویسندگان حزبی در سیاه چالها شهادت رسیدند و برخی از آنها از جمله م. ج. پیشه‌وری، ایرج اسکندری، رضا روستا، رضا رادمنش و دیگران، پس از آزادی از زندان در سال ۱۹۴۱، به تاسیس مطبوعات ضد فاشیستی و حزب توده ایران اقدام کردند.

فعالیت روزنامه‌نگاری و نویسندگی انقلابیون ایران قسمتی از مبارزه پرولتاریای ایران علیه استبداد شاه و امپریالیسم است و دارای اهمیت فراوانی در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری ایران می‌باشد.

در پرتو جدیت و توانائی نویسندگان حزبی و وفاداری بی پایان آنها به امر حزب و خلق بنیان مطبوعات کمونیستی و کارگری ایران - مطبوعات طراز نوین ایران نهاده شده است.

و. ای. لنین ضمن مشخص کردن ماهیت فعالیت نویسندگان حزبی می‌نوشت: «ما باید کار همیشگی نویسندگان را انجام دهیم، یعنی تاریخ زندگی معاصر را بنویسیم و بگوئیم آنها چگونه ای بنویسیم که توصیف ما برای شرکت کنندگان مستقیم جنبش و برای قهرمانان یعنی برای پرولتاریا که در میدان عمل قرار دارد، کمکی در خور نیرو باشد - یعنی بگونه‌ای بنویسیم که به گسترش جنبش و انتخاب آگاهانه وسایل، راهها و شیوه‌های مبارزه که بتوانند با کمترین تلفات بیشترین و پایدارترین نتایج را بدهند، کمک کنیم» (۱).

دست انداز کاران مطبوعات کمونیستی و کارگری ایران، با مجهز شدن به تجربه نویسندگان مکتب لنینی، علیه استبداد رژیم شاه و زورگویی بیگانه در کشور مبارزه آشتی ناپذیری کردند، در جنبش آزادیبخش - ملی مردم، شرکت فعالی داشتند، مبارزات انقلابی طبقه کارگر ایران در راه حقوق خویش را جهت دادند، وظایفی را که حزب در نظر گرفته بود، انجام دادند و نیز به گسترش اندیشه‌های مارکسیسم - لنینیسم در ایران کمک کردند.

مهمترین صفت فعالیت همه نویسندگان حزبی ایران عبارت از خدشت آشکار و آگاهانه آنها به منافع طبقات زحمتکش است. در همان حال در استعدادهای متنوع فردی دست اندرکاران جراید کمونیستی، اشتراک اصول ایدئولوژیک - آفرینشگرانه بیان شده است. تجربه خلاق نویسندگان حزبی که در جریان رشد مطبوعات کمونیستی ایران بدست آمده، امروزه برای رشد مطبوعات حزب توده ایران و نیز جراید مترقی خلقهائی که در راه استقلال و دگرگونیهای دموکراتیک مبارزه میکنند، اهمیت فراوان دارد.

۵ - اشکال و شیوه‌های مطالب مطبوعات کمونیستی ایران

برای تبلیغ اندیشه‌های انقلابی و افشاء ایدئولوژی بورژوازی مطبوعات کمونیستی و کارگری ایران میتوانند از گنجینه ادبیات اجتماعی و سیاسی حزبی استفاده کنند و برای افزایش تاثیر خود بر خوانندگان اشکال و شیوه‌های نوینی بیابند. مقاله‌ها، نامه سرکشاده، طنز سیاسی، تفسیر، یادداشت خبرنگاران و خلاصه مطبوعات شیوه‌های عمده‌ای بود که مورد استفاده جراید کمونیستی قرار گرفته است. اما مقاله‌ها که همه مؤلفین حزبی به آن پرداخته‌اند بویژه برجسته میشوند.

سرشار از اندیشه عالی بودن و حزبیت، تلاش برای پیوند تئوری انقلابی با مبارزه همه روزه زحمتکشان ایران در راه آزادی و دسکراسی، استدلال دقیق و صراحت اندیشه - اینها همه، صفات مقاله‌هایی است که در صفحات مطبوعات کمونیستی چاپ شده است. تقریباً تمام جراید و مجلات کمونیستی سلسله مقاله‌هایی را که به يك موضوع مشخص اختصاص یافته بود، چاپ میکردند. این، باعث بررسی دقیقتر و عمیقتر آن موضوع میشد، سبک نگارشی که برای ارکان حزبی موفقیت میآورد، مورد استفاده دیگر نشریات حزبی هم قرار میگرفت. مثلاً سلسله مقاله‌هایی با نام «ما چه میخواهیم» در روزنامه «حریت» درج شده بود که در آنها اهداف و وظایف حزب «عدالت» بیان میشد. روزنامه «بیکار» نیز در سلسله مطالبی با همین نام، جوانب اصلی برنامه حزب کمونیست ایران را بزبان ساده شرح میداد.

ویژگی مقاله‌های مندرج در مجله «ستاره سرخ» و روزنامه «بیکار» عبارت از فاکتیوا و آمار فراوان آنهاست. م. صدر هاشمی با اشاره به این مینوشت: «اطلاعات و اسنادی که در مطالب «بیکار» استفاده شده است، حاکی از آنست که مرتضی علوی با چند دانشجویی که در آلمان تحصیل میکردند، نمیتوانستند به تنهائی به این اخبار دست یابند. در آن زمان حزب کمونیست آلمان بسیار نیرومند بود و امکانات بسیاری در اختیار داشت. حزب دارای ۸۰ نماینده در رایشتاک بود. میتوان جلس زد که کارمندان وزارت امور خارجه دولت آلمان جدا به روزنامه «بیکار» کمک میکردند» (۱).

جلس م. صدر هاشمی با واقعیت سازگار است. حزب کمونیست آلمان به کمونیستهای ایران کمک فراوانی میکرد و این تعجب آور نیست. چرا که اصل کمک و پشتیبانی متقابل، يك اصل اساسی در مناسبات احزاب کمونیست و کارگری جهان است.

این احزاب برای، پیروزی اندیشه‌های مارکسیست - لنینیستی در جنبه واحدی متحد شده‌اند.

اما باید یادآور شد که برخلاف م. صدر هاشمی «پیکار» فقط توسط م. علوی و «چند دانشجویی که در آلمان تحصیل میکردند» منتشر نمیشد. حزب کمونیست ایران در پشت روزنامه و مجله ایستاده بود. اعضای این حزب با وجود تضییقات و پیگردهای شدید، هم در خارج و هم در خود کشور به فعالیت ادامه میدادند و ارگانهای مطبوعاتی خود را با مطالب لازم تغذیه میکردند.

و. ای. لنین اهمیت فاکتبا را در بررسی پدیده‌های اجتماعی مینوشت: «... باید گوئید از فاکتبای دقیق و قطعی چنان پایه‌ای ایجاد کرد که بتوان بر آن تکیه زد...» (۱) و برای اینکه چنین پایه‌ای را ایجاد کرد، «باید ندرتفاکتبای جداگانه بلکه تمام فاکتبائی را که به موضوع مورد بررسی مربوط میشوند، بدون يك استثناء در نظر گرفت...» (۲). لنین می‌آموخت، تنها در این صورت میتوان روابط عینی و هم پیوندی پدیده‌های تاریخی را مشخص کرد.

فاکتبا و اسناد در بسیاری موارد در مطالب جراید کمونیستی ایران همانا در خدمت چنین شالوده‌ای بودند، ر. پیامی در مقاله خود مندرج در مجله «ستاره سرخ»، «بودجه دولتی و رژیم ارتجاعی پهلوی» را با ارقامی آغاز میکند، حاکی از آنکه بودجه دولتی طی ۶ سال اخیر، از زمانی که رضا شاه پهلوی به قدرت رسید، سه برابر شده است. او مینوشت که بخش اصلی این بودجه را مالیاتها تشکیل میدهند. او شرح میداد که سیستم مالیاتی ایران و نسبت حجم سه نوع مالیات موجود ثابت میکند که ۴۴ میلیون از ۲۵ میلیون تومان بودجه دولتی را مالیاتهای که زحمتکشان میپردازند تشکیل میدهند. نویسنده مقاله میپرسد: «این ۲۵ میلیون صرف چه چیز میشود؟» او پس از بررسی در بودجه وزارت جنگ و وزارت فرهنگ و امور اجتماعی، مینوشت: «دولت پهلوی چهل درصد بودجه را صرف قشون و چهار درصد یعنی ده مرتبه کمتر را صرف معارف میکند. این مسئله يك چیز شوخی و اتفاقی نیست. اینجا صفت اصلی و ارتجاعی حکومت رضا خان معلوم میشود. «ترقی» و «اصلاحات» پهلوی فقط در شکل ساختمان «حس نمایان میگردد رژیم پهلوی هر سال يك میلیون صرف ساختمان مجلس می‌نماید. ولی کلاسهای اکابر که در آن عناصر زحمتکش و یا فقیر تحصیل میکردند «برای تقلب و صرفه جوئی بودجه» بسته میشود» (۳).

در این مقاله حجم مالیاتها برای خرید سلاح و مبلغی که به وزراء، اشراف،

۱ - لنین، و. ای. کلیات آثار، جلد ۲۰، ص. ۲۵۰.

۲ - همانجا، ص. ۲۵۱.

۳ - ستاره سرخ، ۱۹۲۹، شماره‌های ۲ - ۱، ص. ۲۷.

روحانیت بزرگ و غیره پرداخت میشد بررسی شده است. بدین ترتیب در جریان تجزیه و تحلیل سیاست مالی دولت رضا شاه، خصلت ارتجاعی و ضد خلقی رژیم موجود در ایران آشکار میشد و این هدف اصلی ارگان حزبی بود. در صفحات جراید و مجلات کمونیستی اغلب مطالبی درج میشد که به شیوه نامه نگاشته شده بود و مطبوعات حزبی در آنها رابطه خود را نسبت به مسائل گوناگون زندگی اجتماعی و سیاسی بیان کرده اند. «نامه سرکشاده» معمولترین شیوه مورد استفاده مجله «ستاره سرخ» بود. مطالبی هم که به همین شیوه بانام «پاسخ ها» در صفحات «پیکار» نشر مییافت. بویژه جالب است.

«پیکار» همچنین نظر خود را نسبت به نطق رضا شاه در مجلس درباره بحران اقتصادی که کشور را فرا گرفته بود، به شیوه «پاسخ» بیان داشت (۱).

روزنامه «حریت» از شیوه عزل آئین نگارش وسیعتر و بیشتر استفاده میکرد. «حریت» ستون ثابتی بانام «طنز کوتاه» داشت که در آن طنزها و مقالههای مزه آزاری که ماهیت واقعیات منفی را آشکار میکرد نشر مییافتند. م. ج. جوانزاده و حسن ضیاء که فعالانه به این شیوه طلب مینوشتند، اغلب به طنزهای کوتاه خود، نامهای کلی از قبیل «فلان، بسمان»، «گفتگوهای بوج» و غیره میدادند. قهرمان اکثر این «طنزهای کوتاه» کارگر فعال و تیز هوش ایرانی بود که آرزو میکرد در صفحات مطبوعات سخن بگوید. طنز نویس او را که هر بار با پیشنهادات مختلف به نزد مدیر روزنامه میآمد، ترسیم میکرد. او پیشنهاد میکرد درباره آنچه که در اطرافش دیده بود نوشته شود -- در باره بی عدالتی، خشونت، بی تفاوتی، تعصب مذهبی که به حقوق رحمتکشان لطمه میزد ... معمولاً تمام این تذکرات نشر نمییافت، زیرا که «بوج» بودند. در داستانهایی که بزبان مزه تعریف شده بود، قشریت و کودنی «فرمانروایان زندگی» - از شاه و آریستوکراتی ایران گرفته تا بازرگانان برملا میشد. موضوع بسیاری از طنزها، به اصطلاح «روشنفکر سلی» ایران و آذربایجان که گویا دلش به حال حقوق رحمتکشان سیسوزد، بود.

مطالب خبری نیز مانند مقالها، سادهترین شیوه ای بود که تمام ارگانهای حزبی مورد استفاده قرار میدادند. اخباری که در صفحات نشریات کمونیستی بحاب میرسید و بسیاری از فاکتیا و رویدادهای ایران و جهان را در برمیگرفت، از لحاظ اهمیت چشم گیراند، شیوه انتقال اخبار که «پیکار» وسیعاً از آن استفاده میکرد خیلی جالب است. مثلاً روزنامه، اخبار جداگانه ای را که از تعدادی فاکت تشکیل شده بود، با تیت درشت چاپ میکرد. مثلاً: «بودجه دربار ۵۰۱۴۶۶۴۰ قران، بودجه محمدکل کشور ۷۰۲۲۰۹۰۰ قران - برای جاه و جلال و تعیش شخص رضا شاه ۵۰۰ هزار تومان خرج میشود. برای

سجده ملت ایران ۷۰۰ هزار تومان. این است صورت حقیقی حکومت استبدادی» (۱). ارگانهای حزبی همچنین تحلیلها، خلاصه مطبوعات و انتقادات ادبی را که در آنها جوانب مختلف حیات اجتماعی و سیاسی کشور مطرح میشد، منتشر میکردند. دورویی و مزدوری جراید بورژوازی ایران را افشاء میکردند. درباره ادبیات کهن ایران مینوشتند و وضع ادبیات معاصر را بررسی میکردند.

نامههای زحمتکشان در صفحات تمام مطبوعات کمونیستی جای زیادی را اشغال میکنند و این حاکی از شیرت نشریات کمونیستهای ایران در بین گروه وسیع خوانندگان است. نامها و گزارشهایی که هیئت تحریریه «پیکار» از شهرها و روستاهای مختلف ایران دریافت میکرد، اساس ستون پرخواننده روزنامه یعنی ستون «نامها» را تشکیل میداد. کارگران، دهقانان، حتی نمایندگان لایههای کوچک و متوسط بورژوازی در این نامها و گزارشها از زندگی و احتیاجات خود مینوشته‌اند. علاوه براین، در صفحات جراید و مجلات کمونیستهای ایران، اشعار شعرای انقلابی برجسته ن. نوری، ب. حبیبی، ا. امیرزاده، آ. کازگر، لاهوتی و دیگران که زندگی، کار و مبارزه کارگران و دهقانان ایران را می‌نویسند، چاپ میشد.

زبان ساده و قابل فهم برای توده‌های گسترده زحمتکشان ویژگی مطالب ارگانهای حزبی بود. با این همه، زبان مقاله‌های ارگانهای تئوریک حزب کمونیست ایران با زبان مطالب جراید حزبی تفاوت داشت. اگر سبک علمی و جدی صفت مجلات «آزادی ایران»، بویژه «ستاره سرخ» بود، «بیرق عدالت»، «حامیل»، «پیکار» بزبان ساده‌تر و صریح‌تر مینوشتند و مطالب آنها از لحاظ کنایه‌ها و کاربرد وسیع مثال‌های ادبی، متمایز بودند. در تفاوت با دیگر ارگانهای حزبی، «پیکار» تصاویری را جای میداد که وضع دشوار دهقانان ایران و شکنجه و آزار زندانیان سیاسی را منعکس میکردند. در کاریکاتورها، تسلط انگلیسی‌ها در ایران، جابلوسی و مزدوری دولت پهلوی افشاء میشد. این تصاویر و کاریکاتورها تأثیر انقلابی مطالب روزنامه را افزایش میداد. ارگانهای حزبی برای تبلیغ اندیشه‌های انقلابی در بین بخش وسیع مردم ایران که عمدتاً بیسوادان و ستم‌بین بودند، از اشکال و وسایل متفاوتی استفاده میکردند.

روزنامه «پیکار» برای حمایت از روحیات انقلابی توده‌ها در لحظات دشوار حزب، از اشکال و وسایل مختلفی استفاده میکرد. مثلاً ضمن آگاه کردن خوانندگان از برگذاری میتینگ اعتراض زحمتکشان باکو علیه تصویب قانون منع فعالیت حزب و پیگرد کمونیست‌ها از سوی رضا شاه، قطعه‌نامه میتینگ را چاپ کرد. قطعه‌نامه مدای همبستگی کارگران ایرانی مقیم آذربایجان شوروی را با زندانیان سیاسی که در زندانها عذاب

یکشنبه بلند کرده است (۱) در مقاله رجینالدبریچمن عضو حزب مستقل کارگری انگلیس، از همبستگی کارگران انگلیسی با کارگران ایرانی سخن به میان آمده است.

«پیکار» برای آشنا کردن محافل اجتماعی اروپا با اوضاع واقعی موجود در ایران کوشش فراوان داشت. از میان اقداماتی که به این منظور انجام داده است جا دارد از مطالب شماره دهم روزنامه که به زبانهای اروپای غربی چاپ شده است نام برد. در این شماره مطالبی چون «مسئله ارضی، مشکل اصلی ایران»، «ایران و کارگران انگلیسی»، «چگونه در آلمان روزنامه «پیکار» توقیف شد»، «تنها توهین بی عظمت او و خفقان پلیسی» و غیره درج شده بود (۲).

«پیکار» با وفادار ماندن به رهنمود لنینی، نه تنها کار تبلیغی و ترویجی گسترده‌ای را بلکه همچنین فعالیت سازماندهی وسیعی را انجام داد. همت تحریریه «پیکار» فعالاند در کار پلنوم کمیته اجرائی جوامع ضد امپریالیست که در ژوئیه سال ۱۹۳۱ در برلین برگزار شد شرکت داشت. در این پلنوم نمایندگان ۴۴ کشور شرکت کردند و مابیت سیاست تروویستی دولت رضا شاه در ایران را افشاء نمودند. کمیته اجرائی قطعنامه «بروتست جمعیت ضد امپریالیزم بر ضد ترور حکومت بنلوی» تصویب کرد. این قطعنامه در «پیکار» و نیز در صفحات «طبوعات شرقی بسیاری از کشورها» نشر یافت (۴). «پیکار» علاوه بر حمایت معنوی از زندانیان سیاسی ایران، به منظور کمک مادی به خانواده‌های انقلابیون زندانی مستحق کمک آن موجود آورد و در هر شماره رحمتکشان ایران را فراسیخواند وظیفه همبستگی و برادری را از یاد ببرند و از لحاظ سادی به رفقای خود کمک کنند.

جراید کمونیستی ایران با استفاده از شبکه‌های متنوع نگارش، اشکال و شیوه‌های تبلیغات حزبی وظیفه اصلی خود را انجام دادند؛ هوبت و مضمون تمام مطالب مطبوعات کمونیستی ایران را «وضع شترک ایدئولوژیک - سیاسی آنها تعیین» میکرد.



در ماه مه سال ۱۹۳۱ قانون ویژه‌ای در ممنوعیت فعالیت حزب کمونیست ایران بتصویب رسید. بلافاصله پس از تصویب این قانون موج جدید تظییقات و بازداشت‌ها در سراسر کشور آغاز شد. بسیاری از سازمانهای کمونیستی و ستدیکائی در خراسان،

۱ - پیکار، ۱ اکتبر، ۱۹۳۱، شماره ۱۴.

۲ - پیکار، ۱۵ ژوئن، ۱۹۳۱، شماره ۷.

۳ - منابع خاور زمین، ۱۹۳۲، ص. ۱۱۲، (هزبان روسی).



دکتر تقی ارانی
رهبر زحمتمکشان ایران

تهران، تبریز، اصفهان، آبادان، قزوین، رشت، پهلوی و دیگر شهرها سرکوب شد. سرتاسر کشور پوشیده از شبکه مراکز پلیس و پلیس مخفی بود. در سالهای ۱۹۳۱-۱۹۳۰ گروه بزرگی از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و رهبران سندیکاها بازداشت شدند. تنها کمونیستها و نیروهای مترقی مورد ترور و بیکرد نبودند، بلکه کوچکترین اظهار مخالفت و اندیشه دمکراتیک در کشور، بشدت سزات میشد (۱).

این فشارها بویژه در سال ۱۹۳۲ در رابطه با به قدرت رسیدن فاشیستها در آلمان و تغییر سبکگیری محافل حاکمه ایران به سوی آلمان هیتلری تشدید شد. ارتجاع ایران مبارزه خود را در جبهه ایدئولوژیک هم گسترش داد. این دوران از لحاظ گسترش شونیسیم، پان ایرانیسم، ناسیونالیسم و راسیسم که به تدارک ایدئولوژیک تجاویز خدمت میکردند، متمایز است. سازمانهای مختلف پالیسی فاشیستی با ارگانهای مطبوعاتی خود، از جمله «پرورش افکار»، «ایران باستان»، ایجاد شدند.

در چنین شرایطی، تقی ارانی دانشمند - مارکسیست بزرگ ایران که میکوشید حزب کمونیست ایران را احیاء کند فعالیت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی را گسترش میداد. دو سال پس از قطع انتشار تمام مطبوعات کمونیستی، تقی ارانی همراه با همزمانش در اوایل سال ۱۹۳۴ در تهران اقدام به انتشار ارگان نئوریک حزب کمونیست ایران «جنگ ما» کرد. «دنیا» اندیشه‌های مارکسیسم - لنینیسم را فعلاانه تبلیغ میکرد، بر چهره فاشیسم و راسیسم تازیانه میزد و قاطعانه علیه ارتجاع مبارزه میکرد. «جنگ» در سال ۱۹۳۵ توقیف و خود تقی ارانی در سال ۱۹۳۷ همراه با دوستان و شاگردانش دستگیر شد.

در نوامبر سال ۱۹۳۸ دادگاه آنها که در تاریخ با عنوان «جنگ» ۵۳ نفر وارد شده است، آغاز شد. تعلق دکتر تقی ارانی، اعطای قراوش نشدنی دادگاه بود. او «نه فقط شجاعانه و عمیقا ماهیت ارتجاعی نظام دولتی و زورگویی رژیم و استثمارگران بیگانه در کشور را افشاء کرد، بلکه دادگاه را به تربیون دفاع از اندیشه‌های کمونیسم تبدیل نمود» (۲)

دادگاه، تقی ارانی را به ده سال زندان محکوم کرد. در فوریه سال ۱۹۴۰ او در زندان بدست جلادان ارتجاع ایران بشهادت رسید. تصمیمات بی وقته که حزب را ناتوان میساخت، به آنجا انجامید که حزب کمونیست ایران به مثابه یگانه سازمانی که تمام کشور را فراگرفته بود، سبجور شد «وقتا به فعالیت خود پایان دهد. انتشار مطبوعات حزبی نیز متوقف شد.

سالهای ۱۹۳۲ - ۱۹۲۵، دوران مبارزه دشوار و سرسختانه حزب کمونیست

۱ - بیکار، ۱ ژوئیه ۱۹۳۱، شماره ۸.
۲ - آگاهی ع. م. کتاب نامبرده، ص. ۱۲۱.

ایران در راه موجودیت خود، متحد کردن توده‌های پرولتری و زحمتکش بلور حزب و برقراری نقش رهبری کننده حزب کمونیست ایران در مبارزه طبقه کارگر علیه استبداد و امپریالیسم بین‌المللی بود. کمونیستهای ایران که عمدتاً در شرایط مخفی فعالیت میکردند، از هر امکائی برای مراجعه به مردم استفاده میکردند. جراید و مجلاتی که کمونیستها در دشوارترین شرایط کار مخفی در خود ایران منتشر کرده‌اند گواه این امر است. اما نقش بزرگ در این دوران در امر تحقق برنامه حزب کمونیست ایران و گسترش اندیشه‌های مارکسیسم - لنینیسم به ارگانهای مرکزی حزبی که در خارج نشر مییافتند تعلق دارد. در ارگانهای مرکزی حزبی تقریباً تمام مسائل مهم حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران از موضع مارکسیست - لنینیستی مطرح میشد.

اشتباهات مشخص ارگانهای مطبوعاتی حزب کمونیست ایران در طرح و بررسی این یا آن مسائل نتیجه «دکماتیسم و سکتاریسمی بود که در آن زمان به حزب سرایت کرده بود» (۱).

یکی از نواقص مطبوعات کمونیستهای ایران عبارت از آن بود که آنها عمدتاً به زبان فارسی چاپ میشدند. تنها جراید و مجلاتی که در ماوراء قفقاز و ترکستان منتشر میشدند از این روش بلور بودند. آنجا اکثر مطالب بزبان آذربایجانی نشر مییافت. و ای. لنین در سخنرانی خود در اولین کنگره سازمانهای کمونیستی خلقهای خاوری سراسر روسیه میگفت: «در برابر شما این وظیفه قرار دارد که از این پس همه این بیاندیشید که در داخل هر کشور بزبان قابل فهم برای مردم، تبلیغ کمونیستی شود» (۲) و در چنین کشور کثیرالمللهای چون ایران که علاوه بر فارسیها، در آن آذربایجانیها، کردها، عربها، بلوچها، ترکمنها و دیگر اقلیتهای ملی بسر میبرند و عمدتاً بزبان مادری خود صحبت میکنند، کمونیستها با انتشار ارگانهای حزبی بزبان فارسی، تا اندازه‌ای اثر بخشی آن را بر توده‌های وسیع خلقهای ساکن ایران کاهش میدهند.

علیرغم نواقص و اشتباهات فوق، ارگانهای مطبوعات حزب کمونیست ایران که در دشوارترین شرایط در خارج از کشور چاپ میشدند، در امر دفاع از منافع و حقوق توده‌های زحمتکش ایران، در تربیت سیاسی طبقه کارگر، ایجاد سازمانهای کارگری و هدایت فعالیت آنها و افشاء دیکتاتوری ملاکی - بورژوازی موجود در کشور، کار بزرگی انجام دادند.

بیش از پانزده سال تجربه جراید حزب کمونیست ایران، بعدها از سوی مطبوعات حزب توده ایران که ایجاد آن سرآغاز مرحله نوین جنبش کمونیستی در کشور بود، بکار گرفته شد.

۱ - دنیا، ۱۳۴۶، شماره ۴، ص. ۱۱۳ - ۱۱۲.

۲ - لنین، و. ای. کلیات آثار، جلد ۳۹، ص. ۲۳۰.

نتیجه

ف. انگلس که همراه با ك. مارکس شالوده سیاسی اصول مطبوعات کمونیستی را بنیان‌نهاد، در دوران شکل گیری روزنامه‌نگاری کمونیستی، اشاره کرد که وظایف جراید حزبی پیش از هر چیز عبارتست از: «بحث کردن، مدالی ساختن، بسط و دفاع از خواستهای حزب، تکذیب و رد ادعاها و اظهارات حزب دشمن» (۱).

و. ای. لنین نیز ضمن بررسی علمی اصول سیاسی، وظایف عملی و راههای رشد مطبوعات انقلابی، خواهان رعایت حزبیّت کامل از سوی ارگانهای مطبوعاتی بود. و. ای. لنین هنگام تأسیس «ایسکرا». صفات اصلی آنرا بعنوان يك روزنامه همگانی سیاسی، تعیین کرد و گفت: «در اروپای کنونی، بدون داشتن ارگان سیاسی غیر ممکن است که جنبشی شایسته نام سیاسی باشد، بدون این ارگان وظیفه ما به هیچ روی انجام شدنی نیست» (۲).

مطبوعات کمونیستی ایران با تکیه بر تئوری مارکسیست - لنینیستی روزنامه‌نگاری، از لحظه پیدایش خود ثابت قدم و پیگیرانه خط مشی اساسی حزب را تبلیغ کرده و در تحقق وظایف سیاسی که در برابر حزب کمونیست ایران نهاد شده بود، نقش مهمی بازی کرد.

برای نخستین بار در تاریخ زندگی اجتماعی، سیاسی ایران مطبوعات حزبی مترقی با سبک مارکسیستی بوجود آمد و فعالیت کرد، این امر برای رشد افکار دموکراتیک در کشور و مبارزه ملت ایران اهمیت فراوانی داشت.

بررسی که از مطبوعات کمونیستی ایران به عمل آمد، اتخاذ نتایج زیر را مستدل میکند:

تشکیل حزب کارگری و سپس حزب کمونیست ایران و مطبوعات آن از لحاظ تاریخی نتیجه قانونمند مبارزه طبقه کارگر پیشرو در راه حقوق خود و آزادی ملت ایران از ستم استبداد شاهی و امپریالیسم بود؛
برای پیدایش مطبوعات کارگری در خارج از کشور و انتشار ارگانهای کمونیستی در مهاجرت، شرایط عینی وجود داشت

۱ - مارکس، ك. انگلس، ف. آثار چاپ دوم، جلد ۴، ص. ۲۷۱.

۲ - لنین، و. ای. کلیات آثار، جلد ۵، ص. ۱۰.

نشریات کارگری و کمونیستی که در خارج از کشور نشر مییافت، با وجود تمام دشواریها و موانع، وسیعا در ایران پخش میشد؛ مطبوعات کمونیستی ایران پیوسته بیانگر منافع توده‌های وسیع زحمتکشان بودند و قاطعانه در مواضع طبقه کارگر ایران قرار داشتند؛

جراید کمونیستی ایران با تکیه بر شالوده محکم مارکسیسم - لنینیسم خلاق، تمام موانعی را که در راه گسترش اندیشه‌های مارکسیسم - لنینیسم در ایران و تبدیل آنها به ایدئولوژی رهبری کننده در مبارزه کارگران و زحمتکشان ایران وجود داشت، از میان برد؛

مطبوعات کمونیستی ایران فعالیت سازمانی وسیعی را انجام میداد و در امر رهبری کار عملی حزب نقش بزرگی باری کرد؛

در مقدمات جراید کمونیستی ایران سیاست ظالمانه استبداد شاهی و ماهیت غارتگرانه سیاست امپریالیستهای انگلیسی در ایران، افشاء میشد؛

افشاء فعالیت ضد خلقی و ضد انقلابی جراید بورژوازی ایران، تاثیر ایدئولوژی بورژوازی بر توده‌های زحمتکش ایران را کاهش میداد؛

مطالب ارگانهای کمونیستی به رشد آگاهی سیاسی توده‌های وسیع خلق و افزایش شرکت آنها در مبارزه ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی کمک میکرد؛

مطبوعات کمونیستی ایران که سلاح برندای در دست حزب بود مبارزه آزادی بخش تمام زحمتکشان ایران را علیه ارتجاع داخلی و امپریالیسم بین المللی سوق میداد؛

مطبوعات کمونیستی ایران مبارزه طبقه کارگر در راه حقوق خود را رهبری و در تربیت ملت ایران با روح انقلابی نقش فراوانی ایفاء کرد؛

در مقدمات کمونیستی ایران حل مسئله ملی مطرح میشد، این مسئله برای کشور کثرت‌الملله‌ای چون ایران اهمیت حیاتی دارد؛

مسئله ارضی که حل آن مهمترین مسئله زندگی اقتصادی و اجتماعی ایران است از سوی جراید کمونیستی ایران طرح میشد؛

در جریان ایجاد و فعالیت مطبوعات کارگری و کمونیستی ایران، مؤلفین حزبی و مارکسیست - لنینیست‌های ثابت قدمی پرورش یافتند که به ثمربخشی فراوان نوشته‌های اجتماعی و سیاسی ایمان کامل داشتند و صادقانه به منافع پرولتاریا و تمام زحمتکشان ایران خدمت میکردند؛

مطبوعات کمونیستی از گنجینه ادبیات اجتماعی و سیاسی حزبی یعنی مقاله‌ها، نامه‌های سرگشاده، مقاله‌های فکاهی انتقادی، تفسیرها، نوشته‌های خبرنگاران و خلاصه مطبوعات وسیعا استفاده میکرد و اشکال و شیوه‌های بدیعی را به کار می‌بست که تاثیر مطالب خود را افزایش میداد و بازبان ساده و روشن با خوانندگان سخن میگفت؛

اشتباهات جداگانه نشریات کمونیستی ایران نتیجه انعکاس خط مشی‌های نادرست تاکتیکی حزب در برابر پاره‌ای از مسائل بود؛

نقص اصلی مطبوعات کمونیستهای ایران این بود که عمدتاً به زبان فارسی منتشر میشد و در نتیجه تا اندازه معینی تاثیر آن را بر توده‌های وسیع زحمتکشان ملیتهای مختلف ساکن ایران را کاهش میداد.

مطبوعات کمونیستی ایران با وفادار ماندن به سنن جراید انقلابی و دمکراتیک ایران و گسترش آنها مطابق شرایط نوین، به مطبوعات طراز نوین، حزبی، خلقی، توده‌ای و دمکراتیک تبدیل شد. جراید کمونیستی ایران با بالا بردن سطح خوانندگان خود ثابت میکرد که قاعده بورژوازی برای کارگران بیگانه است: «نویسنده مینویسد و خواننده میخواند» (۱).

تجربه‌گران بنیادی را که از مطبوعات حزب کمونیست ایران اندوخته شده، امروز میتوانست مورد استفاده مؤثر حزب توده ایران و نیز جراید مترقی خلقی‌هایی که مبارزه در راه استقلال و انجام دگرگونیهای دمکراتیک را ادامه میدهند، قرار گیرد:

حزبیت، اصولیت، بیگیری و آستی ناپذیری در برابر ایدئولوژی بورژوازی همچنان سرمشق فعالیت تمام مطبوعات کمونیستی و کارگری جهان باقی خواهد ماند.

فعالیت اجتماعی و سیاسی، اشکال و شیوه‌های کار انتشاراتی کمونیستهای ایران در دشوارترین شرایط ارتجاع و ترور چه علمی، چه مخفی و در مخابرات، مورد توجه فراوان تمام احزاب کمونیست و کارگری و نیروهای مترقی کشورهای که در راه آزادی و دمکراسی مبارزه میکنند، قرار دارد.

تجربیات افتخار آفرین جراید کمونیستی ایران از سوی حزب توده ایران درک و خلاقانه بسط داده میشود.

سقوط سلطنت رضاشاه پهلوی در سپتامبر سال ۱۹۴۱، انعقاد اتحاد، و قراردادهای جانبه‌شوروی-انگلیس-ایران و اعلان جنگ علیه آلمان فاشیست تاثیر فراوان بر رشد زندگی اجتماعی و سیاسی ایران بخشید. در پائیز سال ۱۹۴۱ زندانیان سیاسی - کمونیستهای رجال مترقی جنبش دمکراتیک ایران از زندانها آزاد شدند و از تبعیدگاهها باز گشتند. کمونیستهای ایران که طی سالهای گذشته نیرو گرفته، رشد کرده و تجربه مبارزه اندوخته بودند، در اکتبر سال ۱۹۴۱ بار دیگر حزب خود را تشکیل دادند و آنرا حزب توده ایران نامیدند.

حزب توده ایران بزودی لایه‌های وسیع کارگران، روشنفکران مترقی و دیگر عناصر مترقی را متحد کرد.

در همین زمان حزب توده ایران دست به انتشار مطبوعات حزبی زد. روزنامه

«سیاست» نخستین ارگان مطبوعاتی آن بود. از ژانویه سال ۱۹۴۲ روزنامه خند فاشیست «مردم» آغاز به انتشار کرد و سپس ارگان مرکزی حزب شد (۱).

«مردم» از همان نخستین شماره‌ها ماهیت خند بشری فاشیسم و «تئوری» نژاد پرستانه آن و فعالیت تخریبی عاملین فاشیست در ایران را افشاء میکرد و الهامبخش مبارزه خند فاشیستی بود و به همین دلیل از سوی عناصر مترجع تحت پیگرد قرارداشت و چندین بار توقیف شد.

در مارس سال ۱۹۴۲ به جای «مردم» که از سوی دولت تعطیل شده بود، روزنامه «رهبر» ارگان کمیته مرکزی حزب توده ایران آغاز به انتشار کرد. این روزنامه در امر دفاع از منافع توده‌های زحمتکش ایران، تبلیغ اندیشه‌های مارکسیستی - لنینیستی و شرح برنامه و شعارهای حزب نقش فراوانی ایفاء کرد.

شورای مرکزی سندیکاهاى ایران که در فوریه سال ۱۹۴۲ تحت رهبری حزب توده ایران بوجود آمده بود، روزنامه «ظفر» را منتشر کرد.

رضا رادمنش، ایرج اسکندری، رضا روستا، م. ج. پیشدوری ناشرین و مدیران جراید کمونیستی «مردم»، «رهبر»، «ظفر» و «آزیر» که به ضرورت اتحاد همه نیروهای دمکراتیک و مطبوعات مترقی پی برده بودند، در ژوئن سال ۱۹۴۳ در تهران «جنبه آزادی» را بوجود آوردند. مدیران جراید مرکز و استانها و نمایندگان سازمانهای دمکراتیک به این جنبه وارد شدند. تا ماه مارس سال ۱۹۴۵ «جنبه آزادی» گلدشهرت فراوانی در بین بخش شرقی جامعه کسب کرده بود. ۴۴ ارگان مطبوعاتی را متحد میکرد.

سازمانهای منطقه‌ای حزب توده ایران نیز ارگانهای خود را منتشر میکردند. در سالهای ۱۹۴۵ - ۱۹۴۱ تنها در آذربایجان ایران ۲۱ روزنامه و مجله بزبانهای فارسی، آذربایجانی و ارمنی منتشر میشد (۲). در سپتامبر سال ۱۹۴۵ در دوران اعتلای جنبش آزادی بخش - ملی در آذربایجان ایران، فرقه دمکرات آذربایجان به رهبری م. ج. پیشدوری انقلابی برجسته و رجل اجتماعی، مؤلف و روزنامه‌نگار مشهور تشکیل شد. ارگان مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان، روزنامه «آذربایجان» بود.

«آذربایجان» از ۵ سپتامبر سال ۱۹۴۵ آغاز به انتشار نمود و فعالیت تبلیغی، ترویجی و سازماندهی خود را از همان روز دنبال کرد. در دوران حاکمیت خلق در آذربایجان از دسامبر سال ۱۹۴۵ جراید زیر به زبان آذربایجانی نشر مییافتند: «آزاد»

۱ - گامبخش. ع. کتاب نامبرده، ص. ۶۳.

۲ - عبدالهیف (ولائی) م. نقش مطبوعات دمکرات در جنبش آزادیبخش ملی در آذربایجان ایران (۱۹۴۶ - ۱۹۴۱). - باکو، ۱۹۷۵، ص. ۱۹ (بزبان آذربایجانی).

ملت» - ارکان مجلس ملی آذربایجان - ، «غلبه» - ارکان سندیکاهای آذربایجان - ، «جوانلر» (جوانان) - ارکان جوانان دمکرات آذربایجان - ، «آذربایجان اولدوزو» (ستاره آذربایجان)، «ینی شرق» (خاور نو)، «معارف»، «دمکرات» - ارکان کمیته شهر تبریز فرقه دمکرات آذربایجان - ، «آذر» - ارکان کمیته ناحیه زنجان فرقه دمکرات آذربایجان، «ارومیه» - ارکان کمیته ناحیه ارومیه فرقه دمکرات آذربایجان - و غیره. تمام نشریات حزبی فرقه دمکرات آذربایجان اصلاحات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را که در برنامه حکومت ملی در نظر گرفته شده بود وسیعاً شرح داده و توددهای خلق را برای تحقق آنها و دفاع از آزادی بدست آمده، بسیج میکردند. تحت تأثیر مستقیم مبارزه آزادی بخش - ملی در آذربایجان، جنبش دمکراتیک کردستان را نیز فرا گرفت. در آنجا تحت رهبری قاضی محمد حزب دمکرات کردستان تشکیل شد. حکومت ملی کردستان که در اواخر سال ۱۹۴۵ تشکیل شد، با پیروی از برنامه حزب دمکرات کردستان در مدت کوتاهی به موفقیت‌های بزرگی در عرضه رشد فرهنگ و آموزش نائل شد. روزنامه‌ها و مجلات دمکراتیک به زبان کردی مانند «کردستان»، «روزگاری» (آزادی) و مجلات «نیشتمان» (میهن)، «کردستان» و ... آغاز به انتشار کردند.

در اواخر سال ۱۹۴۶ ارتجاع ایران دست به تهاجم زد و جنبش آزادیبخش - ملی خلقی آذربایجان و کردستان را غرق در خون ساخت. قوانین دمکراتیک را ملغی، جرایم و هر نوشته دیگری بزبان آذربایجانی و کردی را از بین برد. دولت که میکوشید مانع رشد جنبش دمکراتیک در کشور شود، در شهرهای ایران حکومت نظامی اعلام کرد، ناشرین و مدیران ارگانهای مطبوعاتی را جریمه و به دادگاه جلب کرد و خود نشریات توقیف شدند. علیرغم تمام دشواریها حزب توده ایران انتشار ارگانهای خود را به هر طریقی ادامه میداد، مثلاً به جای «مردم» که تعطیل شده بود، «نامه مردم» و به جای «رهبر»، «نامه رهبر» منتشر میشد. در دسامبر سال ۱۹۴۶ بجای روزنامه توقیف شده «رهبر»، بار دیگر روزنامه «مردم» آغاز به انتشار کرد.

۴ فوریه سال ۱۹۴۹ خبرنگار روزنامه «پرچم اسلام» که با سازمان «فدائیان اسلام» رابطه داشت، گوشتید شاه را به قتل رساند مقامات دولتی از این رویداد برای تشدید بیگرد علیه تمام احزاب مترقی و اپوزیسیون، سازمانها و ارگانهای مطبوعاتی استفاده کردند. حزب توده ایران غیر قانونی اعلام شد. دهها روزنامه دمکراتیک و مترقی در آن واحد تعطیل شدند. حزب توده ایران مجبور بود فعالیت علنی را قطع و به کار مخفی روی آورد. از ۲ اکتبر سال ۱۹۴۹ روز تأسیس حزب روزنامه «مردم» ارکان گمبسته مرکزی حزب توده ایران در شرایط مخفی آغاز به انتشار کرد. چهل این روزنامه رویداد مهمی در زندگی اجتماعی ایران بود. تقریباً تمام جرایم ایران در باره انتشار ارکان مخفی حزب توده خبر دادند و پاره‌ای از آنها حتی اولین صفحه «مردم» را در صفحات خود جای دادند. در فوریه سال ۱۹۵۰ روزنامه «رزم» ارکان مرکزی سازمان جوانان حزب توده ایران نیز شروع به انتشار کرد.

ارگانهای مطبوعاتی حزب توده ایران در دوران اعتلاء بخشیدن به مبارزه ضد امپریالیستی در آغاز دهه ۵۰ در ایران نقش مهمی ایفاء کرد و به گسترش فعالیت حزب توده ایران در کشور کمک کردند.

در آوریل سال ۱۹۶۰ در مهاجرت، دومین دوره انتشار ارگان تئوریک حزب توده ایران یعنی مجله «دنیا» آغاز شد بنیانگذار این مجله تقی ارانی رجل ناسی جنبش کمونیستی ایران بود (۱). مجله «دنیا» که در نشر اندیشه‌های مارکسیسم - لنینیسم در ایران، افزایش آگاهی سیاسی کارگران ایران ولایدهای وسیع جامعه نقش فراوانی ایفاء کرده بود، پس از پیروزی انقلاب فوریه سال ۱۹۷۹ در تهران آغاز به انتشار کرد. مجله اوضاع سیاسی کشور را در سطح عالی سیاسی تجزیه و تحلیل میکرد، استراتژی و تاکتیک حزب توده ایران را توضیح میداد و در مورد موضوعات اجتماعی و سیاسی، تاریخی و فلسفی و اقتصادی و فرهنگی مقاله مینوشت.

حزب توده ایران که سالیانی طولانی در شرایط مخفی بسر برده، علاوه بر ارگانهای مرکزی حزبی، در دوره‌های مختلف مهاجرت جراید و مجلاتی چون «صبح امید»، «مسائل حزبی» و غیره را منتشر میکرد.

روزنامه «نوید» که در تهران هر آستانه انقلاب ۱۹۷۹ ایران مخفیانه منتشر میشد، جای ویژه‌ای را در تاریخ مطبوعات حزب توده ایران اشغال میکند. روزنامه «نوید» که کار تبلیغی و ترویجی و سازماندهی بزرگی انجام داد، در پایتخت ایران با تیراژ ۶۰ هزار نسخه چاپ میشد و در بین مردم از شهرت زیادی برخوردار بود. شماره‌های این روزنامه سپس توسط دیگر سازمانهای مخفی حزبی در دهها هزار نسخه تجدید چاپ و در سراسر کشور پخش میشد. در شب قبل از پیروزی انقلاب فوریه، تیراژ روزنامه «نوید» که این بار علنی چاپ شده بود، ۲۴۰ هزار نسخه رسید (۲).

پس از پیروزی انقلاب ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی در ایران که در آن نقش زیادی به فعالیت وسیع حزب توده ایران و مطبوعات آن تعلق دارد، حزب توده ایران به کار علنی روی آورد و در دشوارترین شرایط ارگانهای مطبوعاتی خود را منتشر کرد. مجله «دنیا»، مجله «مسائل بین‌المللی» و روزنامه «مردم»، در این نشریات تقریباً تمام جوانب زندگی اجتماعی و سیاسی ایران و مسائل بین‌المللی از موضع مارکسیست-لنینیستی مورد بررسی قرار میگرفت.

هنگامی که در سراسر ایران لشکرکشی ضد کمونیستی و دشمنی آشکار با سازمانها و احزاب دگراندیش آغاز شد، اعضای حزب توده ایران حتی هواداران آن تحت تعقیب قرار گرفتند، دبیرخانه و محللهای حزب توسط مقامات دولتی اشغال شد.

۱ - دنیا، ۱۹۶۰، ۱۳۳۹، شماره ۱، ص. ۳ - ۲.
۲ - حزب توده ایران در عرصه سیاست روز، ۱۳۵۸، ص. ۲۷ - ۳۶.

روزنامه هفتگی «راه توده» که از سوی «هواداران حزب توده ایران» در مهاجرت در اروپای غربی چاپ می‌شد در اوت سال ۱۹۸۲ تأسیس شده بود. روزنامه از گامهای ضد امپریالیستی دولت حمایت میکرد، در عین حال بسیاری از دیدگاههای داخلی و خارجی سیاست آنرا که به ضرر منافع کشور است مورد انتقاد قرار میداد. روزنامه «راه توده» راههای حفظ، تحکیم و رشد دستاوردهای انقلاب ایران را نشان میداد و رویدادهای غاور نزدیک و میانه را وسیعاً شرح میداد. «راه توده» تضيیقات کنونی مقامات ایرانی علیه حزب توده ایران را قاطعانه محکوم و به ممنوعیت حزب، بازداشت رهبران و اعضای آن اعتراض میکرد.

از ۱۷ خرداد سال ۱۳۶۲ روزنامه «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران منتشر می‌شود. مبارزه روزنامه «مردم» مانند تمام مطبوعات حزب توده ایران مبارزه‌ای است در راه عدالت اجتماعی و دمکراسی، پیروزی اندیشه‌های مارکسیسم - لنینیسم در ایران، در راه صلح و آزادی، استقلال و حیثیت کشور و خوشبختی مردم ایران. نشر روزنامه «مردم» ادامه کار بزرگ انقلابی است که از سوی مطبوعات کمونیستی ایران که یکی از حلقه‌های جنبش جهانی کمونیستی بود، آغاز شده است.

پایان.

Emigre press of the Iranian Communist Party
1917 — 1932

Коммунистическая печать Ирана в эмиграции
1917 — 1932

www.iran-archive.com

۱۲۶۰